

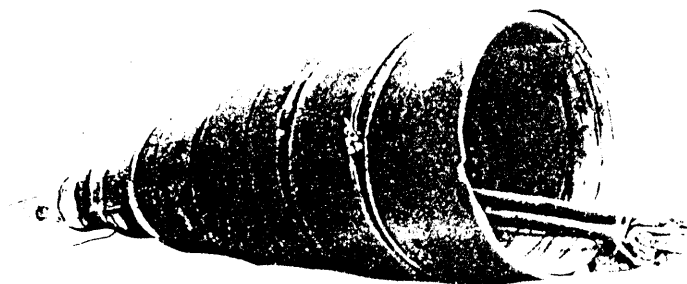


م

مادیگیان، گریشا [Griša Mădigiyan]: نوازنده چیره دست ویلن در ارکستر سنفونیک تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۶ خورشیدی.

ماذروسپان [Măzaruspân]: یکی از مقام های عهد بهرام پنجم ساسانی، از هفت مقام خسروانی مازروسپان را همان؛ ماه در بستان، یکی از آهنگهای زمان خسرو پرویز هم نوشته اند.

ماراکا یا ماراکو [Mărakā yā Mărako]: سازی است ضربی که به آن هوشه (Hochet) هم می گویند.



مارتیروسیان، ژرژ [Jorj Mărtirosyān]: نوازنده و استاد تعلیم ویلن در تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۵ خورشیدی.

مارتیروسیان، لوست [Luset Mărtirosyān]: استاد تعلیم پیانو در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۵۰ خورشیدی.

مارتیروسیان، مارگریت [Mărgrit Mărtirosyān]: از موسیقیدانهای تحصیل کرده ایتالیا و استاد تعلیم موسیقی در هنرهای موسیقی رشت در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۵ خورشیدی. مارگریت مارتیروسیان، همسر هنرمند گرانقدر پروان مارتیروسیان است.

مارتیروسیان، ورا [Verā Mărtirosyān]: استاد تعلیم پیانو در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۵۰ خورشیدی.

مارتیروسیان، پروان [Yervān Mărtirosyān]: استاد آموزش موسیقی در هنرهای موسیقی رشت در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۵ خورشیدی.

Ā,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن

مارتیک [Mártik]: آوازه خوان محبوب قدیمی که همچنان در اوج قرار دارد.

مارتیک در آبادان بدنیا آمد. او ۵ سال داشت که صفحات ۷۸ دور سنفونی را روی گرامافون می گذاشت و با ویلن خیالی خودش ارکستر را همراهی می کرد. ویلن خیالی او یک جاروی دسته کوتاه حصیری بود. مارتیک از ۹ سالگی نواختن گیتار را آغاز کرد. گیتار را خاله اش به قیمت ۲۰ تومن از یک ملوان خارجی می خرد. معلم گیتار مارتیک شخصی بود بنام یعقوب بذله که از برمه آمده و ساکن آبادان بود. بعدها مارتیک در سن ۱۶ سالگی راهی تهران شد و مدتها گیتاریست خواننده محبوب گوگوش بود و او تنها خواننده ای است که با گوگوش ترانه دو صدائی اجرا کرده است. نام دو ترانه ای که او با گوگوش اجرا کرده عبارتند از: شاعر و معشوق که ترانه سرای هردوی آن خانم زویا زاکاریان بود. مارتیک در حال حاضر در آمریکا و در لس آنجلس زندگی می کند.

ماردویان، آلفرد [Alfred Mardoyan]: استاد آلفرد مادویان، موسیقیدان برجسته ایرانی و رهبر گروه کُر ملی ایران در پیش از انقلاب، در خرداد ۱۳۰۹ خورشیدی در تبریز بدنیا آمد. یکساله بود که همراه والدینش به تهران آمد. دوران تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدارس کوشش و فیروز بهرام گذراند. او سپس به هنرستان عالی موسیقی در زمان ریاست پرویز محمود و روبیگ گریگوریان رفت و در رشته ویلن فارغ التحصیل و جذب ارکستر سنفونیک تهران گردید. استاد ماردویان با استفاده از کمک هزینه تحصیلی وزارت فرهنگ و هنر به اطریش رفت و به مدت چهار سال در آکادمی دولتی موسیقی وین تحت نظر استاد هائی چون:

هانس اسفارفسکی و راین هلداشمید به تحصیل پرداخته و در رشته رهبری و آهنگسازی نائل به دریافت بالاترین مدارک گردید. آلفرد ماردویان، پس از مراجعت به ایران به مدت هشت سال به معاونت ارکستر سنفونیک تهران برگزیده شد. در کارنامه درخشان هنری این موسیقیدان، ۹ سال طلائی که ایشان به سرپرستی گروه کُر ملی ایران منصوب شدند و در این سالها با جمع آوری و تنظیم آهنگ های محلی ایران، نقش و اثر سازنده ای در باز سازی و حفظ موسیقی فولکلوریک ایران، بازی نمودند، قرار دارد. استاد آلفرد ماردویان، بخاطر خدمات درخشان هنری، بارها موفق به دریافت نشان و مدال های متعددی شدند. ایشان علاوه بر رهبری گروه کُر ملی ایران، به مدت ده سال در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران به تدریس موسیقی اشتغال داشتند.

استاد ماردویان، در کنار مسئولیت اجرای موسیقی در تلویزیون ثابت، همکاری نزدیکی با تالار رودکی داشتند. این هنرمند ارزنده در حال حاضر در لس آنجلس بسر برده و همچنان به تلاش پیگیر خویش در جهت حفظ و اعتلای موسیقی ایرانی می پردازند. استاد ماردویان سالها، رهبری گروه کُر ارمنی های

آ, a آد (Adam) S, s K, k S, s سرکش (Sarkes) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I, i وحدان (Vojdan) V, v O, o جوب (Cub) C, c U, u زاله (Zale) Z, z

ایرانی در لس آنجلس را بعهده داشتند.

مارش [Mārš]: قطعه ای است دو ضربی که بیشتر در ملودی های نظامی بکار میرود.

مارش ایرانی [Mārše Irani]: مارش به سبک شرقی که توسط یوهان اشتراوس به مناسبت سفر ناصرالدین شاه به وین ساخته شد.

مارش تقلیدی [Mārše Taqlidi]: اصطلاحی در علم هم آهنگی. در این مارش طرحی از یک بخش که بی درنگ در حالت بالا یا پائین روندگی، در بخش دیگر دنباله شود.

مارش عثمانی [Mārše Osmāni]: گوشه ای است دارای وزن در دستگاه های ماهور و همایون، در ردیف موسیقی منتظم الحکما (صلحی).

مارش عزا [Mārše Azā]: از انواع مارش نظامی که در تشییع جنازه افراد برجسته نواخته میشود. در این مارش، ریتم و قدمهای تشییع کنندگان هم آهنگ است.

مارش مام وطن [Mārše Māme Vatan]: که توسط کمپانی His Master Voice در سال ۱۳۱۳ خورشیدی ضبط گردیده است. متأسفانه اطلاعات بیشتری در خصوص سازنده این مارش، در دسترس نمیشد.

مارش مدارس [Mārše Madāres]: مارشی که اشعارش را حیدر علی کمالی شاعر معروف هشتاد سال پیش ایران سروده و آهنگ آن از استاد علی نقی وزیری است.

مارش نظامی [Māršie Nezāmi]: مارشی با انواع چهارگانه مارش های: عزا، آهسته، تند و خیلی تند.

مارکاتو [Mārkatō]: اصطلاحی در اجرای قطعات موسیقی به مفهوم؛ مشخص و نمودار و نشان دار.

مارکار [Mārkar]: صنعت گر مشهور اصفهانی که سنتورهای ساخت او معروف بوده و سازی که

آدم (Ādam) A,a A,a Jamw جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām) Sarkes سرکش (Sarkes) J,j W,w K,k S,s Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Irān) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

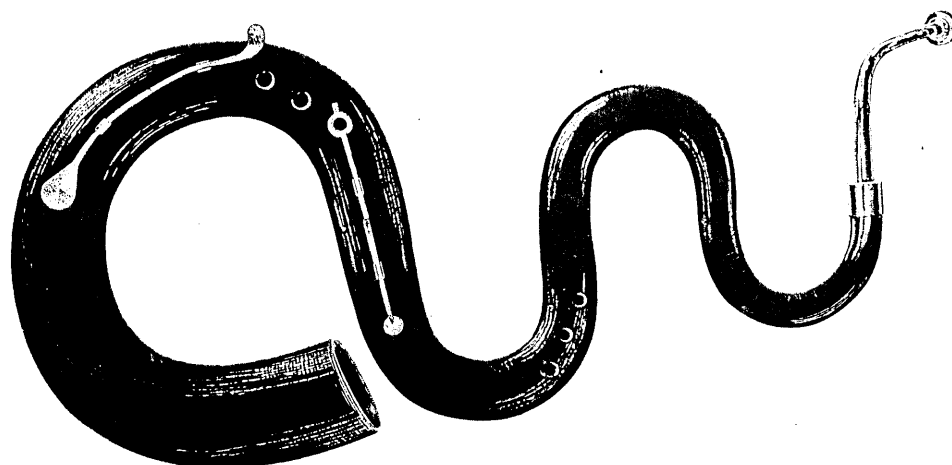
استاد حبیب سماعی استفاده می کرده از ساخته های اوست. کارگاه این هنرمند، پشت پارک ظل السلطان در تهران بود. بیشتر سه تارهای ساخت او، کاسه ای است و ترک ندارد.

مارکار [Mārkar]: مغازه فروش آلات موسیقی در سالهای پیش و بعد از ۱۲۹۰ خورشیدی در تهران

مارکاریان، سرژ [Seroz Mārکاریان]: نوازنده و استاد تعلیم پیانو در سالهای پیش و بعد از ۱۳۵۰ در تهران.

مارنای [Mārñay]: سازی است بادی هم با زبانه و هم بی زبانه. واژه مار در فرهنگ پهلوی: شیپور و سرنای بزرگ معنی شده است.

شکل تکامل یافته این ساز که از عهد ساسانیان وجود دارد؛ افیک له اید نام دارد. این ساز برای استفاده در جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در کارگاه وزارت فرهنگ و هنر باز سازی شد.



ماریمبا [Mārimbā]: سازی است شبیه به گزیلو فن با پایه های چرخدار.

مازندران، موسیقی [Musiqiye Mazandarān]: موسیقی مازندران، علاوه بر خود استان، برخی از نواحی سمنان، دامغان و تهران را در بر می گیرد. برهمین اساس، مردم ساکن در کوهستانها، کوهپایه ها و جلگه های شمالی البرز، در اوشان و فشم، رود هن، دو هزار و سه هزار، کجور، دماوند، فیروز کوه، سواد کوه، لاریجان و دو سمت رودخانه دره هراز و بابل از مبدأ تا دریا، چهار دانگه تا هزار جریب شرقی، شاه کوه، شاهسوار و جلگه های غیر ترکمن نشین علی آباد کتول تا دو سوی رودخانه نشتا رود، از موسیقی مازندرانی بهره میگیرند.

A,ā A,ā آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکنی (Sarkēs) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

موسیقی مازندرانی به پنج بخش جداگانه تقسیم میشود:

- ۱- موسیقی مناطق مرکزی مازندران (ساری تا نوشهر)
- ۲- موسیقی گُرداری (شرق مازندران)
- ۳- موسیقی علی آباد کتول
- ۴- موسیقی شرق مازندران
- ۵- موسیقی غرب مازندران

لطفاً جهت آگاهی از بخش دوم به گُرداری، موسیقی و بخش سوم به علی آباد کتول، موسیقی نگاه کنید.
۱- موسیقی مناطق مرکزی مازندران: این موسیقی از هزار جریب تا دماوند و ساری و چالوس برپایه اصیل ترین و کهن ترین نغمه های چوپانی شکل گرفته است.

نغمه های این منطقه از مازندران که بیشتر آنها با فاصله های تشکیل دهنده شور و دشتی قابل مقایسه هستند، در سرتاسر روستاها و دهستانها محدوده یاد شده دیده میشوند. محور اصلی موسیقی مناطق مرکزی مازندران، پنج مقام آوازی وزین و کهنسال بشرح زیر است:

تبری بلند، تبری کوتاه، کتولی بلند، کتولی کوتاه یا کل حال و میون کتولی است. از زمان صفویه، موسیقی مذهبی به ویژه موسیقی تعزیه موجب دگرگونی شگرفی در موسیقی اصیل این منطقه شد و موجب شکل گیری یک رشته از آواها و منظومه ها و ریز مقام های سازی و آوازی گردید. مهم ترین سازهای موسیقی این مناطق؛ لَله وا (نی)، سورنا و دوسر کتن (نقاره سفالی دوتائی) و در ۲۰۰ سال پیش کمانچه بوده است.

۴- موسیقی شرق مازندران: این موسیقی مناطق زیر را در بر میگیرد: میان رود ساری تا کوهپایه های تبری زبان گرگان. گذارها نقش عمده ای در تکمیل و تکوین این موسیقی داشته اند. مهمترین ساز در موسیقی شرق مازندران دو تار است. این ساز به احتمال زیاد، سازی است مهاجر، که از سده های پیش، از گرگان و دشت ترکمن به این ناحیه مهاجرت کرده است. هسته مرکزی موسیقی شرق مازندران دو مقام بزرگ هرائی است.

۵- موسیقی غرب مازندران: این موسیقی از چالوس تا غرب رود نشتارود را در بر میگیرد. ویژه گی این موسیقی، ترکیبی است از موسیقی نواحی شرقی گیلان و نواحی مرکزی مازندران. در این منطقه هیچ ردپایی از موسیقی شرق مازندران و گُرداری بچشم نمی خورد. سازهای رایج در غرب مازندران محدود به سورنای، نی و دُهل است.

مازیار [Māziyār]: زنده یاد فرهاد کیانی نژاد (مازیار)، خواننده مشهور پیش از انقلاب در آمل بدنیا آمد. او توسط استاد جهان بخش پازوکی به دنیای هنر معرفی شد و در مدت کوتاه پله های اشتهار را پیمود.

اجرای ترانه ماهیگیر (بچه ماهی) از او خواننده محبوب ساخت. مازیار پس از تغییر رژیم در ایران ماند و در سن چهل و چهار سالگی چشم از جهان فرو بست.

از ترانه های ماندگار این خواننده میتوان به: فریاد با آهنگی از انوشیروان روحانی، آدمک، بگو بگو، انتظار، ساقی، حرف بزن، عزیز، ملامت، ایران ایران، سراب، یوسف گمگشته، آرزوی فردا، سرگشته، غریب، پائیز، معراج، گل گندم، سالار، کبوتر (هوای ده)، عادت، وطن دلم تنگه برات و... اشاره داشت.

مازیار [Māziyār]: خواننده ساکن لس آنجلس که از او آلبوم: کوچه یا هفت ترانه: کوچه، ساحل، بال - ترانه ها، گل آرزو، بی وفا، پنجره ها و حلقه بدوش در دسترس میباشد.

ماژور [Māzor]: به معنی بزرگ و نام یکی از دو گام موسیقی غرب.

ماشاله [Māšallah]: دسته مطرب دوران ناصری. سرپرست این گروه یعنی ماشاله در حال رقص کمانچه میزد. در گروه او خواهرش گوهر هم می رقصیده است.

ماغاکیان، سمبات [Smbāt Māqākiyān]: نوازنده چیره دست ترومپت در ارکستر سنفونیک تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۶ خورشیدی.

ماکسیم [Māksim]: از خوانندگان پیش از انقلاب که با زنده یاد فریدون فرخ زاده همکاری نزدیکی داشت.

مالاکاس [Mālākās]: از آلات موسیقی در حفظ وزن. در فارسی به آن جق جقه می گویند.

مالِد، مراسم [Marāseme Māled]: مراسم مالد را میتوان از جهاتی با مراسم خانقاه قادریه کردستان مقایسه نمود. اجرای این مراسم بیشتر در نقاط ساحلی بلوچستان رایج است. این مراسم در چابهار، تقریباً فراموش شده است. اما در نقاط دور افتاده ای چون نیک شهر و برخی از روستاها، چون روستای: حُمیری قصر قند هنوز رایج است. در این مراسم، معمولاً دونفر نوازنده، دف (سَمّا) و تعدادی مرید شرکت می کنند. رهبر مراسم مالد، خلیفه نام دارد. حرکت های یکنواخت جسمانی که بر بستر فیگورها و موتیوهای تکراری در آواز و ذکرهاست، بخش جدائی ناپذیر مراسم مالد را تشکیل میدهد. این حرکات خلیفه و مریدان را از خود بی خود میسازد. در این مرحله، مریدها که به آنها مستان میگویند.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vokdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

دست به کارهایی چون: فروکردن میخ و کارد به بدن و بریدن زبان می نمایند. این مراسم اگر در فضای باز انجام شود، ممکنست با اجرای ۵۰ مرید همراه باشد. ذکرها توسط خلیفه خوانده میشود و مریدان جواب میدهند. مناسبت های اجرای مراسم مالد عبارتند از: عروسی، نذر، بیماری، کسی که طالب و خواهان فرزند است و یا کسی که باد و گوات و جن! دارد.

مالش [Mālesh]: لغزاندن انگشتان بر روی پرده که حرکتی به صدای نت ساکن دهد و اجرای آن در سازهای مختلف، علائم قراردادی مختلفی دارد.

ماملی، محمد [Mohammad Māmlī]: محمد ماملی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در شهر مهاباد دنیا آمد. او صدای خوش را از پدر به ارث برد و از کودکی از پدر و عموی خود موسیقی را فراگرفت. محمد ماملی یکی از خوانندگان برجسته کردستان است.

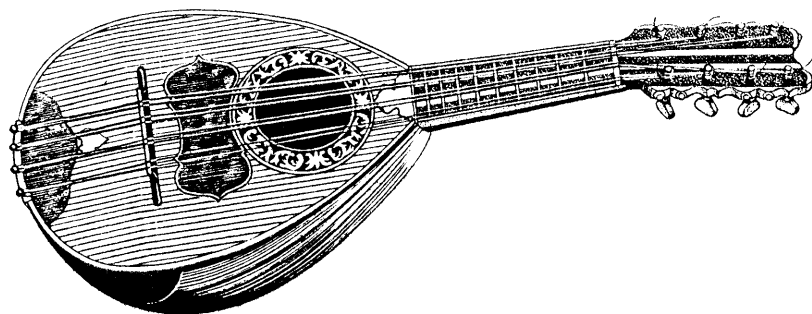
ماندانا، آموزشگاه موسیقی [Āmuzešgāhe Musiqiye Māndānā]: این مؤسسه تحت نظر استاد اکبر سلیمی تبار، نوازنده چیره دست قره نی در تهران اداره میشود. سرپرست سابق این مؤسسه، آریائی نژاد بود.

ماندولین [Māndolin]: سازی است رشته ای مقید از رده بریط یا عود. در این خانواده سه ساز شهرت دارد: ماندول، ماندور و ماندولین.

- ماندول شباهت زیادی به گیتار دارد و دارای چهار رشته سیم جفت بوده که در سل - ر - لا و می کوک میشوند. این ساز امروزه مورد استفاده ندارد.

- ماندور: همان ماندول است با این تفاوت که کاسه طنینی آن بیشتر به عود شباهت دارد تا گیتار.

- ماندولین؛ در حقیقت یک ماندول کوچک است. این ساز هشت رشته سیم دارد که بصورت جفت، بسته میشود. این سیم ها یک اکتاو زیرتر از ماندول کوک میشوند. ماندولین ابتداء در جنوب ایتالیا ساخته شد.



آدم (Ādam) A,ā S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
زاله (Zāle) Z,z C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

مانوکیان، هراج [Hraj Mánukyàn]: استاد تعلیم ویلن در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سالهای پیش از تغییر رژیم.

ماوراءالنهری [Máveráol-nahri]: یکی از الحان موسیقی قدیم ایران است. ماوراءالنهری در ضمن، گوشه‌ای است در دستگاه راست پنجگاه.



ماه برکوهان [Máh bar Kuhàn]: لحنی است از سی لحن باربد (لحن بیست و یکم).

ماهواره [Máhväre]: از مقام‌های موسیقی ایرانی که در مصر، تونس و مراکش مرسوم است.

ماهور [Máhur]: یکی از هفت مقام اصلی در موسیقی ایرانی. این دستگاه دارای ۳۴ گوشه بشرح زیر است: درآمد، کوراوغلی، داد، خسروانی، دلکش خاوران، طرب انگیز، طوسی آذربایجانی، فیلی، زیرافکند، ماهور صغیر، ابول، حصار، ماهور، نیریز، شکسته، نهیب، عراق، محیر، آشور یا آشوراوند، زنگوله، سروش، اصفهانک، راک هندی، صغیر، نغمه، راک عبدالله، ساقینامه، صوفی نامه، پروانه، بسته نگار، حربی، شهرآشوب و خوارزمشاهی.

فواصل گام این دستگاه با فواصل گام بزرگ موسیقی غربی تقریباً منطبق است. احساس شجاعت، شادی و امید و پیشرفت در این دستگاه قابل بیان است.

دستگاه ماهور از ایران باستان و از عهد هخامنشیان تا به امروز برای ما مانده است. ماهور شکوه و بلند نظری می بخشد. بنابراین میتوان سرودهای مهیج را در این دستگاه اجرا کرد. در موسیقی ایران به ماهور که روح سلحشوری را زنده می کند کمتر توجه شده و بیشتر به شور و سه گاه که غم انگیز است و مقاصد سیاسی و اجتماعی بدنبال دارد توجه شده است.

تعداد گوشه ها در روایت زنده میرزا عبدالله ۴۴ و در روایت زنده یاد محمد کریمی ۲۰ است.



ماهوران [Māhurān]: نام یکی از ۹۷ اصطلاح موسیقی ایرانی که در موسیقی عرب رواج دارد.

ماهور بوسلیک [Māhure busalik]: نام یکی از ۹۷ اصطلاح موسیقی ایرانی که در موسیقی عرب رواج دارد.

ماهور دو [Māhure do]: ماهوری که پایه (تنیک) گام و شاهدش نت دو باشد.



ماهور ر [Māhure re]: ماهوری که پایه (تنیک) گام و شاهدش نت ر (re) باشد. این کوک اروپائی است و در بین سازهای ایرانی مرسوم نیست.

ماهور سل [Māhure Sol]: ماهوری که پایه (تنیک) گام و شاهدش نت سل میباشد. ماهور سل در سنتور معمول نیست.



ماهور صغیر [Māhure Saqir]: گوشه ای است در دستگاه ماهور. در ردیف استاد موسی معروفی، گوشه ۲۶ و در ردیف نور علی خان برومند گوشه ۱۷ میباشد.



ماهور فا [Mähure fâ]: ماهوری که پایه (تنیک) گام و شاهدش نت فا میباشد. کوک ماهور فا به کوک راست پنجگاه نیز اشتها دارد.



ماهورک [Mähurak]: گوشه ای است از شعبه زابل.

ماهور، کارگاه ساز سازی [Māhur]: به سرپرستی صابر جاوید که در تهران واقع است. لطفاً به جاوید صابر نگاه کنید.

ماهیدشتی، سید یعقوب [Seyed Yawqub Mähidašti]: از شعرای مشهور و معاصر کردستان.

مایکل [Mâykle]: هنرمندی که در تقلید صدای خوانندگان از قدرت بی نظیری برخوردار است. هنراو یاد آور اجراهای هنرمند قدیمی پیش از انقلاب، عبدالکریم اصفهانی است که او نیز در تقلید صدای گویندگان رادیو و فیلم استاد بود. مایکل در تقلید صدای ویگن، ابی، داریوش و اندی بسیار موفق تر از سایر خوانندگان است. مایکل در لس آنجلس زندگی می کند.

مایه [Māye]: از جمله شش آواز مورد بحث کتب قدیم موسیقی ایرانی. مایه به معنی تن، به غیر منظم قرار گرفتن نت‌های گام بدنبال یکدیگر نیز اطلاق می شود.

مایه شناسی [Māyešenāsi]: شناسائی کردن مایه‌ای که در آن یک قطعه موسیقی اجرا میشود. این عمل از طریق علامت های ترکیبی و یا توسط آگاهی یافتن از دقایق علم ردیف شناسی به سبک سنتی صورت میگیرد.

تشخیص درست مایه در یک قطعه موسیقی باید به محض ملاحظه علائم ترکیبی تحقق یابد.

مایه شناسی چهارگاه [Māyešenāsiye Chārgāh]: مقام چهارگاه نظیر سه گاه، یا دارای دو علامت ربع پرده ای و باقی نشانه های نیم پرده ای است و یا دارای دو علامت نیم پرده ای و باقی علامات ربع پرده ای است.

مایه شناسی راست پنجگاه [Māyešemāsiye Rāste Panjgāh]: با توجه به مشترک بودن گام ماهور و راست پنجگاه، مایه شناسی این دو دستگاه دقیقاً همانند است. لطفاً به مایه شناسی ماهور نگاه کنید.

مایه شناسی سه گاه [Māyešenāsiye Segāh]: سه گاه را دو دانگ نامساوی است، زیرا دانگ اول از $\frac{1}{4}$ بزرگ و $\frac{2}{4}$ نیم بزرگ و دانگ دوم از $\frac{2}{4}$ نیم بزرگ و $\frac{1}{4}$ بزرگ تشکیل شده است، آنهم با فاصله $\frac{1}{4}$ بزرگ، در بین دو دانگ. گام سه گاه، واجد دو ربع پرده (درگام های دیگر چون شور و همایون یک ربع پرده موجود است) میباشد.

تنیک گام در سه گاه به روی پرده های بکار و دیز و بمل بسته نمیشود، زیرا در سه گاه همیشه یک فاصله ربع پرده ای تنیک است.

مایه شناسی شور [Māyešenāsiye Šur]: شور با دو دانگ نامساوی و مخصوص به خود دارای فواصل: $\frac{2}{4}$ نیم بزرگ، $\frac{2}{4}$ بزرگ، $\frac{1}{4}$ کوچک، $\frac{2}{4}$ بزرگ است و درجاتی دارد که نسبت به تنیک عبارتند از: دوم نیم بزرگ، سوم کوچک، چهارم و پنجم درست، ششم و هفتم کوچک و هنگام.

مایه شناسی ماهور [Māyešenāsiye Māhur]: در مایه شناسی ماهور یا مقام بزرگ، بمل یا کرن قبل از آخر تنیک و آخرین دیز یا سری، محسوس میباشد و این قاعده در مایه شناسی تمام ۲۴ پایه مقام بزرگ یا ماهور جاری است.

مایه شناسی نوا [Māyešenāsiye Navā]: با توجه به مشترک بودن علامات ترکیبی شور و نوا در سلاح کلید، تنیک گام نوا از طریق زیر شناسائی میشود: با دیدن علامت های ترکیبی در سلاح کلید، تنیک شور مربوطه را یافته و یک چهارم درست از آن بالا میرویم به گام نوا میروسیم.

مایه شناسی همایون [Māyešenāsiye Homāyun]: علامت های مشخصه همایون را در مقایسه با شور میتوان به شکل زیر دریافت کرد:

آدم (Ādam) A,a A,a S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (النسای) نوین برای درست خواندن ایران (Irān) I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

هر دو گام (شور و همایون) دارای وجه مشترک تنیک میباشند و اختلاف درجه سوم که در همایون، بزرگ (نیم پرده بیشتر از سوم شور) است، مهمترین علامت عرضی در تفاوت دو دستگاه و شناخت همایون محسوب میشود.

مایه های بیگانه [Māyehāye Bigāne]: مایه هایی که مورد اختلاف آنها با مایه اصلی بیشتر از یک علامت ترکیبی است.

مایه های میانجی [Māyehāye Miyānji]: در علم هم آهنگی، مایه های میانی، نقش میانجی را در تغییر مقام یا مایه به عهده دارند. آنها، محل عبور هستند و انفعال و توقفی بر روی آنها انجام نمی شود.

مبارک باد [Mobārak-bād]: آهنگی مشهور و ویژه عروسی که در چهارگاه به وزن $\frac{6}{8}$ بصورت فردی و یا گروهی اجرا میشود. این آهنگ اولین بار توسط حسین همدانیان از رادیو ایران پخش شد. از آهنگهای مشهور مبارک باد، آهنگی از فارس، شعر جینگ و جینگ ساز میاد، از بالای شیراز میاد در دستگاه همایون (شوشتری) میباشد.

مُبرَق [Mobarqaw]: گوشه ای است در دستگاه راست پنجگاه و یکی از جمله ۲۴ شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیمی (شعبه ۱۵) است.

مبرق



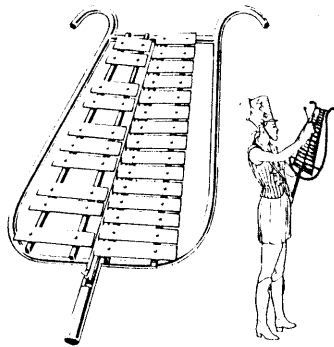
مبشر، علی [Ali Mobašer]: از نوازندگان مشهور ویلن در ارکستر علی نقی وزیری.

مبشری، لطف اله [Lotf-ollāh Mobašeri]: موسیقیدان و گرد آورنده آثار موسیقی فولکلوریک و محلی ایران. لطف اله مبشری از اعضای مؤسس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی است.

متالوفن [Metálofon]: سازی است کوبه‌ای شبیه به کسیلوفن با تفاوت اینکه، لوحه های این ساز را معمولاً از جنس برنز می سازند.

A,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن



متبسم، حمید [Hamid Motabasem]: نوازنده چیره دست تار و از همکاران گروه موسیقی عارف به رهبری پرویز مشکاتیان. حمید متبسم در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در مشهد بدنیا آمد. دوران کودکی را زیر نظر برادر و پدرش که نوازندگان ویلن و تار بودند طی کرد. او در سال ۱۳۵۳ به تهران آمد و در دانشسرای روزانه هنر و هنرستان موسیقی ملی شبانه به تحصیل ادامه داد. او از ۱۳۵۶ به آهنگسازی روی نمود و موسیقی متن چند فیلم را ساخت. او با اکثر سازهای سنتی و نواختن آنها آشناست.

متبسم، علی [Ali Motabasem]: حاج علی متبسم، از نوازندگان بنام تار در خراسان در سالهای پیش و بعد ۱۳۱۰ خورشیدی است. این هنرمند، فروشگاه‌های در خیابان خسروی داشت بنام «چنگ».

متبسم، محمود [Mahmad Motabasem]: محمود متبسم در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در مشهد بدنیا آمد. پدرش حاج علی متبسم، نوازنده تار بود. او از ۱۶ سالگی نواختن تار را نزد پدرش آغاز نمود و پس از مدتی به ویلن علاقمند و بعدها او از همکاران رادیو مشهد شد. همکاری او با سازمان رادیو، بیست سال بطول انجامید.

متر [Metr]: متر عبارت است از تنظیم زمان بر مبنای ترکیبات یا وحدت های میزان بندی شده. در فارسی به قرینه بحر و یا وزن اطلاق میشود.

متر موسیقی [Metre Musiqi]: تشخیص ارزش های زمانی صوتها و تعیین الگوهای منظم صوتی و تعیین مقیاس های زمانی میزان بندی شده را گویند.

مترنم [Moterannem]: به خواننده و سرودگو اطلاق می شود.

متر و ریتم [Metroritm]: ریتم موجب اعتلای جنبش و حرکت در موسیقی و متر، تنظیم کننده این

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

تحرک و جنبش است، آنهم تحت قوانین و قواعد خاصه.

مترونوم [Metronom]: وسیله ای است برای تنظیم و تعیین سرعت قطعات موسیقی. مخترع آن، مائلز (Maelzel) (۱۸۳۷ - ۱۷۷۲ میلادی) میباشد.

متریک [Metric]: اگر قطعه ای در موسیقی سنتی ایران دارای میزان باشد، آنرا متریک یا ریتم با میزان گویند. گاهی گوشه های ملودیک نیز بطور ریتمیک اجرا می شوند که مهمترین آنها عبارتند از: کرشمه، زنگوله، چهارباغ و گاهی گرلی. فرم های دیگری در موسیقی ایرانی وجود دارند که متریک هستند نظیر: پیش درآمد رنگ، تصنیف، سرود، مارش و ترانه های محلی. ریتم این فرمها در میزان های $\frac{2}{4}$ ، $\frac{3}{4}$ ، $\frac{4}{4}$ ، $\frac{3}{8}$ و $\frac{6}{8}$ میزان های لنگ $\frac{5}{4}$ و $\frac{7}{4}$ است.

متن [Matn]: گوشه ای است در دستگاه چهارگاه.

متن [Matn]: بخش آمیخته با کلام را در موسیقی آوازی گویند.

متین کاشانی، قاسم [Qāsem Matin - Kāšāni]: قاسم متین کاشانی، نوازند، چیره دست ضرب در اول بهمن ۱۳۲۴ بدنیاء آمد. شوق نواختن ضرب از کودکی در او وجود داشت. در ۱۴ سالگی جزو شاگردان زنده یاد امیرناصر افتتاح بود. او همکاری نزدیکی با زنده یاد حسین تهرانی داشت. از نوازندگان معروف ضرب که هم دوره او بودند میتوان به عباس جوانمرد، محمد حیدری، عباس عبدی، محمود صبحانی و فریدون نویدی اشاره داشت. قاسم متین در سالهای ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ در وزارت فرهنگ و هنر گرگان به تعلیم این ساز پرداخت و شاگردان بسیاری از کلاس او فیض بردند. قاسم متین کاشانی با هنرمندان ساکن لس آنجلس همکاری می کرد و مدتی است که این همکاری بخاطر مشغله رستوران داری قطع شده است.

مثالی کاشانی [Mesāli Kāšāni]: از شاعران سده نهم هجری است. کتاب لیلی و مجنون این شاعر حاوی ۳۲۲۰ بیت بر وزن و شیوه لیلی و مجنون نظامی است، که شاعر آنرا در سال ۸۹۷ هجری پایان برده است. این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی در تهران نگهداری می شود.

مثقال یا مسقال [Mesqāl]: سازی است بادی که ترکها به آن میثقال (miskal) و ایرانی ها به آن

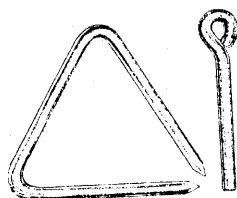
آدم (Ādam) A,a,ā S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

وات های (القهای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

موسیقار گویند. این ساز، نایی است از خانواده فلوت پان.

مثلث [Mosallas] سازی است کوبه ای فلزی به شکل مثلث که در موزیک غربی به آن تری آنگل گویند.

مثلث، نام دومین سیم در سازهای زهی نیز میباشد.



مثنوی [Masnavi]: شکلی است از موسیقی ایرانی که با وزن اشعار مثنوی و بر روی چنین اشعاری خوانده میشود.

مثنوی ابوعطا [Masnavi Abu-atà]: از مثنوی های غیر معمول در ردیف موسیقی ایرانی

مثنوی ابوعطا



مثنوی اصفهان [Masnaviye Esfahan]: رایج ترین مثنوی ردیف موسیقی ایران. این مثنوی با اجرای یک سیلاب گذرا از پنجم بم گام اصفهان آغاز شده و بلافاصله در پرده اصفهان تداوم یافته و بعد از اجرای اشعار به محل آغاز یعنی درجه پنجم گام، فرود می آید.

مثنوی اصفهان



مثنوی افشاری [Masnaviye Afsāri]: لطفاً به مثنوی پیچ نگاه کنید.

Ā,a Ā,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زانه (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Irān) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

مثنوی پیچ [Masnaviye Pic]: نوعی مثنوی، دارای وزن مشخص که اغلب با اشعار مولوی خوانده میشود. مثنوی پیچ در آواز افشاری آمده و از درجه هفتم گام شور از طرف بم، آغاز میگردد. نت شاهد آن درجه چهارم و نت ایست آن درجه دوم گام شور است.

مثنوی پیچ (افشاری)



مثنوی ترک [Masnaviye Tork]: گوشه ای در دستگاه ترک، بیات زند یا بیات قاجار است.

مثنوی ترک



مثنوی حاجی تاج [Masnaviye Hājītāj]: مثنوی در اصفهان است که به شرح روایت استاد ابوالحسن صبا آن را از حاجی تاج نیشابوری آموخته و به خط نت در آورده است.

مثنوی حاجی تاج (صبا)



مثنوی خوانی [Masnavi-xāni]: خواندن مثنوی که در خانقاه و مراکز تجمع دراویش و عرفا مرسوم بوده و هست.

مثنوی درویش [Masnaviye Darviš]: مثنوی در آواز اصفهان است که در ردیف چپ کوک برای سنتور دیده میشود.

مثنوی درویش



مثنوی دشتی [Masnaviye Dašti]: از مثنوی هائی است که در موسیقی ایران رایج نبوده ولی امروزه به دو روایت معتبر در موسیقی ایران اجرا میشود.

نخست اجرای شعر و آهنگ مثنوی است در مایه دشتی به سبک مثنوی های معمول و رایج. دوم، مثنوی دشتی به روایت استاد عبدالله دوامی.

مثنوی دشتی (صبا)



مثنوی دشتی



مثنوی دشتی (مذ/۹)



مثنوی رزمی [Masnaviye Razmi]: شعری به شکل مثنوی که بیانگر داستانهای حماسی باشد.

مثنوی شور [Masnaviye Šur]: از مثنوی های غیر معمول در موسیقی ایران. این مثنوی در محدوده درآمد شور با پیوستن نت زیر تنیک (درجه هفتم گام در بم) به درجه سوم گام شور، آغاز میشود و در دانگ دوم شور نیز در محدوده اوج درآمد و شهنواز تداوم یافته و در انتها به درجه اول گام شور فرود میآید.

مثنوی شور



مثنوی ماهور [Masnaviye Māhur]: مثنوی در دستگاه ماهور که بوسیله استاد عبدالله دوامی بار دیگر معمول گردیده است.

مثنوی ماهور



مثنوی مخالف [Masnaviye Moxālef]: مثنوی رایج در مخالف سه گاه که از پرده مخالف آغاز میشود.

مثنوی مخالف (سه گاه)



مثنوی ملاحسین [Masnaviye Mollā Hoseyn]: اجرای شعری به وزن مثنوی در آهنگ گوشه ملک حسین که در ردیف آواز مکتب اصفهان بطریق مثنوی خوانده می شود.

مثنوی همایون [Masnaviye Homāyun]: از مثنوی های غیر معمول در موسیقی ایران. این مثنوی کوتاه در محدوده درآمد همایون با بهره وری از شاهد گام آغاز میشود.

مثنوی همایون



مثنی [Masnā]: نام یکی از تارهای برپت یا عود در موسیقی قدیم را گویند. مابقی نامهای تارها عبارتند از: بم، مثلث، زیر و حاد.

مجدالذاکرین، حاج میرزا لطف اله [Hāj Mirzā Lotfollāh Majd-olẓākerin]: از روضه خوان های خوش آواز دوران قاجار است.

مجد، فوزیه [Fouziye Majd]: سرپرست گردآوری و شناخت موسیقی محلی ایران و استاد تدریس کنترپوان در هنرستان عالی موسیقی تهران.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (الضای) نوین برای درست خواندن

مجد، لطف‌اله [Lotf-olláh Majd]: لطف‌اله مجد در سال ۱۲۹۶ خورشیدی در شهر شاهی مازندران بدنیا آمد. او از کودکی به تار و نواختن آن علاقه بسیاری داشت. لطف‌اله مجد در سال ۱۳۰۸، رسماً نواختن تار را آغاز نمود. او نخستین بار در پارک نصرت الدوله فیروز و سپس در تالار فرهنگ به دادن کنسرت پرداخت و از اوایل دهه ۱۳۳۰ جذب رادیو ایران گشت. او برنامه‌های بسیاری را همراه با حسین تهرانی، رضا ورزنده، علی تجویدی و پرویز یاحقی اجرا نموده است. او از نوازندگان برنامه گلهای جاویدان رادیو ایران بود.

لطف‌اله مجد در آذرماه ۱۳۵۷ چشم از جهان فرو بست.

مجد همگر [Majd Hamgar]: خواجه مجدالدین همگر معروف به ابن همگر و مجد همگر از شاعران ایران در سده هفتم هجری است. زادگاه او شیراز است و سال تولد او ۶۰۷ هجری. دیوان این شاعر بزرگ ۳۰۰۰ بیت دارد.

مجدوب تبریزی [Majzud Tabrizi]: میرزا شرف‌الدین محمد تبریزی متخلص به مجدوب از شاعران نیمه دوم سده یازدهم هجریست. مثنوی او در سه هزار بیت بنام «شاهراه نجات» وجود دارد و اشعارش را با استقبال از حافظ می ساخته است. سال وفات او ۱۰۹۳ هجری است. به غیر از مثنوی، او دیوان شعری شامل چهار هزار بیت دارد که دو نسخه از آن به شماره‌های **or 3634** در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری می شود.

مجرد، حسین [Hoseyn Mojarrad]: از ترانه‌سرایان فکاهی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی.

مجرد زابل [Mojarrad Zabol]: از گوشه‌های معروف در دستگاه شور و نوا.

مجلس آرا [Majles-ará]: سازی است کمانچه‌مانند از ابتکارات آقا میرزا غلام حسین مشهور به آقا جان سنتوری پدر سماع حضور.

مجلس افروز [Majles-afruz]: گوشه‌ای است در دستگاه‌های شور و ماهور و نوائی است در موسیقی قدیم ایران (دایره ۴۸).

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i و حدان (Vojdan) O,o V,v C,c U,u جوب (Cub) Z,z زاله (Zale)

مجلسی [Majlesi]: گوشه ای است در دستگاه نوا.

مجلسی



مجلسی، جاوید [Jávid Majlesi]: جاوید مجلسی در سال ۱۳۲۸ خورشیدی بدنیا آمد. او در سال ۱۳۴۱ وارد هنرستان عالی موسیقی شد و زیر نظر استاد مرتضی حنانه به فراگیری ساز هورن پرداخت و پس از ۵ سال وارد ارکستر سنفونیک تهران گردید. او در سال ۱۳۵۲ لیسانس خود را در رشته هورن زیر نظر: ژوزف اشجه گولسکی دریافت کرد. او در حال حاضر در ارکستر سنفونیک تهران به فعالیت اشتغال دارد.

مجله گویا [Majalleye Guyà]: برنامه رادیویی استاد فرهنگ فرهی و پسرش، پیام فرهی راجع به فرهنگ ایران و خصوصاً موسیقی آن که از رادیو ایران، لس آنجلس، از ۱۳ آگست ۲۰۰۰ هر یکشنبه پخش آن آغاز و در می ۲۰۰۱ با تغییر مدیریت رادیو، پخش آن قطع گردید. این برنامه از محبوبیت بسیاری برخوردار بود.

مجله موسیقی [Majalleye Musiqi]: از انتشارات اداره موسیقی کشور در سال ۱۳۱۸ خورشیدی. مدیر این نشریه، سرگرد مین باشیان بود و هیئت تحریریه آن: ضیاء هشترودی، عبدالحسین نوشین، صبحی مهتدی، حسن خیرخواه و نیما یوشیج.

مجمر [majmar]: سید حسین طباطبائی اردستانی متخلص به مجمر در اواخر سده دوازدهم هجری در زواره اصفهان بدنیا آمد. مجمر بعد ها به تهران آمد و به دربار فتح علی شاه راه یافت. او سالها، ندیم حسن علی میرزا، فرزند فتح علی شاه قاجار بود. مجمر در جوانی در سن ۲۵ سالگی در سال ۱۲۲۵ هجری درگذشت. مجمر از شعرای قصیده پرداز است.

مجهوری راد، پژمان [Pežmán Majhuri-rád]: پژمان مجهوری راد در سال ۱۳۵۲ خورشیدی

A,a Á,á آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zále) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Irán) وات های (القای) نوین برای درست خواندن

در باغ صبا تهران بدنیا آمد و در ۵ سالگی همراه خانواده اش به کرمانشاه رفت. او از ۱۶ سالگی به کلاس بهروز آهی رفت و نواختن تار را فراگرفت. او علاوه بر تار با نواختن سازهایی چون: تنبور، سه تار، پیانو و ارگ آشنائی دارد.

مجید [Majid]: خواننده جوانی است که در لس آنجلس به کار خوانندگی اشتغال دارد از مجید آلبوم: عشق بزرگ در دسترس میباشد. این آلبوم با همکاری محمد شمس عرضه شده است.

مجید، نعمت اله [Newmat-olláh Majid]: معلم سرود و تئوری موسیقی در مدارس تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی.

مجیدیان، داود [Dávud Majidyán]: نوازنده ویلن که در لس آنجلس همراه با زوج هنری اش شیدا فعالیت دارد. کار اصلی مجیدیان دندانسازی است.

مجیر [Mojir]: ابوالمکارم مجیرالدین بیلقانی، از مردم بیلقان در اطراف شروان از مادری حبشی زاده شد. از زمان تولد او اطلاعی در دست نیست ولی مسلم است که تحصیلات ادبی و شعری خود را نزد خاقانی کرده است. این شاعر به دربار اتابکان آذربایجان (سده ششم هجری) اختصاص داشته است. سال وفات این شاعر ۵۸۶ هجری و قبر او در تبریز است. دیوان این شاعر نزدیک به ۵ هزار بیت دارد.

محاسبه کشش سیم سازه های زهی [Mohásebeye Kešeše Sime Sāzhāye Zehi]:

محاسبه کشش سیم سازه های زهی توسط مهندس قاسم ابریشمی از فرمول زیر بدست می آید:

$$F = \frac{TXG6X4}{\pi d^2 XL}$$

در این فرمول:

F= فرکانس صوتی سیم بر حسب هرتس

T= کشش سیم به کیلوگرم

Gb= kgs/mm² مقاومت نهائی کشش جنس سیم بر حسب

L= طول سیم بر حسب متر

d= قطر سیم بر حسب میلی متر کششی

π= 3.14 عدد پی معادل

برای مثال، اگر سیم لای ویلن (سیم دوم) را دیاپازون در نظر بگیریم، فرکانس معادل ۴۴۰ هرتس تولید می

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکس (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاه (Zale) C,c چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) وات های (الهای) نوین برای درست خواندن

کند. چنانچه سختی سیم را 60kgs/mm^2 فرض کنیم و طول سیم را تا روی خرک ۳۵ سانتی متر در نظر بگیریم محاسبه چنین خواهد بود:

$$440 = \frac{T \times 60 \times 4}{0.35 \times 0.8 \times 0.8 \times 3.14}$$

$$T = 1300 \text{ kgs}$$

محبت، کامیار [Kámyâr Mohabbat]: از نوازندگان جوان ضرب که در سال ۱۳۴۷ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. از ده سالگی، نواختن ضرب را آغاز نمود و از سال ۱۳۶۰ در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی نزد محمود فرهمند بافی به فراگیری اصولی این ساز پرداخت.

محبت، میرزا محمود [Mirzá Mahmud Mohabbat]: از ضرب گیرهای زمان محمد علی شاه است که بدربار راه داشت.

محبوبه [Mahbube]: نوازنده توانای عود و خواننده ای خوش آواز که با اشغال ایران توسط اعراب، توسط عبدالله بن طاهر به خلیفه متوکل هدیه شد.

محبی، فرزاد [Farzâd Mohebbi]: کارگردان و سازنده ویدئو موزیک در آمریکا که با خوانندگان مشهور لس آنجلس همکاری نزدیکی دارد.

محترم کلیمی [Mohtarame Kalimi]: از زنان هنرمند دوران ناصری و نوازنده، چیره دست تار که افتخار شاگردی درویش خان را داشت.

محتشم کاشانی [Mohtašam Kāšāni]: شمس الشعرا کمال الدین محتشم کاشانی در کاشان بدنیا آمد. او شاعری است که شاه تهماسب صفوی را مدح می گفته است. از کلیات این شاعر نسخه ای در دست میباشد که دو بار چاپ شده است (۱۳۳۳ و ۱۳۴۴ خورشیدی) محتشم کاشانی در سال ۹۹۶ هجری چشم از جهان فرو بست. قبر این شاعر در کاشان است.

محتشمی پور، سید ضیاء [Seyyed-Zyâw Mohtašami-Pur]: سید ضیاء محتشمی پور در فروردین ماه ۱۳۱۶ خورشیدی بدنیا آمد. پدرش تار می نواخت و پسرش را به استاد ابوالحسن صبا معرفی نمود. محتشمی پور، چند سال نزد استاد صبا میرفت و مشق ویلن می کرد. در سال ۱۳۴۵ او به اتریش

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdân) وحدان V,v O,o (Cub) جوب C,c U,u (Zâle) زاله Z,z
A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

رفت و در آکادمی موتسارت ثبت نام کرد. سید ضیاء محشمی پور از نوازندگان چیره دست ویلن محسوب میشود.

محجوب، رضا [Rezā Mahjub]: نوازنده، آهنگساز، تنظیم کننده جوان ایرانی که در زمینه موسیقی بین المللی گامهای بلندی برداشته است. او در سال ۱۹۷۱ میلادی در تهران بدنیا آمد. از این هنرمند آلبوم King of Heads در دسترس میباشد. رضا محجوب از سه سالگی به موسیقی علاقه داشت و با لوازم آشپزخانه جاز میزد. او در سال ۱۹۸۵ در ۱۴ سالگی به ترکیه رفت و همراه با گروه های موسیقی در استانبول گیتار میزد. توقف او در ترکیه دو سال بطول انجامید. او سپس همراه با خانواده اش به نروژ رفت. در نروژ نت و تکنولوژی موزیک را فراگرفت و موفق شد که به کالج موزیک Trondheim اسلو برود. رضا محجوب، جوان ترین فارغ التحصیل این کالج بود. این هنرمند جوان و گرانقدر در سال ۱۹۹۵ به آمریکا و لس آنجلس آمد و هم اکنون در این شهر از فعالیت بسیاری برخوردار است.

محجوب، هاشم [Hašem Mahjub]: زنده یاد هاشم محجوب، روزنامه نگار، شاعر و نویسنده معروف که سالها معاونت سردبیری مجله اطلاعات هفتگی را پیش از انقلاب به عهده داشت و چند سال پس از انقلاب به آمریکا آمد و در سن حوزه با نشریات آنجا همکاری نمود. سپس به ایران مراجعت کرد و در اردیبهشت ۱۳۸۰ چشم از جهان فرو بست.

محجوبی، رضا [Rezā Mahjubi]: رضا محجوبی در سال ۱۲۷۷ بدنیا آمد. پدرش نی میزد و مادرش فخرالسادات به پیانو آشنا بود. او و برادرش مرتضی به موسیقی علاقه داشتند. اولین استاد او حسین هنگ آفرین بود. سپس او به محضر ابراهیم آژنگ رفت ولی پس از یک دوره کوتاه، نزد حسین خان اسماعیل زاده رفت. حسین خان اسماعیل زاده در خیابان ملت (اکباتان) زندگی می کرد و رضا به خانه او میرفت و مشق موسیقی می گرفت. در ۱۶ سالگی ساز ویلن او شنیدنی بود. رضا محجوبی تا سال ۱۳۰۲ خورشیدی (۲۵ سالگی) از هنرمندان محبوب جامعه هنری آن روز تهران بود که با دادن کنسرت و تشکیل کلاس تعلیم موسیقی در لاله زار، شهرتی بسزا داشت. او چند کنسرت با عارف قزوینی و درویش خان در گراند هتل داد. روح اله خالقی و مجید وفادار از شاگردان او بودند.

از ۲۵ سالگی، انزوا، عصبانیت و حساسیت فوق العاده در او ظاهر گشت و این حالت تا ۳۱ سال بعد که به وضع دلخراشی درگذشت ادامه داشت.

رضا محجوبی هیچگاه به رادیو نرفت و صفحه ای پُر نکرد، از این هنرمند چندین چهار مضراب، پیش درآمد و دو تصنیف در ابوعطا و دشتی باقی مانده که توسط دکتر لطف اله مفخم پایان نت نویسی شده

آ،a A,a آدم (Ádam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irán) I,i وحدان (Vojdán) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

است.

محبوبی، مرتضی [Morteza Mahjubi]: مرتضی محبوبی در سال ۱۲۷۹ خورشیدی بدنیا آمد. پدرش نی می نواخت و مادرش با پیانو آشنا بود. در کودکی، همراه با برادرش رضا برای فراگیری ویلن نزد حسینخان هنگ آفرین رفت و سپس در زمره شاگردان محمود مفخم درآمد. مرتضی محبوبی پس از یادگیری ویلن، دریافت که پیانو را بیش از ویلن دوست دارد. خانواده محبوبی، اولین خانواده‌ای است که پس از دربار قاجار، صاحب پیانو شدند. معلم های پیانو مرتضی محبوبی، زنده یاد هنگ آفرین و زنده یاد مفخم الممالک بودند. مرتضی محبوبی در ده سالگی همراه با استادش مفخم و برادرش رضا در کنسرت عارف، شاعر و موسیقی دان نامی شرکت کرد. او تحصیلات ابتدائی را در مدارس آلیانس و سن لوئی به اتمام رسانید. بهمین جهت به زبان فرانسه آشنائی کامل داشت.

در جوانی ازدواج کرد ولی صاحب فرزندی نشد. او از آغاز تأسیس رادیو با این سازمان همکاری داشت و تا آخر عمر به این همکاری ادامه داد. از استاد محبوبی آهنگهای بسیاری بیادگار مانده است از آن جمله: نوای نی، من از روز ازل و کاروان، هم چنین یکصد قطعه پیش درآمد، تصنیف و رنگ. او آهنگهایش را بیشتر در مایه سه گاه و دشتی ساخته است.

مرتضی محبوبی از ارزنده ترین پیانو نوازان ایران، به هنگام تحویل سال ۱۳۴۴، چند ساعت پیش از سال تحویل چشم از جهان فرو بست و خبر مرگ او را بمناسبت ایام عید، یک هفته مخفی نگهداشته و پس از سیزده نروز، در کنار قبر قمرالملوک وزیری در قبرستان ظهیرالدوله شمیران به خاک سپردند.

محبوبی، نظرلی [Nazarli Mahjubi]: از شاگردان موسیقیدان مشهور ترکمن صحرا، عاشور بخشی است که در سال ۱۳۰۸ در روستای: کوللیجه از توابع بخش مرزی؛ داشلی برون در محلی بنام چای گچر بدنیا آمد. نظرلی محبوبی با سبکهای موسیقی ترکمن صحرا آشنائی کامل دارد، و ساز اصلی او کمانچه است. محل زندگی او، روستای چای غوشان از روستاهای شهرستان گنبد قابوس است. او بزرگترین روایتگر از آخرین خنیاگران اصیل موسیقی ترکمن صحرا است.

محراب، تالار [Täläre Mehráb]: از تالارهای اجرای تعزیه در تهران که زیر نظر گروه تعزیه وزارت ارشاد اسلامی اداره می شود.

محسن پور، احمد [Ahmad Mohsenpur]: آهنگساز و سرپرست گروه موسیقی شواش در مازندران.

احمد محسن پور در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در روستای قادیکلاه بزرگ شاهی بدنیا آمد. از کودکی نواختن کمانچه و لّله و (نی) را آغاز کرد. سپس به ویلن روی آورد. او از شناخته ترین چهره های موسیقی مازندران است. او از بنیان مؤسسه فرهنگی و هنری «فرهنگ خانه» در مازندران است.

محسنی، احمد رضا [Ahmad Reza Mohseni]: آهنگساز فعال ساکن تهران که از او ساخت موزیک متن فیلم های: توهم ساخته سعید حاج میری (۱۳۶۴)، جدال در تاسوکی ساخته فرامرز قریبیان (۱۳۶۵) و هویت ساخته ابراهیم حاتمی کیا (۱۳۶۵) قابل ذکر است.

محسنی، اکبر [Akbar Mohseni]: نوازنده چیره دست عود در سال ۱۲۹۱ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پدرش سید حسین محسنی از افسران هنگ توپخانه بود که نظر خوشی به موسیقی نداشت. پس از مرگ پدر، او در مدرسه موسیقی که زیر نظر سالار معزز اداره میشد ثبت نام کرد. نخستین سازی که او زد، آلتوبرنجی بود، سپس ترومپت و فلوت را انتخاب کرد و از آن زمان به فراگیری نت تلاش نمود. تار را نزد رحمت اله خان صفا که از شاگردان زنده یاد موسی خان معروفی بود آموخت. در سال ۱۳۱۵ وزارت فرهنگ دسته موزیک کوچکی که او ساخته بود با ماهی ۲۴ تومان استخدام کرد. با تأسیس رادیو، با ارکستر استاد علی نقی وزیری همکاری خود را آغاز کرد که بابت آن ماهی ۷۰ تومان دریافت می داشت.

نخستین آهنگی را که استاد اکبر محسنی ساخت: سه تار و ستاره نام داشت. که شعر آنرا کریم فکور سروده و در مایه سه گاه توسط خانم ناهید سرفراز و حمید قنبری از رادیو پخش گردید. زمان پخش این آهنگ ۱۳۲۶ خورشیدی بود. در سال ۱۳۳۶ برای تدریس سرود و موسیقی در مدارس ایرانیان عراق به آن کشور رفت. او چهار سال در آن جا بود و ضمن تدریس، عود را از هنرمندانی چون: جمیل بشیر، گل خماش وکیل (موسیقیدان ایرانی ساکن بغداد) و حکمت فاضل فراگرفت. از آهنگهای جاویدان استاد اکبر محسنی، الهه ناز با صدای بنان است. او متجاوز از ۴۰۰ آهنگ ساخته است. از دیگر آهنگهای او انتظار با صدای فرح می باشد که ماندنی شده است.

محسنی، مجید [Majid Mohseni]: زنده یاد مجید محسنی هنرمند توانای تاتر و سینمای ایران. پیش پرده خوان و نماینده مجلس شورای ملی ایران در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در گیلیارد دماوند بدنیا آمد. او در سال ۱۳۱۶ از هنرستان وکلاس تاتر شهرداری فارغ التحصیل شد. او سالها در رادیو به اجرای نقشی بنام «عمقلی صمد» می پرداخت. او فیلم های با ارزشی چون، بلبل مزرعه و پرستوها بلانه بر می گردند را ساخت. مجید محسن در تاریخ ۱۹ تیر ماه ۱۳۶۹ بهنگام سخنرانی در تالار رودکی به سگته

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdan) O,o V,v جوب (Cub) U,u C,c زاله (Zale) Z,z

مغزی دچار و چشم از جهان فرو بست. قبر او در امامزاده عبدالله است.

محسوس [Mahsus]: درجه هفتم هرگام را گویند که در موسیقی غرب به آن *Sensible* گفته میشود.

محکی، میر سعید علی [Mir Sawid Ali Mahaki] موسیقیدان، نوازنده و خواننده ایرانی در سده نهم هجری است که در دربار پادشاهان گورکانی هند هنرنمایی می کرد.

محمد باقرخان [Mohammad Bāqer Xān]: نوازنده چیره دست ضرب در دوران قاجار که همراه تنی از هنرمندان آن زمان جهت ضبط صفحه به پاریس رفت.

محمد پرست، عثمان [Osmān Mohammud Parast]: آهنگساز و بازیگر خراسانی که در فیلم: گفت به زیر سلطه من آئید، ساخته داریوش ارجمند ضمن بازی به ساخت موزیک متن این فیلم نیز پرداخته است.

محمد پور، شاهین [Šāhin Mohammadpur]: شاهین محمد پور در سال ۱۳۴۶ خورشیدی در تبریز بدنیا آمد از ۶ سالگی نواختن کمانچه را نزد مهندس نسیمی و امیر راست‌بور آغاز کرد. او در حال حاضر با صدا و سیما مرکز تبریز همکاری دارد.

محمد تقی [Mohammad Taqi]: نوازنده چیره دست ضرب و از شاگردان سماع حضور بود و چون بیشتر با نسق چی‌باشی نوازنده تار و شاگرد آقا حسین قلی برنامه اجرا میکرد به محمد تقی نسق چی‌باشی معروف شد.

محمد حسن خان [Mohammad Hasan Xān]: موسیقیدان و نوازنده مشهور سنتور در دربار ناصرالدین شاه.

محمد حسین بیگ [Mohammad Hoseyn Beyg]: از نوازندگان مشهور ضرب در عهد قاجار بود. او در دستگاه میرزا علی خان اتابک ضرب می نواخت.

محمد حسین تنبوره‌ای [Mohammad Hoseyn Tanburei]: لطفاً به میرزا حسین تنبوره‌ای

آ,ā A,ā ادم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

نگاه کنید.

محمد خانی، قربان [Qorbán Mohammad-xáni]: از نی نوازان مشهور ترکمن صحرا.

محمد رضا خان [Mohammad Reza Xán]: از هنرمندان شیرازی دربار ناصرالدین شاه و برادر محمد صادق خان، نوازنده مشهور سنتور.

محمد صادق خان [Mohammad Sâdeq Xán]: نوازنده بنام سنتور، فرزند مطلب خان کمانچه کش. محمد صادق خان (سرورالملک) مدتها ریاست ارکستر دربار ناصری را به عهده داشت، سماع حضور پدر استاد سماعی نوازنده بزرگ سنتور از دست پروردگان محمد صادق خان است که در نواختن ضرب نیز استاد بوده است.

محمد صادق خان دو برادر هنرمند دیگر بنام؛ محمد رضا خان و میرزا شفیع خان داشت که از شیراز به تهران آمدند و به دربار ناصرالدین شاه راه یافتند.

محمد صادق خانی [Mohammad Sâdeq-xâni]: گوشه ای است در دستگاه شور و آواز بیات ترک منسوب به محمد صادق خان، استاد سنتور در زمان قاجاریه.



محمد عبده [Mohammad Abdo]: محمد عبده از شاعران مشهور اواخر سده چهارم هجری است که دبیر غراخان از پادشاهان خانیه ماوراءالنهر بوده است.

محمد کریم خان [Mohammad Karim Xán]: حاجی محمد کریم خان، صنعتگر همدوره و معاصر استاد فرج‌اله است که تار، سه تار، سنتور و کمانچه میساخته است. مهارت و شهرت او در ساخت کمانچه ترکی - استخوانی بود.

محمد کمانچه‌ای [Mohammad Kamáncei]: از نوازندگان عهد صفوی و شاه عباس اول در سده دهم هجری بود.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdán) I,i ایران (Iran) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

محمد، مرشد [Morséd Mohammad]: معروف به محمد علیجان، مرشد زورخانه «حمام خانم» بود.

محمد مؤمن [Mohammad Mowmen]: محمد مؤمن از نوازندگان صاحب نام و مشهور دوران صفویه است.

محمد مؤمن تنبوره‌ای [Mohammad Mowmen Tanburei]: معروف به حافظ، از نوازندگان مشهور تنبور در زمان شاه عباس اول صفوی است.

محمد بن ناصر علوی [Mohammad ben Nāser Alavi]: از شاعران نیمه اول سده ششم هجری است. از این شاعر ابیات معدودی بجا مانده است.

محمدیان، جلال‌الدین [Jalāleddin Mohammadyān]: سید جلال‌الدین محمدیان در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در کردستان بدنیا آمد. در کودکی آواز می‌خواند و در سال ۱۳۵۱ فعالیت رسمی خود را در فرهنگ و هنر کرمانشاهان آغاز کرد. او در سال ۱۳۵۵ به تهران آمد و نزد استاد محمد رضا شجریان به آموختن ردیف و گوشه‌های موسیقی ایران پرداخت. او در سال ۱۳۵۸ همکاری خود را با مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران آغاز نمود و آهنگ جالبی خواند بنام «هوای وطن» که ارکستر شمس صدای او را همراهی می‌کرد. محمدیان در کنار خوانندگی به آهنگسازی هم اشتغال دارد.

محمدی، سخاوت [Sexāvat Mohammadi]: سخاوت محمدی در سال ۱۳۳۶ خورشیدی در روستای قبادلو قره داغ بدنیا آمد. از نوجوانی نواختن ساز و خوانندگی را نزد استاد تاپدوق و استاد عزیز شهنازی آغاز کرد. او نزدیک به بیست سال است که عاشیقی می‌کند.

محمدی، سعید [Sawid Mohammadi]: آهنگساز، ترانه‌سرا، نوازنده و خواننده فعال در لس آنجلس که سالها با زنده یاد فریدون فرخ زاد همکاری داشت. او فراگیری موسیقی را از کودکی آغاز کرد. الگوی او در آن سالها، ویگن و سپس فرهاد و داریوش بودند. سعید محمدی در ۱۴ سالگی در مدرسه بهرام تهران در مسابقات خوانندگی اول شد.

او به کاخ جوانان رفت. در زمان انقلاب چند ترانه سیاسی از اشعار زنده یاد فریدون فرخ زاد را اجرا کرد. با

آ،a A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkēs) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات‌های (النسای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

اجرای ترانه های اشاره شده به ترکیه گریخت. پس از سه ماه اقامت در ترکیه به پاریس رفت و همراه با فرخزاد فعالیت سیاسی - هنری خود را آغاز کرد. سعید محمدی اولین خواننده ایرانی است که در مقابل کاخ سفید همراه با گیتارش، سیاسی ترین ترانه ها را خوانده است. در آلمان، حادثه ترور برادر سعید محمدی توسط تروریست های جمهوری اسلامی، ضربه سختی به او وارد ساخت. سعید محمدی در حال حاضر با همسر و دخترش در لس آنجلس زندگی می کند.

محمدی کیکانلو، سهراب [Sohrab Mohammadi Kikānlu]: سهراب محمدی کیکانلو در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در آش خانه بجنورد بدنیا آمد. او نزدیک به ۵۰ سال است که دوتار می نوازد. او از معروف ترین نقالان، داستانسرایان و نوازندگان معروف گرد در شمال خراسان است.

محمدی، محمود [Mahmude Mohammadi]: محمود محمدی در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در خیابان خراسان تهران بدنیا آمد. در همسایگی او مسعود حسن خانی زندگی می کرد همین امر باعث شد تا او به سوی موسیقی کشیده شود. او کار هنری اش را بطور رسمی از ۱۴ سالگی با قره نی آغاز نمود. معلم او، عباس تهرانی بود. پس از مدتی او به کلاس زنده یاد حسین علی وزیری تبار رفت. مخالفت پدر و مادر او با موسیقی، باعث شد که او برای تمرین به بیابانهای اطراف خیابان خراسان برود.

محمدی، مختار [Moxtar Mohammadi]: مختار محمدی در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در شهرستان نور مازندران بدنیا آمد. در کودکی به تهران آمد. او کار هنری اش را در برنامه دانش آموز که صبح ها از رادیو ایران پخش میشد، آغاز کرد و این کار باعث شد که او را به استاد حبیب اله بدیعی معرفی کنند و او سالها با ارکستر شماره ۶ رادیو به همکاری پرداخت. مختار محمدی، در کلاس های زنده یاد ولی اله البرز همراه با جلال ذوالفنون و عماد رام، موسیقی تدریس می کرد و هم چنین در آموزشگاه هائی چون: کلاس منوچهر لشگری، کلاس هنر، کلاس محمد شیرخدائی و کلاس آپادانا به تدریس موسیقی اشتغال داشت.

محمود [Madmmd]: خواننده خوش صدا و صاحب سبک ساکن آمریکا که با زوج هنری خود مینالیزا از فعالیت خوبی برخوردار است. از محمود آلبومهای: چشم های تو، بنده عشق، اوج و آتش بازی در دسترس میباشد.

محمود، پرویز [Parviz Mahmud]: پرویز محمود پسر محمود محمود نویسنده و محقق بنام.

آ,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

ز,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) و ات های (افسای) نوبن برای درست خواندن

کنسرواتوار بروکسل را تمام کرده به ایران برگشت و در هنرستان موسیقی یکی از استادان سرشناس بود و در مدت کوتاهی توانست مقام رهبری ارکستر سمفونی تهران را بدست بیاورد. در سال ۱۳۲۵ او به ریاست هنرستان موسیقی ملی برگزیده شد.

او از مخالفین سر سخت کلنل وزیری بود که همواره در راه او کارشکنی می کرد. پرویز محمود با تدریس موسیقی ایرانی در هنرستان عالی موسیقی مخالف بود. او موسیقی ایرانی را یک موسیقی محلی میدانست که ارزش تدریس در یک آموزشگاه موسیقی را ندارد و صرفاً بایستی به موسیقی اروپائی توجه نشان داد! متأسفانه پیشنهادهای او در اداره هنرهای زیبا مورد توجه قرار گرفت و موسیقی ایرانی از برنامه درسی هنرستان حذف شد و از سال ۱۳۲۷، در هنرستان عالی موسیقی، صرفاً موزیک کلاسیک غربی تدریس گردید. پرویز محمود از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ ریاست هنرستان را به عهده داشت و ضربه سنگینی به پیکر موسیقی ایرانی وارد ساخت و از سال ۱۳۲۹ با روی کار آمدن روییک گریگوریان و عشق و علاقه این هنرمند بزرگ به موسیقی فولکلوریک و محلی ایران بار دیگر روی خوش به موسیقی این مملکت نشان داده شد.

محمود خان [Mahmud-xān]: سرپرست دسته موزیک اعتضادیه که متعلق به اعتضاد السلطنه، پسر مظفرالدین شاه بوده است.

محمود خان ملک الشعراء [Mahmud-xān Malek-olšowarā]: محمود خان، نواده فتح علی خان ملک الشعراء است که در سال ۱۲۲۸ هجری در تهران بدنیا آمد و تاریخ وفاتش ۱۳۱۱ هجری (دو سال پیش از کشته شدن ناصرالدین شاه) است. دیوان این شاعر در سال ۱۳۳۹ خورشیدی در تهران به چاپ رسیده است. این کتاب حاوی ۲۶۰۰ بیت است.

محمود وراق هراتی [Mahmud Varrāq Harāti]: شاعر سده سوم هجری و از معاصران حنظله باد غیسی است.

محمودیان، ناصر [Nāser Mahmudiān]: مصطفی محمودیان، معروف به ناصر محمودیان در سال ۱۳۱۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او از صدای خوب و گرمی برخوردار است. او از ۹ سالگی نزد پدر خویش به فراگیری موسیقی اقدام نمود و سپس وارد هنرستان عالی موسیقی شد. او از مکتب استاد هائی چون اسماعیل مهردادش بمدت سه سال در رشته آواز، موسی خاخام بمدت یکسال برای سنتور، نزد استاد ابوالحسن صبا بمدت سه سال در رشته ویلن و دو سال نزد برادران معارفی و دو سال نزد

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam) و ات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdān) وحدان O,o V,v (Cub) جوب U,u C,c (Zāle) زاله Z,z

پالیزبان برای فراگیری فلوت، بهره‌ها برد. او در حال حاضر سنتور، ویلن و آواز تدریس می‌کند.

محمودی خوانساری، محمود [Mahmud Mahmudi Xánsári]: زنده یاد محمودی خوانساری در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در خوانسار بدنیا آمد. پدرش حجت الاسلام سید جمال الدین محمودی بود. او از کودکی دارای صوتی دلنشین بود و به آواز، تاج اصفهانی، ادیب خوانساری و طاهر زاده گوش میداد. در سال ۱۳۲۵ با احداث کارخانه برق در خوانسار امکان بکارگیری رادیو میسر شد و او می‌توانست از طریق رادیو و گوش دادن به فراگیری موسیقی بپردازد. پس از مرگ پدر در سال ۱۳۲۶، محمودی خوانساری به تهران آمد و در مدرسه ادیب به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۳۵ در مجلسی، استاد ابوالحسن صبا، صدای او را شنید و او را تحت تعلیم قرار داد. با مرگ استاد، محمودی به شیراز رفت (۱۳۳۷) و در آنجا با رادیو شیراز به همکاری پرداخت. پس از یکسال و نیم اقامت در شیراز به تهران بازگشت و جذب برنامه گل‌های رادیو ایران گردید.

محمودی خوانساری از سال ۱۳۴۹ در برنامه نوایی از موسیقی ملی شرکت جست و سرعت به اشتها رسید. از ترانه‌های ماندگار این خواننده گرانقدر میتوان به: مرغ شباهنگ در مایه افشاری، میخانه در مایه دشتی، سکوت و مستی در سه گاه از ساخته‌های اسداله ملک و لاله پرپر ساخته فرهنگ شریف اشاره داشت.

محمود محمودی خوانساری در ۵۳ سالگی به تاریخ دوم اردیبهشت ۱۳۶۶ چشم از جهان فرو بست.

محمودی، سهیل [Soheyl Mahmudi]: ترانه سرای فعال ساکن تهران که همکاری نزدیکی با محمد اصفهانی دارد.

محمودی، علی [Ali Mahmudi]: نوازنده زبردست ویلن در ارکستر علی نقی وزیری و از شاگردان ممتاز مدرسه کمال‌الملک که در ساختن تابلوهای قالی مهارت فوق‌العاده‌ای داشت. او بعدها موسیقی را کنار گذاشته و به کار اصلی خود پرداخت.

محمودی، کریم [Karim Mahmudi]: از ترانه‌سرایان قدیمی و هم‌دوره با زنده یاد روان بخش. شعر ترانه: نه یکی نه دو تا با صدای روان بخش از نمونه کارهای این شاعر است. کریم محمودی، همکاری نزدیکی با زنده یاد فریدون فرخ زاد داشت.

محمودی، محمد حسین [Mohammad Hoseyn Mahmudi]: محمد حسین محمودی در

آ, a A, a آدم (Ádam) S, s K, k Š, š سرکش (Sarkēš) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyám) و ات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Írān) I, i وحدان (Vojdān) V, v O, o جوب (Cub) C, c U, u زاله (Zāle) Z, z

سال ۱۳۰۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او لیسانس حقوق قضائی خود را از دانشگاه تهران دریافت کرد. در رشته موسیقی، تئوری و سلفژ را نزد زنده یاد حسین هنگ آفرین و تمرین اتودها را نزد زنده یاد خادم میثاق فراگرفت. او فارغ التحصیل رشته ویلن از هنرستان موسیقی ملی است. همکاری او با رادیو ایران از سال ۱۳۲۴ آغاز گردید. آخرین پست سازمانی این هنرمند؛ مدیرکل وزارت مسکن و شهرسازی بود. محمودی در حال حاضر بازنشسته است.

محمودی، محمد علی [Mohammad Ali Mahmudi]: محمد علی محمودی در سال ۱۳۳۳ خورشیدی در ایل قره پاپاغ آذربایجان غربی بدنیا آمد. از ۱۵ سالگی به خوانندگی و نوازندگی ساز روی آورد. او مشهورترین عاشیق نقده میباشد.

محمودی، منوچهر [Mamucehr Mahmudi]: نوازنده چیره دست ویلن در ارکستر انجمن موسیقی ملی به سرپرستی استاد علی نقی وزیری. جهت کسب اطلاعات بیشتر لطفاً به ارکستر انجمن موسیقی ملی نگاه کنید.

محوى همدانى [Mahvi Hamadani]: میر مغیث محوی از شاعران سده دهم و یازدهم هجری است. او در اسد آباد همدان بدنیا آمد و مدتی در نیشابور زندگی کرد و سپس به هندوستان رفت. او قصیده و غزل می سرود ولی شهرتش بخاطر رباعی های صوفیانه است.

مُحَیّر [Mohayyer]: گوشه ای است در دستگاه های راست پنجگاه، ماهور و همایون و از جمله ۲۴ شعبه موسیقی قدیم ایران.



مخالف [Moxalef]: گوشه ای است در دستگاه های؛ سه گاه و چهارگاه

مخالف انواع مختلف بشرح زیر دارد:

مخالفت دسته بالا و دسته پائین؛ از گوشه های دستگاه سه گاه است. مخالف بزرگ؛ از گوشه های دستگاه سه گاه و چهارگاه است. مخالف کردانیه؛ از گوشه های دستگاه چهارگاه است. مخالف مغلوب؛ از گوشه های دستگاه نوا است.

آ,ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن



مخالف چهارگاه [Moxalef Chārgāh]: مخالف در چهارگاه، نظیر مخالف سه گاه از وسعت و محدوده لازم برخوردار و به عبارتی ایست سوم بر رونمایان در چهارگاه است که به علت تطابق فواصل دانگ اول همایون و فواصل مخالف که در چهارگاه، دانگ دوم محسوب میشود، امکان تغییر گام از چهارگاه به همایون میسر می گردد.



مخبر [Moxber]: نام گوشه ای است در دستگاه راست پنجگاه.

مخبر، ماهدخت [Māhdōxt Moxber]: شاعر و ترانه سرای همدوره هما میر افشار که از کارهای او میتوان به ترانه: چشمم با صدای کورس سرهنگ زاده اشاره داشت.

مختاباد، عبدالحسین [Ahdol-hoseyn Moxtabād]: آواز خوان خوش صدا و مشهور ایرانی در یکی از روستاهای اطراف ساری بدنیا آمد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در ساری به اتمام رسانیده و بعد راهی تهران شد و در رشته جامعه شناسی موفق به دریافت لیسانس گردید. او در حال حاضر در کانادا در رشته آهنگسازی ساکن است. اولین استاد او هنرمند گرانقدر صالح عظیمی بود که او را ۸ سال آموزش داد. در محضر استاد عظیمی بود که عبدالحسین مختاباد تمام ردیف های آواز ایرانی را آموخت. عبدالحسین مختاباد در حین خوانندگی از هنرنواختن سنتور و تار نیز بهره مند است. از این هنرمند تاکنون هشت کاست به بازار آمده. تمنای وصال، کاری از خود اوست و استاد هائی چون جلیل شهناز و حسن ناهید او را همراهی کرده اند.

از شاه بیت‌های نظرات این هنرمند گرانقدر، در زمینه موسیقی کشورمان بایستی به این نکته اشاره نمود: متأسفانه برنامه ریزی منسجم فرهنگی و مدیریت فرهنگی در زمینه موسیقی ما وجود ندارد و این مسئله در ارتباط مستقیم با عدم حمایت دولت است. مردم ما هنوز موسیقی خودمان را نشناخته اند، ما باید سیستم آموزشی آکادمیک را در جامعه تقویت کنیم، هنرستانهای موسیقی که در سال ۵۸ بکلی منحل شدند در سراسر کشور تأسیس شوند.

مختاری [Moxtâri]: ابوالمفاخر سراج الدین مختاری غزنوی از شاعران بزرگ دربار غزنویان در اواخر سده پنجم و نیمه اول سده ششم هجری است. او با ابوالفرج رونی، مسعود سعد سلمان و سنائی غزنوی معاصر بوده است. مختاری به سال ۵۴۴ یا ۵۴۹ چشم از جهان فرو بست. دیوان او نزدیک به هشت هزار بیت دارد.

مختاری، رکن الدین [Rokn-eddin Moxtâri]: نوازنده مشهور ویلن و از شاگردان حسین اسماعیل زاده استاد کمانچه، که در آهنگسازی نیز مهارت داشته است. او تصنیف و پیش درآمدهای بسیاری ساخته که وجود دارند.

رکن الدین خان مختاری در زمره نوازندگان و آهنگسازان زبر دست دوره قاجاریه باید بحساب آورد. او معاصر درویش خان بود. او به تمامی ردیف های موسیقی ایرانی آگاهی داشت، و اولین کسی است که آهنگهای ضربی ساخته است. سبک آهنگسازی او به رکنی شهرت دارد.

مختاری، ضیاء [Zyâw Moxtâri]: ضیاء مختاری در سال ۱۲۸۳ خورشیدی بدنیا آمد. پدرش میرزا محمد تقی مختاری خوشنویس و نقاش معروف دوره قاجاریه است که سمت نقاش دربار مظفرالدین شاه، محمد علی شاه و احمد شاه را به عهده داشت. عموی او، هادی تجویدی پدر استاد علی تجویدی آهنگساز برجسته می باشد. او در سال ۱۲۹۷ همزمان با رسمیت یافتن مدرسه موزیک دارالفنون، اقدام به ثبت نام در آن مدرسه نمود. مختاری ابوا را به عنوان ساز بادی و ویلن و پیانو را انتخاب نمود. از یکصد نفری که در زمان آغاز کار مدرسه ثبت نام کرده بودند، تنها چهار نفر موفق به اخذ دیپلم شدند که یکی از آنها که نفر اول نیز بود، ضیا مختاری بود. او بعدها بنا به تشویق سالار معزز، به سمت هنرآموز تئوری و هارمونی و سلفژ و تدریس سازهای بادی و پیانو استخدام مدرسه موزیک شد. ضیاء مختاری از سال ۱۳۲۰ همکاری خود را با رادیو آغاز کرد.

مخصوصی، زین العابدین [Zeynolâbedin Maxsusi]: نوازنده مشهور تار، زین العابدین

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

مخصوصی، در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. در سال ۱۳۱۷ با خرید تار به مبلغ ۲۵ ریال، مشق این ساز را نزد حسن سرمست دبیر موسیقی و سرود آموزش و پرورش کرمانشاه آغاز کرد. در سفر قمرالملوک وزیری به کرمانشاه، صدای او را، تار زین العابدین مخصوصی همراهی کرد. پس از اجرای کنسرت با قمر، همراه او به تهران آمد و مدت دو هفته مهمان قمر و ملوک ضربی بود و پس از این مدت به کرمانشاه بازگشت. در سال ۱۳۳۷، مخصوصی به استخدام رادیو کرمانشاه درآمد. مخصوصی در حال حاضر در تهران بسر میبرد.

مُخَلّدی گرگانی [Moxalladi Gorgāni]: ابو شریف احمد بن علی مخَلّدی گرگانی از شاعران اواخر سده چهارم و اوایل سده پنجم است که نامش در برخی از کتابهای مخَلّدی و در برخی از کتب، مجلّدی [Mojalladi] عنوان شده است.

مخلص کاشانی [Moxles Kāšāni]: میرزا محمد متخلص به مخلص و معروف به مخلصای کاشی از شاعران نیمه نخستین سده دوازده هجری است. در دوران پادشاهی شاه سلطان حسین (۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ هجری) او را از کاشان به اصفهان فرا خواندند. دیوان غزلها و مفردات او بشماره Add 19620 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود، که ۲۵۰۰ بیت دارد.

مدائن [Madāwen]: گوشه ای است در دستگاه سه گاه.

مدائن، تاتر [Teatre Madāwen]: تاتر قدیمی تهران واقع در خیابان سیروس که در سال ۱۳۲۶ خورشیدی افتتاح و پس از دو سال بسته شد. این تاتر مکانی برای عرضه هنر نمایش و موسیقی بود.

مدرسه عالی موسیقی [Madrāseye Āliye Musiqi]: تشکیلاتی که در زمستان ۱۳۰۲ خورشیدی بوسیله استاد علی نقی وزیری در خیابان منوچهری دایر شد. دفتر ثبت نام مدرسه در منزل مسکونی استاد وزیری در کوچه آقا قاسم شیروانی واقع در خیابان نادری بود. در آن زمان که استاد مدرسه را گشودند ۳۷ سال داشتند. اولین کتابی که استاد وزیری نوشته و در این مدرسه آنرا تدریس می کرد کتاب «دستور تار» بود. ناظم مدرسه در آن زمان سلیمان خان سپانلو از شاگردان ممتاز حاج علی اکبر خان شهنازی بود. دوره اول مدرسه با یکصد دانشجو آغاز به کار کرد.

رئوس کلاس ها در ابتداء عبارت بودند از: نت خوانی، وزن خوانی، سرایش و تئوری موسیقی. یکماه که از آغاز کار مدرسه گذشت، هشتاد دانشجو از مراجعه بعدی خودداری کردند، و فقط بیست نفر باقی ماندند.

A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

در آن زمان ابوالحسن صبا مبصر کلاس بود. مدرسه بعدها به خیابان ارباب جمشید نقل مکان کرد.

مدرسه موسیقی رشت [Madraseye Musiqiye Rašt]: مدرسه قدیمی موسیقی در سال ۱۳۰۷ خورشیدی که سرپرستی آن به عهده استاد ابوالحسن صبا بود.

مدرسه موسیقی نی داود [Madraseye Musiqiye Neydávud]: واقع در خیابان علاءالدوله (فردوسی) کوچه بختیاری ها (کوچه فروشگاه فردوسی) به سرپرستی استاد مرتضی نی داود در سالهای پیش و بعد از ۱۳۰۰ خورشیدی.

مدرسه موسیقی وزیری [Madreseye Musiqiye Vaziri]: آموزشگاه موسیقی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۰۰ خورشیدی در تهران به سرپرستی استاد علی نقی وزیری.

مُد گردی [Modgardi]: به تغییر مقام و یا تغییر مایه گفته میشود که معادل آن در موسیقی غربی مدولاسیون است.

مدنی پور، کامران [Kámran Madenipur]: کامران مدنی پور پس از مدتها فعالیت در زمینه گویندگی اخبار ورزشی در رادیو ایران ۶۷۰ AM لس آنجلس به جرگه خوانندگان پیوسته و از او آلبوم: تب در دسترس میباشد. زمان انتشار این آلبوم اکتبر ۲۰۰۰ میلادی بود. کامران مدنی پور که با نام هنری کامی فعالیت می کند، در سال ۱۹۷۶ به آمریکا آمد و در رشته مهندسی الکترونیک تحصیل و مدرک خود را دریافت کرد.

مدولاسیون [Medolásyon]: لطفاً به مُدگردی نگاه کنید.

مدیری، محمود [Mahmud Modiri]: محمود مدیری در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در خرم آباد دنیا آمد. در ۱۴ سالگی وارد دسته موزیک لشکر پنج لرستان شد. در ۱۸ سالگی به ویلن روی آورد و در سال ۱۳۴۴، آهنگهای لری رانت نویسی نمود.

مدیلان (Modilán): نام کمانچه‌ای است که توسط میرزا غلام حسین خان (آقا جان) در سال ۱۳۰۰ هجری - قمری متداول شد.

مرآتی، محمود [Mahmud Merāti]: نوازنده و استاد تعلیم کمانچه در کرمانشاه که در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در این شهر بدنیا آمد. از کودکی به موسیقی علاقه نشان داده و پدرش او را نزد هنرمندی بنام شاپور بیگلربیگی که از شاگردان استاد ابوالحسن صبا بود، برد و محمود مشق ویلن گرفت. معلم بعدی محمود مرآتی، رکن الدین تاج بخش بود که ردیف های استاد صبا را به او آموخت. بعدها، این هنرمند به تهران آمد و به کلاس محمد بهارلو رفت و بسیاری از گوشه های موسیقی ایرانی را فراگرفت و به کرمانشاه مراجعت نمود. او بیش از ۱۲ سال سرپرست ارکستر رادیو کرمانشاه بود. او علاوه بر نواختن ویلن و سه تار با نواختن کمانچه هم آشنائی کامل دارد. در کارنامه هنری محمود مرآتی، ساخت چهل آهنگ محلی و سنتی وجود دارد.

مراد، جهانگیر (حسام السلطنه) [Jhāngir Morād]: موسیقیدان و ردیف شناس قدیمی که ویلن خوب می نواخت. او سید حسین طاهرزاده را با موسیقی آشنا کرد. از آهنگ های او در برنامه گلهای رادیو ایران استفاده شده است.

مراد خانی [Morādxāni]: گوشه ای است در دستگاه ماهور.

مراد خانی [Morādxāni]: تار زن زمان مظفرالدین شاه که از نواختن تار او همواره به بدی یاد شده است.

مرادی، رشید [Rašid Morādi]: خواننده ترانه های کوچه و بازار و رو حوضی و زوج هنری شهپر.

مرادی، شاه میرزا [Šahmirzā Morādi]: زنده یاد مرادی، معروف به علیرضا الماس، از معروف ترین سورنا نوازان لرستان بود که در نواختن کمانچه نیز مهارت داشت.

مرادی، علی اکبر [Ali Akbar Morādi]: نوازنده زبردست و مشهور تنبور که در کرمانشاه و تهران فعالیت دارد. علی اکبر مرادی در سفر به آمریکا، همکاری نزدیکی با تنبک نواز معروف ساکن کالیفرنیا پژمان حدادی دارد. علی اکبر مرادی در سال ۱۳۳۶ در گوران کرمانشاه بدنیا آمد. از سن ۷ سالگی نواختن تنبور را نزد «سید هاشم» آغاز کرد. سپس نزد، کاکی الله مراد تیموری و سید ولی حسینی به تکمیل اندوخته های خود در زمینه مقام های تنبور پرداخت و ضمناً از طریق نوارهای زنده یاد آقا میرزا سید علی

کفاشیان با شیوه نوازندگی این استاد بزرگ آشنا شد. علی اکبر مرادی از برجسته ترین تنبور نوازان معاصر بشمار میرود. علی اکبر مرادی در کرمانشاه زندگی می کند.

مرادی، فرمان [Farmán Morádi]: فرمان مرادی در سال ۱۳۲۶ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. پس از طی دوران تحصیلات ابتدائی به تهران آمد و در سال ۱۳۴۹ به استخدام مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی وابسته به سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران در آمد و در کارگاه ساز سازی این مرکز مشغول کار شد. او مدت ۶ سال نزد استاد محمد عشقی به ساخت سه تار اشتغال داشت. اواخر سال ۱۳۲۶ برای راه اندازی کارگاه ساز سازی رادیو تلویزیون کرمانشاه به این شهر رفت و بمدت چهار سال در آنجا در کار ساخت و تولید ساز تلاش نمود.

مرادی، مراد علی [Morád-Ali Morádi]: نوازنده زبردست دوزله، در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در روستای بیلوار (قره حسن) کرمانشاه بدنیا آمد. مرادی از سال ۱۳۴۸ تاکنون به نواختن دوزله و نی پرداخته است. شغل اصلی او جوشکاری است و در حال حاضر در جیحون آباد کرمانشاه زندگی می کند.

مراغه‌ای، عبدالقادر [Abdolqáder Maráqei]: لطفاً به عبدالقادر مراغه‌ای نگاه کنید.

مراغی، عبدالعزیز [Abdolaziz Maraqi]: فرزند کوچک عبدالقادر مراغه‌ای که از موسیقیدانهای زمان خود بود. او کتابی در خصوص موسیقی بنام «نقاوة الادوار» نوشته است. او در سده هفت و هشتم هجری میزیسته است.

مراغی، محمد [Mohammad Maráqi]: نوه عبدالقادر مراغه‌ای است که کتابی در خصوص موسیقی بنام مقاصد الادوار دارد که نسخه‌ای از آن به شماره ۳۶۴۹ در کتابخانه نوری ترکیه نگهداری می شود. سال وفات این موسیقیدان ۹۱۸ هجری است.

مرال [marál]: خواننده و رقصنده مشهور زن در دوران ناصری.

مُراوی نیک [Morávi-nik]: لحن بیست و دوم از سی لحن بارید.

مربع [Morabaw]: سازی است رشته‌ای کمانه دار از رده رباب. این ساز تنها یک تار دارد.

آ,ا Adam (Ádam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdán) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

مرتضائی، اشرف السادات [Āsraf-olsādāt Morteẓāwi]: لطفاً به مرضیه نگاه کنید.

مرتضوی، بیژن [Bizan Mortazavi]: آهنگساز، خواننده و نوازنده ممتاز و چیره دست ویلن که موسیقی ایران را در سطح بین‌المللی و در بزرگترین مراکز اجرای کنسرت در آمریکا به نمایش گذاشته است.

بیژن مرتضوی در شهر ساری بدنیا آمد. عشق به موسیقی از سه سالگی در او آغاز شد. اولین استاد او مسعود نمازیان بود که بمدت ۶ ماه ویلن را نشان شاگردش داد و شرط اینکه بیژن بتواند به ویلن دست بزند، این بود که نت خوانی را بیاموزد. استادهای بعدی بیژن مرتضی؛ علی تجویدی، حبیب‌اله بدیعی، پرویز یاحقی و استاد جهانگیر کامیان بودند. بیژن مرتضوی در حال حاضر از فعال‌ترین هنرمندان ساکن لس‌آنجلس است. مرتضوی دارای مدرک مهندسی راه و ساختمان از آمریکاست. این هنرمند علاوه بر ویلن که ساز تخصصی او میباشد، با نواختن گیتار، پیانو، تار و سه تار نیز آشنا میباشد.

مرتضوی سید محمد [Seyyed Mohammad Mortazavi]: سید محمد مرتضوی استاد سازنده سنتور در کارگاه مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران در تهران.

مرتضی [Morteẓā]: مرتضی برجسته خواننده پُرتوان ساکن لس‌آنجلس که کار خوانندگی را از ۱۶ سالگی آغاز و اینک ۳۰ سال است که می‌خواند. مهندس مرتضی برجسته، آرشیکت است که بنا به عقیده خودش دنیای هنر، مجالی به او نداد تا از آن به صورت حرفه‌ای استفاده کند. مرتضی از فعال‌ترین هنرمندان لس‌آنجلس میباشد که کنار حرفه خوانندگی صاحب استودیو ضبط صدای مجهزی است که کارهای ضبط، طراحی جلد صفحه را انجام میدهد. از آلبوم‌های این خواننده قدیمی و موفق میتوان به: دایه دایه، ریتم هزاره، هیمه، ریات، گریه نکن، گل آقا و داروغه اشاره داشت.

مرثیه [Marsye]: شکلی است از موسیقی مذهبی که اصولاً آوازی است و کمتر موزیک آنرا همراهی می‌کند.

مرجان [Marjān]: خواننده و هنرپیشه پُرکار سینمای ایران که از صدای زیبائی برخوردار است. مرجان در سال ۱۳۴۸ با بازی در فیلم دنیای پُر امید ساخته احمد شیرازی و با شرکت فردین و ظهوری پا به عالم هنر گذاشت و بسرعت در زمره پُرکارترین هنرپیشگان سینمای ایران درآمد. فیلم‌های دیگر او

آدم (Ādam) A,a A,a سرکش (Sarkesh) S,s K,k S,s جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وچدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

عبارتند از: سکه شانس، از یاد رفته، دلچک ها، قلاب، شکار انسان، غلام ژاندارم، یک مرد و یک شهر، قدیر، مرغ تخم طلا، مرد اجاره‌ای، کاکل زری، همیشه قهرمان، مردی در طوفان، مردان خلیج، ضعیفه، کیفیر، سراب، سالومه، قربون هرچی خوشگله، هرجائی، سلام بر عشق، هم قسم، زیبای پرو، چشم انتظار، مادر جونم عاشق شده، تنها حامی و تکیه بر باد. مرجان پس از اشتهار در سینمای ایران به خوانندگی رو آورد و ترانه های ماندگاری چون: جفت سلیمان، کی صدا کرد، گمشده، قصه، من همینم، سکه ماه، پرنده تنهام، خونه و کویر دل از او اجرا و در دسترس میباشد.

مردات هو [Merdáthu]: نغمه و آهنگی در عهد ساسانی. این آهنگها شبیه به پیش درآمدهای امروزی است که به همراه شعر و موسیقی به اجرا در می آمد.

مردادیان، آندره [André Mordádyán]: نوازنده و استاد پیانو که در تهران فعالیت دارد.

مُردخای کلیمی [Mordxáy Kalimi]: نوازنده چیره دست ضرب در دوران قاجاریه که کمانچه را نیز خوب می نواخت.

مرسده [Mersedé]: خواننده زیبای ساکن جنوب کالیفرنیا که او آلبومهای: چشمه نور، کولی و تابستان داغ در دسترس میباشد. مرسده کار خوانندگی را از سال ۱۳۶۶ خورشیدی در آمریکا آغاز کرد. او در رشته موسیقی کلاسیک و اپرا تحصیل کرده و دارای مدرک آنها میباشد. از آهنگسازان مشهوری که با او همکاری نزدیک دارند میتوان به فرید زولاند و بابک افشار اشاره نمود.

مرشد بروجردی [Moršed Brujerdi]: مرشد بروجردی ملقب به مرشد خان از شاعران پارسی گوی سده یازدهم در هند میباشد که در دربار گورکانیان زندگی می کرده است. سال وفات او ۱۰۳۰ هجری است.

مرشد خوانی [Moršedxáni]: در لرستان، علاوه بر شاهنامه خوانی، آهنگ دیگری وجود داشت بنام مرشد خوانی که امروزه فراموش شده است.

مرضیه (اشرف السادات مرتضائی) [Marzye]: خواننده صاحب نام و قدیمی و همدوره با خانم دلکش، پوران و الهه که سالها با برنامه گلهای رادیو همکاری مستمر داشت. آهنگسازان بزرگی چون علی

آ،a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i و حدان (Vojdan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

تجویدی، بزرگ لشگری، حبیب اله بدیعی، ابراهیم منصوری. (مرضیه در سال ۱۳۳۰ خواننده ارکستر ابراهیم منصوری بود)، حسین یاحقی، مهدی مفتاح، پرویز یاحقی و مجید وفادار برای او آهنگ ساخته اند. استاد حسین قوامی در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در خانه حشمت دفتر که ویلن خوب می نواخت، با مرضیه آشنا شد و او را به مجید وفادار و رادیو معرفی کرد.

استاد آواز مرضیه، زنده یاد عبدالله دوامی بود که به غیر از مرضیه به هنرمندان دیگری چون الهه، هما، فاخره صبا، خاطره پروانه و کریمی آموزش داده است.

پس از تغییر رژیم به علت گرایش مرضیه به سازمان مجاهدین خلق، رژیم تهران نسبت به حذف نام او از کتب موسیقی تلاش فراوانی مبذول داشته و در کمتر کتابی که در ۲۲ سال اخیر چاپ شده است نام این هنرمند بزرگ آورده شده است.

از ترانه های ماندگار این خواننده گرانقدر میتوان به: اشک من هویدا شد، طاووس، اگر مستم، رفتم که رفتم، سر و چمن، بوی جوی مولیان، بیداد زمان، امشب شب مهتابه، بگذر از کوی ما، جای تو خالی، خدا کند که خوابم نبره، در میان گلها، دیدی که رسوا شد دلم، سنگ خارا، می زده، یه دل اینجا، و ده ها ترانه دیگر اشاره داشت.

مرغک [Morqak]: از الحان موسیقی در عهد ساسانیان.

مرفه، فرهاد [Farhād Moraffah]: آهنگساز جوان و فعال در لس آنجلس که همکاری نزدیکی با منصور خواننده خوش صدا ساکن لس آنجلس دارد.

مرکب خوانی [Morakab-xāni]: در خواندن و نواختن به تغییر مقامهای پی در پی و در خاتمه فرود به مایه اصلی را مرکب خوانی گویند. همچنین نوعی از خوانندگی در موسیقی مقامی گذشته است.

مرکز اسناد فرهنگی آسیا [Markaze Asnāde Farhangiye Āsyā]: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، سازمانی وابسته به یونسکو که در امر موسیقی بسیار فعال است. کتاب شناسی موسیقی از ویدا مشایخی از انتشارات این سازمان است.

مروارید، شهاب الدین عبدالله [Šahāb-eddin Abdollāh Morvārid]: شهاب الدین عبدالله موسیقیدان، نوازنده چیره دست قانون و خوشنویس سده دهم هجری است که در کرمان بدنیا آمد و بعدها به وزارت سلطان ابوسعید گورکانی رسید.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irān) I,i وودان (Voklān) O,o V,v جوب (Cub) C,c U,u ژاله (Zāle) Z,z

مروای نیک [Moravi-nik]: نام لحنی است در موسیقی قدیم ایران، دوران ساسانیان این لحن از موسیقی در جشن ها و اعیاد نواخته میشده است.

مرو دشتی [Marvdašti]: گوشه‌ای است در دستگاه همایون (شوشتری)

مزقون [Mezqun]: به معنی ساز، از اصطلاحات عامیانه مردم کوچه و بازار که از زمان قاجار باب شده است.

مزقونچی [Mezqunci]: به معنی نوازنده، از اصطلاحات عامیانه مردم کوچه و بازار که از عهد قاجار معمول شده است.

مزمار [Mezmār]: مزمار آلتی است چوبی بشکل لوله که نوازنده از یکی از دو انتهای آن بداخل لوله میدمد. مزمار در حقیقت همان نای است.

مژدگانی [Moždgāni]: از ۳۲ دستگاهی است که در ادوار صفی‌الدین، شرح و نامگذاری شده است.

مژده، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Možde]: گروه موسیقی عرفانی مژده به رهبری شهاب و نوازندگانی چون:

شهرام زارع (تنبور)، شب‌نم صیرفی (تنبور)، حسین افضلی (تار) مراد ملک منصور (سه تار)، آسمان مؤیدی (سه تار)، علیرضا منهوبی (کمانچه)، بابک زارع (دف)، سارا افراز (دف) شهاب (آهنگساز، نوازنده تنبور و خواننده) هاتف زعیم (تنبور)، فرامرز درویشی (تنبور)، محمد پناهی (تنبور)، شهریار زارع (دف)، عباس خلجی (خواننده). این گروه در سال ۱۹۹۰ میلادی بوجود آمد.

مژده‌ی، کامبیز [kāmbiz Moždehi]: آهنگساز مشهور قدیمی که از او آهنگ زیبای: جان مریم با صدای محمد نوری در بیات اصفهان قابل ذکر است.

مژگان [Možgān]: از خوانندگان پیش از انقلاب که همکاری نزدیکی با زنده یاد فریدون فرخ زاد داشت.

مستان، احمد [Ahmad Mastân]: نوازنده کنترباس که سالها با برنامه گل‌های رادیو ایران همکاری نزدیکی داشت.

مستزاد [Mostazâd]: نوع پانزدهم از انواع تصنیف‌ها در موسیقی مقامی گذشته.

مستعان، حسین قلی [Hosey Qoli Mostaân]: زنده یاد حسین قلی مستعان نویسنده و از برنامه سازان مشهور رادیو ایران در بدو تأسیس رادیو است. سرودهایی از این هنرمند و نویسنده معروف بجا مانده است از آن جمله؛ از فراغت ای دوست جان به لب رسیده با صدای حسین قوامی و آهنگ مجید وفادار.

مستقیم، وفا [Vafâ Mostaqim]: نوازنده ضرب و پرکاشن و از همکاران آرش خواننده ساکن لس آنجلس.

مستوفی، آزی‌تا [Âzita Mostoufi]: نوازنده چیره دست سنتور که در آلمان زندگی می‌کند.

مستوفی، سید علی محمد [Seyyed Ali Mohammad Mostoufi]: نوازنده چیره دست تار و از شاگردان آقا میرزا عبدالله است.

مستوفی، محمد علی [Mohammad Ali Mostoufi]: نوازنده چیره دست تار و از شاگردان آقا غلام حسین است.

مسجدی، یحیی [Yahyâ Masjedi]: ترانه سرای ساکن لس آنجلس که با اکثر خوانندگان فعال در این شهر همکاری دارد.

مسرور اصفهانی، حسین [Hoseyn Masrur. Esfehâni]: مسرور اصفهانی از شاعرهای معاصر که منظومه ای از او بنام: هنرنامه در مرداد ماه ۱۳۱۲ خورشیدی چاپ شده است.

مسرور، حسین [Hoseyn Masrur]: شاعر و ترانه سرای مشهور که همکاری نزدیکی با زنده یاد
A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdân) I,i ایران (Iran) وات‌های (الفای) نوبن برای درست خواندن

ابراهیم منصوری داشت. پیام عاشق یا شانه از ترانه های ماندگاری است با اجرای بنان که آنرا حسین مسرور سروده است، هم چنین کرشمه پری با صدای دلکش. حسین مسرور همدوره ملک الشعرا بهار و قمرالملوک وزیری بود.

مسرور طالقانی [Masrur Taleqani]: ابوالفضل مسرور طالقانی از شاعران عهد سلطان محمود غزنوی است که ابیات کمی از او باقی مانده است.

مسعود [Maswud]: خواننده جوان ساکن لس آنجلس که از او آلبوم های: چهار فصل تنهایی و بندر سلام در دسترس میباشد. مسعود خواننده ای است که در اجرای ترانه های ترکی استانبولی نیز مهارت بسیاری دارد.

مسعود، حسین [Hoseyn Maswud]: استاد سازنده تار و سه تار. حسین مسعود در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در کرمان بدنیا آمد. پس از پایان تحصیلات وارد خدمت آموزش و پرورش شد و به مدت ۹ سال در بندرعباس و ۴ سال در کرمان مشغول آموزش شد. او سپس به تهران منتقل شده و بعنوان دبیر دبیرستانهای تهران به کار خود ادامه داد. حسین مسعود در شیوه تارسازی، روش استاد یحیی را انتخاب کرده است. او با نواختن سه تار، عود، تار و اکثر سازهای سنتی آشنائی کامل دارد.

مسعود سعد سلمان [Maswud-Sawd Salmán]: شاعر بزرگ ایران در نیمه سده پنجم و آغاز سده ششم و از ارکان استوار شعر پارسی است. مسعود سعد سلمان در لاهور بدنیا آمده ولی اصل نیاکان او از همدان بوده اند. پدرش از بزرگان دوره اول غزنویان بوده است. سال تولد این شاعر گرانقدر بین سالهای ۴۳۸ تا ۴۴۰ هجری بوده است. او در سال ۴۶۹ به دربار غزنویان راه یافت. مسعود سعد بخاطر بدگوئیهای شاعری بنام راشدی در دربار سلطان ابراهیم، به ده سال زندان محکوم شد و سال رهائی او از زندان ۴۸۹ تا ۴۹۰ بوده است. سلطان ابراهیم در سال ۴۹۲ درگذشت و پسرش مسعود به سلطنت رسید و مسعود سعد، دو سه سال او را مدح گفت و بخاطر دوستی بین شاعر و یکی از نزدیکان سلطان، بونصر پارسی، به حکومت چالندر در اطراف لاهور برگزیده شد و چون بونصر پارسی مغضوب و به زندان افتاد، تمامی یاران او دستگیر و به زندان افتادند، مسعود سعد سلمان بار دیگر به زندان افتاد و هشت سال در حبس بود. بنابراین مجموع مدت حبس این شاعر ۱۸ سال بوده است. مسعود سعد سلمان در سال ۵۰۰ هجری آزاد شد و تا آخر عمر (۵۱۵ هجری) به سمت کتابداری مسعود، عضدالدوله شیرزاد بن مسعود، ملک ارسلان بن مسعود و بهرامشاه به مداحی آنان نیز پرداخته است.

آ,â A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکنش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voḡdān) I,i ایران (Irān) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

دیوان اشعار این شاعر یکبار در سال ۱۲۹۶ در تهران و بار دیگر در سال ۱۳۱۸ چاپ شده است و شامل ۱۶ هزار بیت است.

مسعودی غزنوی (رازی) [Maswudi Qaznavi]: در کتاب ترجمان البلاغه که نسخه موجود آن بسال ۵۰۷ هجری تحریر شده، از شاعری بنام مسعودی غزنوی یاد شده است و اشعار او را آورده شده که همان شعرهایی است که در تاریخ بیهقی بنام مسعودی رازی آمده است.

مسعودی، محمد علی [Mohammad Ali Maswudi]: از اعضاء مؤسس انجمن موسیقی ملی ایران در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

مسعودی مروزی [Maswudi Marvazi]: از شاعران اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم است. او نخستین کسی است که شروع به نظم روایات تاریخی و حماسی ایران کرد و شاهنامه منظومی پدید آورد. این شاهنامه در اوایل سده پنجم شهرت و اهمیت داشت و مورد توجه بود.

مسعودی، ملک محمد [Malek Mohammad Maswudi]: خواننده ترانه‌های محلی بختیاری، در بهمن ماه ۱۳۳۱ خورشیدی در بروجن بدنیا آمد. دوران دبستان را در همان شهر و متوسطه را در اصفهان به اتمام رسانید. او به دانشسرای عالی تربیت معلم رفت و لیسانس خود را در رشته زبان انگلیسی دریافت داشت. او مجدداً ادامه تحصیل داده و در رشته مهندسی بهداشت فارغ التحصیل گشت. استادهای او در رشته آواز عبارت بودند از: جلال تاج اصفهانی و زنده یاد اسماعیل مهرتاش. ملک محمد مسعودی بروجنی در حال حاضر مدرس آواز در هنرستان موسیقی اصفهان است.

مسعودی، ناصر [Nāser Maswudi]: ناصر مسعودی خواننده مشهور ترانه‌های گیلانی در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در محله صیقلان رشت بدنیا آمد. در سه سالگی پدرش را از دست داد و پس از مرگ پدر به منزل جدیدی در گذر سوخته تکیه. کوچه مستوفی نقل مکان کرد. در ۱۲ سالگی برای اولین بار با ساز آقای حافظی (با فریدون حافظی نوازنده تار اشتباه نشود)، که از فرهنگیان رشت بود خواند. ناصر مسعودی در سال ۱۳۲۸ به تهران آمد و در خیابان شهباز اقامت گزید و به کلاس موسیقی علی اکبر خان شهنازی در خیابان ناصر خسرو رفت. او در سال ۱۳۳۲ با محمودی خوانساری آشنا شد و به اتفاق او پشت ورزشگاه شماره ۳ شهباز به تمرین آواز و خواندن می پرداخت. ناصر مسعودی در سال ۱۳۳۴ به رشت برگشت و جذب کار تاتر شد و مدت سه سال در کار هنرپیشگی با زنده یاد محمد حسن میلانی که از

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Voklān) V,v O,o Cub) C,c U,u جوب (Zāle) Z,z زاله

هنرمندان و بانیان تاترگیلان بود همکاری نمود. درکنار کار بازیگری در رادیو ارتش بطور زنده هفته‌ای یک ربع آواز می خواند. در سال ۱۳۳۶ که رادیوگیلان افتتاح شد، ناصر مسعودی جزو اولین خوانندگانی بود که در این رادیو برنامه اجرا کرد.

از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ ناصر مسعودی جمعاً ۴۰ ترانه در رشت اجرا می کند، و در سال ۱۳۳۹ به خدمت سربازی رفته و به تهران منتقل و با استاد احمد عبادی و ملوک ضربابی آشنا میشود. مسعودی زیر چتر حمایت استاد عبادی قرار گرفته و به داود پیرنیا معرفی میشود. در سیزده فروردین ۱۳۴۰ ترانه شاد بنفشه و دلواپسی با سنتور زنده یاد رضا ورزنده و ضرب زنده یاد امیرناصر افتتاح و صدای ناصر مسعودی از رادیو ایران پخش میشود.

حاصل ۱۸ سال تلاش ناصر مسعودی در رادیو و تلویزیون، بیش از ۲۰۰ ترانه محلی و غیر محلی است. او ۱۲ اجرا در برنامه برگ سبز، ۲۰ اجرا در برنامه شاخه گل و گلهای صحرایی دارد.

مسعودیه، محمد تقی [Mohammad Taqi Maswudye]: زنده یاد محمد تقی مسعودیه موسیقیدان، پژوهشگر و استاد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران که نقش ارزنده‌ای در معرفی و ثبت موسیقی فولکلوریک ایران ایفا نموده است.

از این هنرمند، کتب متعددی در زمینه موسیقی محلی ایران چاپ و منتشر شده است. استاد مسعودیه در سال ۱۳۰۶ خورشیدی بدنیا آمد. او تحصیلات ابتدائی موسیقی را در هنرستان عالی موسیقی تهران گذراند و در سال ۱۳۳۵ موفق به دریافت لیسانس در رشته هارمونی، کنترپوان گردید. استاد مسعودیه در سال ۱۳۴۲ رشته آهنگسازی را پایان رسانید و در سال ۱۳۴۷ دکترای موزیکولوژی خود را از دانشگاه کلن دریافت کرد. کتاب موسیقی ترکمنی آخرین تحقیق این پژوهشگر و هنرمند عالی قدر است.

مسقطی، اسماعیل [Esmāwil Masqati]: اسماعیل مسقطی در سال ۱۳۰۱ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. او نواختن ساز تار را از پدرش محمد ابراهیم خان آموخت و سپس نزد یحیی زرپنجه که در کرمانشاه کلاس موسیقی داشت رفت و پس از آمدن به تهران نزد استاد مرتضی خان نی داود به تکمیل اندوخته های خود پرداخت. اسماعیل مسقطی، سالها با رادیو تلویزیون کرمانشاه همکاری داشت. او علاوه بر تار که ساز تخصصی اش میباشد، با نواختن ویلن، عود و نی نیز آشنائی دارد و برای خوانندگان مشهور کرمانشاهی نظیر: لُر نژاد، اسماعیل پیر خدری، جمشید عزیز خانی، سابور و... بیش از یکصد آهنگ ساخته است که از مشهورترین آنها میتوان به: کچه کچه، بو بو، مینا مینا، جمیل جمیله، میرزا سراوی، پیپو سلیمانی، تاتی مارگزدم و ای امید دل بابا اشاره داشت.

اسماعیل مسقطی در سال ۱۳۳۳ اقدام به تأسیس کلاس موسیقی در کرمانشاه نمود.

آ,â A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdan) O,o V,v Cub) جوب C,c Z,z زاله (Zale)

مسلم خان، [Moslem Xân]: رئیس موزیک نظمیه در دوران قاجار و همدوره با حاتم خان.

مسنن، حشمت الدوله [Hešmat-ollāh Mosannen]: حشمت اله مسنن موسیقیدان، شاعر و نویسنده در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. از کودکی به فراگیری موسیقی پرداخت و ساز فلوت را انتخاب کرد و در جوانی به ویلن روی آورد و نزد خان باباخان که معلم سرود بود نت خوانی را فرا گرفت. حشمت اله مسنن سه سال از خان باباخان و دانش او بهره برد و سپس به تهران و نزد حسن سرمست رفت و معلم ویلن بعدی او محمود ذوالفنون بود که یکسال و نیم با او کار کرد. بازگشت حشمت اله مسنن به کرمانشاه مصادف با مرگ پدر اوست، لذا او دنبال کار پدر که دندانسازی است را میگیرد و ضمن کار، به گردآوری آهنگهای محلی و ساختن آهنگ مشغول میشود و ۶۲ آهنگ میسازد. او از سال ۱۳۳۰ خورشیدی، همکاری خود را با رادیو ارتش آغاز کرد. حشمت اله مسنن، از اولین نویسندگانی است که در رادیو کرمانشاه، داستانهای رادیویی و نمایشنامه می نوشت.

مسیح کاشانی [Masih Kāšāni]: حکیم رکنای کاشانی متخلص به مسیح از پزشکان و شاعران معروف سده دهم و یازدهم هجری است. پدرش طبیب شاه تهماسب صفوی بود. او نیز به حرفه پزشکی اشتغال داشته است. او مدتها در ملازمت شاه عباس بود و با رنجش شاه از او راهی هندوستان شد و به دربار جلال الدین اکبر شاه رفت و بعد به خدمت شهاب الدین شاه جهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ هجری) درآمد. در سال ۱۰۴۱ هجری او بقصد زیارت مکه و مشهد به ایران بازگشت و در زادگاه خویش کاشان به سال ۱۰۶۶ چشم از جهان فرو بست. از دیوان اشعار او نسخه‌ای به شماره Supp 2087 در کتابخانه ملی پاریس و نسخه‌ای به شماره Add 7815 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری می شود.

مسیحی [Masihi]: گوشه ای است در دستگاه های سه گاه، نوا و آواز افشاری.



مسیحی فوشنجی [Masihi Fušanji] مولانا صفی الدین مسیحی فوشنجی از قصبه پوشنگ هرات

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

است که تحت تعلیم میرزا بایسنقر (۸۳۷ هجری) قرار گرفت. دیوان این شاعر حاوی سه هزار بیت است و وفاتش در سال ۸۵۳ هجری اتفاق افتاده است.

مشایخی، ویدا [vidá Mašâyexi]: گردآورنده «کتاب شناسی موسیقی» از انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیا در وابسته به یونسکو که کتاب او در سال ۱۳۵۵ خورشیدی در تهران چاپ شده است.

مشتاق، شاه مراد [Šáh Morád Moštâq]: شاه مراد مشاق، متخلص به شامی در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در کرمانشاه به دنیا آمد. در ۳/۵ سالگی چشمانش را از دست داد. دیوان اشعار این شاعر چند روز پس از مرگش توسط انتشارات سروش در سال ۱۳۶۲ چاپ شد.

مشتاق، علی شاه [Ali Šáh Moštâq]: از موسیقیدانهای مشهور دوره زندیه است که با افزودن یک سیم بنام سیم زنگ به سه تار، این ساز را چهار سیمه ساخت. علی شاه مشتاق در سال ۱۲۰۶ هجری مطابق با ۱۷۸۷ میلادی به دستور امام جمعه کرمان محارب با خدا شناخته شد و سنگسار گشت.

مشتاق، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Moštâq]: گروه موسیقی سنتی مشتاق تهران از اعضای زیر تشکیل و در ایران از فعالیت خوبی برخوردار است.

بهمن احدی (تار)، کمال الدین فرهنگ (سنتور و دف)، سید رضا خوانساریان (عود)، حسین فیض (نی)، رضا فراهانی (تار) عبدالخالق سامانی (کمانچه)، محمد اربابی (تنبک)، فرشید غریب نژاد (دف) و خسرو عامری (خواننده و سرپرست گروه)
این گروه در سال ۱۳۵۶ به سرپرستی جلیل عندلیبی تشکیل گردید.

مشتاق، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Moštâq]: گروه موسیقی فعال در کرمانشاه به سرپرستی سیاوش نورپور.

مشتی خانم [Moštari Xânom]: یکی از زنان فتح علیشاه (زن چهل و چهارم، اهل شیراز) که در علم موسیقی مهارت داشته و صدای بسیار خوبی هم داشته است. این هنرمند یکصد سال عمر نمود. مشتق خانم را به نام مشتق باجی می شناسند.

مشته [Mošte]: سازی است بادی که به آن شنگ نیز گویند. ساختمان این ساز تشکیل میشود از

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zâle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

تعدادی نای به اندازه های گوناگون که اگر یک سر نایها در محفظه ای کاسه مانند قرار گیرد به آن مشته یا مشتک یا مشتق گویند.

بر روی یک جام سمین زرکوب عهد ساسانی، نوازنده ای حک شده که سرگرم نواختن این ساز است.



مشحون، حسن [Hasan Mašhun]: حسن مشحون در سال ۱۲۸۵ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی و اخذ لیسانس در تاریخ و جغرافیا به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد. او از شاگردان حسین هنگ آفرین بود. زنده یاد حسن مشحون سه تار و تار را بخوبی می نواخت و کتابی در خصوص تاریخ موسیقی نوشته است. زنده یاد مشحون در خرداد ماه ۱۳۵۹ چشم از جهان فرو بست.

مشرقی مشهدی [Mašreqi Mašhadi]: میرزا ملک مشرقی از شاعران و منشیان معروف عهد شاه عباس بزرگ است. او در مشهد بزرگ و تربیت شده است. آغاز شاعری را در هرات گذرانده و سپس بدربار شاه عباس بزرگ راه یافته است. دیوان او چهار هزار بیت شعر دارد که تحت شماره Add 7800 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود.

مشعونی، علیرضا [Alirezā Mašwuni]: علیرضا مشعونی نوازنده ضرب در سال ۱۳۳۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. دوران ابتدائی را در دبستان ابوذر و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان دیانت جوادیه راه آهن به پایان رساند. از ۶ سالگی به موسیقی روی آورد. او در کودکی با خرید تنبکی به مبلغ ۳۰ ریال تمرین های خود را آغاز نمود. او بعد از اعضاء ارکستر فرهنگ و هنر شد. در سال ۱۳۶۰ به کلاس استاد امیر ناصر افتتاح رفت و مدتها از آموزش محمود فرهمند بافی بهره برد. علیرضا مشعونی در حال حاضر به تعلیم شاگرد اشتغال دارد.

مشفق کاشانی [Mošfeq Kašāni]: عباس کی منش، متخلص به مشفق کاشانی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در کاشان بدنیا آمد. او یکی از غزل سرایان و شاعران معاصر است که تاکنون بیش از چهل هزار بیت شعر سروده و مجموعه هائی از آن بنامهای «شبا هنگ»، «خاطرات»، «اشک ها» و سرود زندگی چاپ

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I, i (Voklan) وحدان V, v O, o (Zale) زاله Z, z (Xayyam) خیام X, x Y, y (Qarq) غرق Q, q جمع (Jamw) W, w J, j سرکش (Sarkes) S, s K, k Š, š آدم (Adam) Ā, ā A, a (Cub) جوب C, c U, u (Zale) زاله Z, z

و منتشر شده است.

مشهدی حاجی [Hāgi Mašhadi]: از خوانندگان و تعزیه خوان های عهد قاجار است که به شغل آهنگوبی (آهنگری) اشتغال داشت.

مشهدی روح اله [Mašhadi Ruh-ollāh]: از خوانندگان اواخر دوره قاجاریه و اوایل عصر پهلوی. شغل اصلی او سمساری بود.

مشهدی علی حسن [Mašhadi Ali Hasan]: نوازنده مشهور کمانچه در عهد مظفرالدین شاه که بخاطر حرفه بنائی به مشهدی علی حسن بناء اشتهار داشت.

مشکاتیان، پرویز [Parviz Meškātyān]: پرویز مشکاتیان در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۳۴ خورشیدی در نیشابور بدنیا آمد. او از ۶ سالگی به فراگیری موسیقی پرداخت و به سنتور روی آورد. او در ۸ سالگی، اولین کنسرت خود را در دبستان امیر معزی نیشابور انجام داد.

پس از اتمام دوران متوسطه، او به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و ردیف های موسیقی سنتی ایران (ردیف های آقامیرزا عبدالله) را نزد زنده یاد نورعلی خان برومند و دکتر داریوش صفوت آموخت. او در آزمون باربد در رشته سنتور با پشنگ کامکار به مقام نخست و در کل آزمون به مقام ممتاز با داریوش طلائی رسید. او پس از کناره گیری از رادیو تلویزیون، مؤسسه فرهنگی و هنری چاووش را بنیاد نهاد. از این هنرمند دو کتاب به نامهای: بیست قطعه و دستور سنتور چاپ و منتشر شده است. از ترانه های معروفی که آهنگ آنها را پرویز مشکاتیان ساخته میتوان به: جان جهان، شیدائی، رزم مشترک، ای یوسف خوشنام ما و یاری اندر کس نمی بینم با صدای محمد رضا شجریان اشاره داشت

مشکاتیان، حسن [Hosan Meškātyān]: نوازنده چیره دست تار و سنتور و پدر پرویز مشکاتیان، استاد ممتاز دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.

مشکدانه [Moškdāne]: نام لحنی از الحان موسیقی منسوب به باربد در عهد ساسانی (لحن بیست و دوم) است.

مشکمالی [Moškmāli]: از الحان موسیقی در دوره ساسانی. لحن بیست و چهارم باربد.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران I,i وچدان (Vojdān) O,o V,v جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

مشکوة، فرهاد [Farhād Meškāt]: آهنگساز، رهبر ارکستر سنفونیک تهران و ارکستر مجلسی رادیو و تلویزیون ملی ایران پیش از انقلاب، در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در آلمان بدنیا آمد. او پس از چندی به تهران آمد و در ۸ سالگی جهت تحصیل به سوئیس رفت و پس از یکسال فراگیری ویلن، فراگیری موسیقی را در کنسرواتوار ژنو زیر نظر پروفیسور پل میشن آغاز نمود. او پس از ده سال تحصیل در سوئیس عازم آمریکا (نیویورک) شد و در دانشگاه آلفای به تحصیل در رشته اقتصاد پرداخت. او بعدها به ایتالیا رفت و در زمینه ساخت موزیک متن فیلم به موفقیت های چشمگیری نائل آمد. او در سال ۱۳۴۷ به ایران بازگشت و رهبری ارکستر های مجلسی و سنفونیک تهران را به عهده گرفت. این هنرمند در زمینه ساخت موزیک متن برای فیلم های فارسی نیز اقدام کرده که میتوان به فیلم: اسرار گنج دره جنی، ساخته ابراهیم گلستان، با شرکت پرویز صیاد اشاره داشت.

مشکویه [Moškuye]: از الحان موسیقی قدیم ایران که بارید برای هر روز از سال ساخته بود و بیستمین لحنی است که در خسرو و شیرین نظامی ثبت شده است. نام های دیگر این لحن عبارتند از: مشکوی و مشکوئی.

مشکین، اکبر [Akbar Meškin]: از فارغ التحصیلان دوره دوم هنرستان هنرپیشگی و شاگرد کلاس تاتر نوشین بود. او ویلن و پیانو را بخوبی می نواخت.

مشیر معظم افشار، ابوالحسن [Abol-hason Mošir Mowazam Afsār]: ابوالحسن مشیر معظم افشار در سال ۱۲۸۲ خورشیدی در شیراز بدنیا آمد. پدر او، سازهای تار و سه تار را بخوبی می نواخت و موسیقی را نزد غلام حسین درویش فرا گرفته بود. ابوالحسن در هشت سالگی نواختن تار را نزد پدرش آغاز کرد. او در سال ۱۳۱۴ به تهران آمد و دیداری داشت با استاد ابوالحسن صبا که انگیزه ای شد برای تمرین های سخت او. زنده یاد مشیر معظم افشار در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۷۵ چشم از جهان فرو بست.

مشیر معظم افشار، عبدالله [Abdollah Mošir Mowazam Afsār]: زنده یاد عبدالله مشیر معظم افشار، نوازنده چیره دست تار و سه تار و از شاگردان زنده یاد غلامحسین درویش است. این هنرمند، پدر ابوالحسن مشیر معظم افشار است.

مشیرهمایون شهردار، حبیب‌اله [Habib-olláh Mošir Homáyun Šáhrdár]: مشیر همایون شهردار فرزند نصراله خان سپهسالار در سال ۱۲۶۴ خورشیدی بدنیا آمد. از کودکی نزد آقا بزرگ، صاحب منصب قزاقخانه، آقا حسین قلی، حسین خان کمانچه کش و محمد صادق سنتور نواز مشق موسیقی گرفت. او در ۲۴ سالگی برای پُر کردن صفحه با دیگر نوازندگان مشهور آن زمان به لندن رفت. او تحصیلات خود را در مدرسه آلیانس بپایان رسانید.

مدتی قاضی دادگستری بود و سپس معاون اداره آگاهی شد و زمانی دادستان دادگستری اصفهان بود و دهها پست و مقام در دادگستری و وزارت کشور و ثبت و احوال و ذوب آهن داشت. مشیرهمایون شهردار از ۶ سالگی، نواختن پیانو را آغاز کرد. او پیانو را به سبک سنتور میزد. او ردیف های موسیقی سنتی را بوسیله سنتور آموخت و آنرا روی پیانو پیاده کرد. مشیرهمایون شهردار در سال ۱۳۲۰ خورشیدی بازنشسته شد. با تأسیس رادیو، با این سازمان همکاری نزدیکی را آغاز نمود. او سالها عضو شورای موسیقی بود. این هنرمند در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۴۸ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

مشیری، فریدون [Fereydun Moširi]: زنده یاد فریدون مشیری شاعر برجسته معاصر در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. دوره ابتدائی و متوسطه را در مشهد و تهران به پایان رساند و سپس به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رفت. در ۱۸ سالگی آثارش بطور پراکنده در مطبوعات به چاپ رسید. از فریدون مشیری کتابهای زیر بجا مانده است. تشنه طوفان (۱۳۳۴)، گناه دریا (۱۳۳۵)، نا یافته (۱۳۳۶)، ابر (۱۳۴۰)، ابر و کوجه (۱۳۴۶)، از خاموشی (۱۳۵۶)، از دیار آشتی (۱۳۷۱) و آه باران (۱۳۷۵). فریدون مشیری در سوم آبان ماه ۱۳۷۹ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

مصدق، حمید [Hamid Mosaddeq]: شاعر آزاده و آزادیخواه. زنده یاد حمید مصدق در ۱۰ بهمن ۱۳۱۸ خورشیدی در شهرضا اصفهان بدنیا آمد. دوران دبستان و دبیرستان را در شهرضا و اصفهان گذراند و در سال ۱۳۳۸ به تهران آمد و رشته بازرگانی مؤسسه علوم اداری و بازرگانی را پایان برد. او سپس از دانشگاه تهران، لیسانس حقوق و از دانشگاه ملی، فوق لیسانس حقوق را دریافت کرد. حمید مصدق از سال ۱۳۵۰ به عضویت هیئت علمی دانشگاه درآمد و از سال ۱۳۵۷ به کار وکالت روی آورد.

اولین اثر حمید مصدق «درفش کاویانی» بود که این منظومه در سال ۱۳۴۰ منتشر شد و در همان سال توقیف گردید.

این کتاب در سال ۵۷ چاپ مجدد گردید. منظومه «آبی، خاکستری، سیاه» او در سال ۱۳۴۴ چاپ و انتشار

A,a A,ā آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

یافت که با استقبال زیادی مواجه گردید. تمامی آثار حمید مصدق در اسفند ماه ۱۳۶۹ در یک مجموعه بنام «تا رهائی» چاپ شده است. حمید مصدق در اشعارش همواره از درد ملت سخن رانده است. این شاعر گرانقدر در سال ۱۳۷۷ چشم از جهان فرو بست.

مصراع [Mesraw]: به نیمه ای از یک بیت اطلاق میشود.

مصطفی زاده، بهمن [Bahman Mostafā-zāde]: خواننده مشهور که همکاری نزدیکی با آهنگساز و نوازنده مشهور کاظم عالمی دارد. از این خواننده، آلبوم های صدای پای آب و بهار آرزو در دسترس میباشد. بهمن مصطفی زاده در سال ۱۹۵۶ میلادی در تهران بدنیا آمد. دوران دبیرستان را در تهران به پایان رسانید، سپس به اروپا رفت و در حال حاضر در آمریکا فعالیت دارد. عشق به موسیقی از دوران کودکی در او وجود داشت ولی کار جدی خوانندگی را از سال ۱۹۸۴ آغاز کرد. اولین آلبوم او: بهار آرزو نام داشت.

مصطفی زاده، مصطفی [Mostafā Mostafā-zāde]: مصطفی مصطفی زاده در سال ۱۳۱۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او از نو جوانی به کارهای فنی علاقه بسیاری داشت و این امر باعث شد تا او به استودیو کاروان فیلم کشانیده شود و در قسمت های مختلف به امور فنی و برق بپردازد. او پس از چندی توسط مهندس فرهوشی رسماً به کار صدا برداری و صدا گذاری روی آورد و به استودیو خاورمیانه در داودیه شمیران رفت و نزد جلال مغازه ای به کار صدا برداری و صدا گذاری پرداخت. مصطفی زاده هفت سال در این استودیو کار کرد و بعد از آن به استودیو سایه که سرپرستی آنرا هوشنگ لطیف پور داشت، رفت.

پس از کسب دانش، خود اقدام به تأسیس استودیو الوند نمود. محل این استودیو در خیابان کوشک تهران بود. مصطفی زاده در بهار ۱۳۸۰ بر اثر سکته مغزی در تهران، چشم از جهان فرو بست.

مصلی نژاد، شکراله [Šokr-ollāh Mosallā-nejād]: شکراله مصلی نژاد از هنرمند و صنعتگران مشهور و قدیمی شیراز است. او در سال ۱۲۷۷ خورشیدی در جهرم بدنیا آمد. از کودکی به موسیقی روی آورد و به تنها ساز جهرم در آن زمان که تار بود دل بست. در سال ۱۳۰۰ خورشیدی، او اقدام به ساختن تار در جهرم نمود و اینک او از آخرین بازمانده های نسل قدیم تار ساز در ایران است.

مصلی نژاد، مسعود [Maswud Mosallā-nejād]: مسعود مصلی نژاد در سال ۱۳۳۷

آ, a آ, a آدم (Adam) S, s K, k Š, š سرکش (Sarkes) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I, i (Voklan) وجدان O, o V, v (Cub) جوب U, u C, c (Zale) زاله Z, z

خورشیدی در جهرم بدنیا آمد. او فرزند دوم استاد شکراله مصلی نژاد، صنعتگر و سازنده مشهور تار است که به این حرفه اشتغال دارد. مسعود مصلی نژاد از تار سازان مشهور امروز ایران است.

مصلی نژاد، منصور [Mansur Mosallā-nejād]: منصور مصلی نژاد فرزند استاد شکراله مصلی نژاد در سال ۱۳۳۳ در جهرم بدنیا آمد. او پیشه پدر که تار سازی بود انتخاب کرده و اینک در زمره تار سازان مشهور است.

مُصیب (غریبی)، [Mosayeb]: از آوازه‌های مهم در موسیقی کاشمر خراسان.

مضاف الی الایقاع، کتاب [Mozáf elaleygáh]: کتابی است که در سده سوم هجری توسط ابونصر محمد فارابی راجع به موسیقی نوشته شده است.

مضرب [Mezrâb]: آلتی که بوسیله آن، بعضی سازها را بصدا در می‌آورند. در فارسی به آن زخمه، سکافه، شکافه و سکافره نیز گویند.

مضرب پران [Mezrâb Parân]: طریقه‌ای از مضرب نوازی در سازهای مضربی.

مضرب سنتور [Mezrâbe Santur]: مضرب سنتور معمولاً از جنس چوبهای نرم نظیر بوته گل سرخ، گلایی و ازگیل است. طول مضرب سنتور حدود ۲۳ سانتی متر است که از سه قسمت سر، ساقه و حلقه تشکیل شده است.

مضرب سه تار [Mezrâbe Setâr]: سه تار، ساز زهی مضربی، با ناخن انگشت سیابه (اول) دست راست نواخته میشود. بلندی ناخن نوازنده از چند میلی متر بالاتر از پوست دست تجاوز نمی کند.

مضرب عود [Mezrâbe ud]: مضربی که با آن عود را می نوازند و طول آن ۱۲ سانتی متر و از جنس پر پرندگانی چون طاووس، مرغ و یا عقاب است.

مضرب قانون [Mezrâbe Qânun]: قطعه کوچکی از شاخ گاو، گوزن و یا بزکوهی است طول آن ۵ و عرض آن یک سانتی متر است.

مضرب گذاری [Mezrâb gozâri]: برای سهولت در اجرای قطعات موسیقی علائمی بکار میرود که معرف اجرای نت یا مضرب تعیین شده است. در کلیه سازهای ایرانی نظیر: تار، سنتور، عود،... علامت ۸ (عدد هشت) معرف مضرب راست و علامت ۷ (عدد هفت) معرف مضرب چپ است.

مطبوعی، ایران [Iran Matbuwi]: لطفاً به فرح انگیز نگاه کنید.

مطرب [Motreb]: موسیقیدان یا رامشگر است، اعم از خواننده، نوازنده، و آهنگساز. کار مطرب، دگرگون کردن حال شنونده است. در قدیم، مطرب به کسی اطلاق میشد که از راه موسیقی امرار معاش کند.

در یکصد و اندی سال گذشته مطربها را به سه گروه تقسیم بندی کرده بودند. مطربهای در باری که بنام عمله طرب خاص نامیده میشدند و دو گروه دیگر؛ مطربهای روحوضی و مطربهای دوره گرد بودند.

مطلب خان [Motlab xân]: نوازنده مشهور کمانچه در دوره قاجاریه و پدر محمد صادق خان نوازنده بنام سبنتور.

مطلب، رضا [Rezâ Motlab]: نوازنده چیره دست گیتار باس که در لس آنجلس فعالیت دارد.

مطیع الدوله حجازی، محمد [Mohammad Motiw-oddole Hejâzi]: نوازنده ویلن و سه تار، نویسنده خوش ذوق و با قریحه و از نزدیکان استاد کلنل وزیری.

مظاهری، اورانوس [Urânus Mazâheri]: هنرمند ساکن کالیفرنیا که در زمینه ادبیات و موسیقی کودکان همراه با سرایش و خواندن فعالیت دارد.

مظفر خوافی [Mozaffar-xâfi]: مولانا شهاب الدین مظفر خوافی از شاعران معروف سده هشتم هجری است. او به پادشاهان آل کرت اختصاص داشت و در خدمت آنان در هرات میزیست. سال وفات این شاعر ۷۸۱ هجری ثبت شده است.

مظفر گلپایگانی [Mozaffar Golpâygâni]: از موسیقیدانهای مشهور دوره صفویه.

آ,â A,a آدم (Âdam) S,s K,k Ş,ş سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 ژ,z زاله (Zâle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voklân) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

مظفری، رمضان [Ramazân Mozaffari]: رمضان مظفری در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در روستای سرنافوچ، قوچان بدنیا آمد. او از خوانندگان و نوازندگان مشهور دایره در شمال خراسان است.

مظفری، نورالهدی [Nur-ol-hodâ Mozffari]: (پرخیده): از هنرمندان پُرکار و فعال تاتر و سینما که از صدای زیبایی بهره مند بود. او در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و فعالیت هنری خود را در سال ۱۳۰۸ با گروه هنری احمد صفوی آغاز کرد. پس از آن در گروه تاتر حسین خیر خواه در سال ۱۳۱۰ فعالیت کرد. پرخیده، همسر حمید وفادار بود که در ارکستر او آواز می خواند. از پرخیده صفحه و نوارهایی وجود دارد که نشانه ذوق و قدرت اجرایی اوست. پرخیده در سال ۱۳۴۴ پس از یک عمل جراحی قلب در تهران چشم از جهان فرو بست.

معارفی، پوراندهخت [Purândox Moârefi]: از خوانندگان پیش از انقلاب که در تهران و در رادیو ایران فعالیت داشت.

معارفی، عبدالله [Abdollah Moârefi]: عبدالله معارفی در سال ۱۲۷۱ خورشیدی در تهران بدنیا آمد.

او در نواختن تار، سه تار و ویلن مهارت خوبی داشت. این هنرمند در سال ۱۳۲۳، در سن ۵۲ سالگی چشم از جهان فرو بست.

معارفی، مسعود [Maswud Moârefi]: ویلن نواز مشهور قدیمی. مسعود معارفی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او به اتفاق برادرانش، منصور و منوچهر تشکیل ارکستر برادران معارفی را دادند. ساز تخصصی او ویلن بود. این سه برادر، فرزندان عبدالله خان معارفی (شمس الملکی) هستند. مسعود معارفی در سال ۱۳۶۷ چشم از جهان فرو بست.

معارفی، منصور [Mamsur Moârefi]: نوازنده چیره دست تار و همدوره با سلیمان روح افزا، و حمید وفادار. او سالها در ارکستر فرهنگ و هنر قزوین با هدایت اله خیرخواه سرپرست این ارکستر همکاری می کرد.

منصور معارفی در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او به اتفاق دو برادرش مسعود و منوچهر برنامه های خود را در رادیو با عنوان: برادران معارفی اجرا می کردند. ارکستر آنها در سال ۱۳۳۲ به واسطه

آ,â A,a آدم (Âdam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam) وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c Z,z زاله (Zale)

اختلافی که با مسئولین رادیو پیدا کرد، از اجرای برنامه در رادیو خودداری نمود. زنده یاد منصور معارفی در سال ۱۳۶۳ چشم از جهان فرو بست.

معارفی، منوچهر [Manacehr Moārefi]: منوچهر معارفی نوازنده چیره دست تار و از اعضای ارکستر برادران معارفی است که با دو برادرش، منصور و مسعود تشکیل ارکستر برادران معارفی را داده بودند. او فرزند عبدالله خان معارفی است.

معارفی، ناصر [Māser Moārefi]: ناصر معارفی، موسیقیدان و نوازنده مشهور در سال ۱۲۸۶ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او ویلن را از پدرش آموخت. در اثر حادثه‌ای دست راستش آسیب دید و فلج گردید ولی او با دست چپ نوازندگی کرد. او با روحیه‌ای فوق العاده در سال ۱۳۰۵، اقدام به تأسیس کلاس موسیقی نمود و شاگردان بسیاری را تعلیم داد. او به اتفاق برادران هنرمند خود؛ منصور، مسعود و منوچهر ارکستر برادران معارفی را تشکیل داد. ناصر معارفی در سال ۱۳۶۱ چشم از جهان فرو بست.

معاون، سید عباس [Seyyed Abbās Moāven]: از خوانندگان مشهور در زمان ناصرالدین شاه و از خاندان سید عزیز ملک بود که در خوانندگی به مقام استادی رسید.

معاونیان، بهروز [Behruz Moāvenyān]: بهروز معاونیان از صدا برداران با تجربه در تهران، در سال ۱۳۳۶ خورشیدی در تربت حیدریه بدنیا آمد. او در سال ۱۳۵۵ وارد دانشکده رادیو و تلویزیون شد و پس از فارغ التحصیل شدن به خدمت این سازمان درآمد.

معمدالدوله، عبدالعلی [Abdolali Mowtamed-oddole]: استاد تار در زمان محمد شاه و فتح علیشاه بوده است.

معمدالدوله نشاط [Mowtamed-olddole Nešāt]: شاعر مشهور معاصر که غزلهای او معروف است.

معمد وزیری، یحیی [Yahyā Mowtamed Vaziri]: از خوانندگان مشهور قدیمی و همدوره و همکار با جواد بدیع زاده، احمد آشورپور و غلامحسین بنان. یحیی معمّد وزیری بیشتر به اجرای آهنگهای محلی می پرداخت. از ترانه های ماندگار این خواننده میتوان به «دوبدو»، «اگر باران»،
 Jamw جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam) Sarkes سرکش (Sarkes) J,j W,w S,s K,k S,s آدم (Adam) A,a آدَم (Ādam) Z,z وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وِحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u Z,z زاله (Zāle) Z,z

«خالورگار»، «آی شل» و «بیاد شیراز» اشاره شده است.

معتمدی، مهین دخت [Mahindoxst Mowtamedi]: نوازنده ویلن، شاعر و دارای مدرک دکترای از دانشگاه تهران در رشته ادبیات که در سنندج از شاگردان هنرمند گرانقدر حسن یوسف زمانی بود. (سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی).

معراج، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Mewrāj]: به سرپرستی تورج زاهدی که در تهران فعالیت دارد.

مُعرَبِد [Moarbed]: گوشه‌ای است در دستگاه‌های سه‌گاه و چهارگاه.



معروف [Mawruf]: نام گوشه‌ای است از شعبه همایون. گوشه دیگر؛ پستای صفاهان بوده است. این گوشه در ردیف موسیقی امروزی وجود ندارد.

معروفی بلخی [Mawrufi Balxi]: ابو عبدالله محمد بن حسن معروفی بلخی از شاعران عهد سامانی و امیر رشید عبدالملک بن نوح را مدح می‌گفته است، بنابراین در نیمه اول سده چهارم میزیسته است.

معروفی، جواد [Javād Mawrufi]: استاد بنام و بزرگ پیانو جواد معروفی در سال ۱۲۹۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پدر او موسی خان معروفی است که از شاگردان ممتاز کلنل وزیری و درویش خان بشمار میرود. او در کودکی نواختن پیانو را تحت نظر پدر آغاز کرد؛ و از ابتدای تأسیس رادیو با این سازمان همکاری نمود، او نوازنده و رهبر ارکستر گلهای رادیو ایران بود.

بسیاری از آهنگهای شیدا و عارف توسط او تنظیم شده است. جواد معروفی تحصیلات خود را در هنرستان عالی موسیقی دنبال کرد و از این مدرسه فارغ‌التحصیل شد. از زیباترین آهنگهای او میتوان به

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voklan) I,i ایران (Iran) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

خوابهای طلائی و فانتزی ژایلا، راپسودی اصفهان و دیلمان اشاره داشت. او ابتداء تار می نواخت ولی پس از چند سال، سازش را عوض کرد و به پیانو روی آورد. جواد معروفی در سال ۱۳۱۲ به خدمت فرهنگ درآمد و هنرآموز موسیقی شد. او از آغاز تأسیس انجمن موسیقی، سلولیسیت ارکستر آن انجمن بود. معروفی اولین کسی است که قطعاتی در موسیقی ایرانی برای پیانو نوشته است. موزیک متن فیلم: طلوع ساخته جواد معروفی است.

معروفی، موسی [Musā Mawruḥi]: استاد موسی معروفی در سال ۱۲۶۸ خورشیدی بدنیا آمد، او یکی از بهترین شاگردان مکتب درویش خان بود و مبادی اصل نوازندگی تار و ردیف های موسیقی را به شیوه آن استاد آموخت. خط موسیقی را از حسین خان هنگ آفرین فراگرفت. در سال ۱۳۰۲ که استاد علی نقی وزیری مدرسه موسیقی را تأسیس کرد. استاد معروفی جزء اولین کسانی بود که در آن مدرسه نام نویسی کرد. او بیش از هر فردی در راه جمع آوری ردیف های سنتی ایران کار کرد و کتاب مفصل هفت دستگاه موسیقی ایران او در دسترس هنرجویان قرار دارد.

موسی معروفی، فرزند امین الملک است که در تهران بدنیا آمد. او نزد آقا یوسف صورتگر از عکاسان خاصه دربار ناصرالدین شاه، نواختن سه تار را آموخت. پس از آن به مکتب درویش خان رفت و توانست از این استاد گرانقدر نشان تبرزین طلا را دریافت کند. نوشتن ردیف های موسیقی به نت، سی سال از وقت این هنرمند گرانقدر را گرفت. در این سالها یاوران او عبارت بودند از: دکتر لطفاله مفخم پایان و محمد بهارلو. شیوه نوازندگی موسی خان تا سال ۱۳۰۲، همان شیوه سنتی میرزا حسین قلی و درویش خان بود و از آن سال به بعد تحت تأثیر مدرسه موسیقی کلنل وزیری تغییراتی در آن حاصل شد. موسی خان در ابتداء تأسیس رادیو با این سازمان همکاری داشت. او سالها در هنرستان موسیقی ملی تدریس می کرد. استاد موسی معروفی و کار ارزنده او در جمع آوری ردیف های موسیقی سنتی را ارج نگذاشتند و او در اوج دلسردی و دلمردگی در شهریور ماه ۱۳۴۴ خورشیدی چشم از جهان فرو بست. استاد معروفی در امر تعلیم؛ مهربان و پُرحوصله بود.

معزالدین کاشانی [Moez-eddin Kāshāni]: از شاعران مشهور ایران که در موسیقی نیز وارد بود. او در کاشان بدنیا آمد و بعدها برای خدمت به اکبر شاه تیموری رهسپار هندوستان شد.

معززی [Esmāwīl Mowazezi]: اسماعیل معززی نوازنده مشهور دوتار در علی آباد کتول مازندران.

معزی [Mowezi]: امیرالشعرا ابو عبدالله معزی نیشابوری از شاعران نام دار خراسان در سده پنجم

A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

هجری و مداح ملک‌شاه سلجوقی بوده است. معزی شاعری بزرگ بوده که دیگر شاعران و سخن‌سنان به استادی و عظمت مقام او اشاره کرده‌اند.

خاصیت عمده شعر معزی، سادگی آنست. شماره ابیات موجود او به نوزده هزار میرسد. معزی در سال ۵۲۱ هجری بدست باطنیان کشته شد.

معشوق [Mawsuq]: از ۲۲ دستگاهی است که در ادوار صفی‌الدین، شرح و نامگذاری شده است، (سیزدهمین مقام).

معصوم کمانچه‌ای [Mawsum Kamāncei]: نوازنده چیره دست کمانچه در دوران صفویه که زادگاهش ورامین بود.

معکوس فواصل [Mawkuse Faváse]: اگر نت بم تریک فاصله، یک هنگام بالاتر برده شود و یا اگر نت زیرتر یک فاصله، یک هنگام پائین تر نوشته شود، فاصله معکوس ساخته میشود.

معلم، محمد علی [Mohammad Ali Mowalem]: ترانه سرای فعال ساکن تهران که همکاری نزدیکی با حسین زمان دارد.

معین [Mowin]: معین خواننده مشهور ایران در اصفهان بدنیا آمد. اولین بار در مدرسه روی صحنه رفت و آهنگی از ایرج را خواند که او در فیلم گنج قارون خوانده بود و مورد تشویق فراوان قرار گرفت. او ترانه‌های دیگری از ایرج و دلکش اجرا کرد. دامنه آواز خواندن او از مدرسه به بیرون کشیده شد، و به اجرای برنامه در یک کاباره کوچک در اصفهان رسید. در کاباره آهنگهای ایرج، مرضیه و دلکش را خواند. در زمان تغییر رژیم در سال ۱۳۵۷، معین آهنگی از جهان بخش پازوکی بنام: وقتی که تورفتی و هم چنین یکی را دوست میدارم را اجرا کرد.

شعر ترانه یکی را دوست میدارم، از سروده‌های مسعود امینی است. جو ایران پس از سقوط رژیم پهلوی برای فعالیت معین مناسب نبود، و او با دوست صمیمی‌اش سیروس سادات، ایران را ترک می‌کند و به دبی میرود و از آنجا به اسپانیا رفت و یکسال آنجا ماند. در آن زمان آوازه ترانه یکی را دوست میدارم به همه جا رسیده بود. پس از اسپانیا او همراه با سیروس سادات به آمریکا آمد و اولین آلبوم خود را به نام «می پرستم» اجرا و روانه بازار نمود. معین از فعال‌ترین و پُرکارترین خوانندگان خارج از کشور بشمار میرود. او در جنوب کالیفرنیا زندگی می‌کند.

آ,ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران I,i (Iran) وحدان V,v O,o (Vokdan) جوب C,c U,u (Cub) زاله Z,z (Zale)

معین البكاء [Mowin Al-bakaw] تعزیه گردان تکیه دولت در زمان قاجاریه بود. او اطلاعات کافی راجع به موسیقی داشت و در تلاش بود که جوانان خوش صدا و با استعداد را از اقصای نقاط ایران به تهران بیاورد و تعلیم بدهد.

معین جویینی [Mowine Joveyni]: مولانا معین الدین جویینی، از شاعران و نویسندگان سده هشتم در خراسان است. در بیست سالگی در عهد سلطان ابوسعید بهادر (۷۳۶ هجری) از خراسان به عراق و آذربایجان سفر کرد و مورد لطف خواجه رشیدالدین فضل اله وزیر قرار گرفت مدتی در همدان اقامت گزید و بار دیگر به خراسان بازگشت. سال وفات او ۷۸۱ هجری در زادگاهش جویین اتفاق افتاد. از آثار او میتوان به کتاب «نگارستان» اشاره داشت.

معینیان، نصرت اله [Nosrat-ollāh Mowinyān]: وزیر اطلاعات که نظارت بر اجرا و پخش موسیقی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۵ خورشیدی از رادیو ایران را داشت.

معینی، رضا [Rezā Mowini]: گوینده خوش صدا برنامه گلهای رادیو ایران و از تار نوازان چیره دست که در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او نت خوانی و نواختن صحیح تار را از استاد موسی خان معروفی آموخت.

معینی کرمانشاهی، رحیم [Rahim Mowinye Kermānsāhi]: رحیم معینی کرمانشاهی شاعر و ترانه سرای مشهور در ۱۳۰۴ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. اولین تصنیف او «ای وطن پرستان» نام داشت که توسط خانم روح بخش اجرا شد. او برای اولین بار زبان تمثیل را در ترانه بکار برد که آغازگران ترانه: آبشار با صدای یاسمین بود که آهنگ آنرا بزرگ لشگری ساخت. ترانه بعدی او «طاووس» با صدای مرضیه بود که آهنگ آنرا پرویز یاحقی ساخت. در کنار ترانه های تمثیلی، معینی کرمانشاهی به سرودن ترانه های عرفانی نیز پرداخت. نمونه این گونه ترانه ها «آشنای من» در سال ۱۳۳۴ است. از کارهای دیگر این شاعر گرانقدر، سرودن ترانه هایی با مضامین جهانی است. ترانه سپید و سیاه او تازشی است بر رنگ پرستی و تبیعض نژادی. معینی کرمانشاهی در کنار شاعری و ترانه سرایی، ۱۶ سال به هنر نقاشی پرداخت.

از ترانه های ماندگار معینی کرمانشاهی میتوان به: خانه دل، با صدای سیمین غانم، بس کن، سفر کرده، گوشه گیر، بگذشته، پشیمان شدم، یاد کودکی، قسمت من، یادت می آید با صدای دلکش. سنگ خارا با

آ,ā A,a ادم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vokdan) V,v O,o واه (Zale) Z,z

صدای مرضیه و دهها ترانه دیگر اشاره داشت.

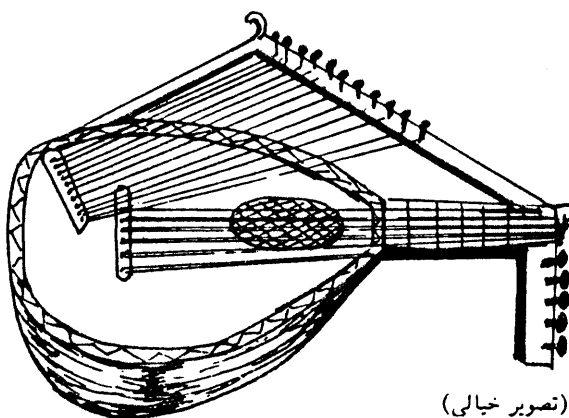
مغربی [Maqrebi]: مولانا محمد بن عزالدین تبریزی ملقب به شیرین از شاعران ایران در سده هشتم هجری است. او در سال ۷۴۹ بدینیا آمد. زادگاهش روستای «امند» تبریز بوده است. او در اشعار خود مغربی تخلص می کرده است. او در سال ۸۰۹ چشم از جهان فرو بست. اشعار فارسی او مرکب از غزل و ترجیع و رباعی چند بار چاپ شده است.

مغلوب [Maqluh]: گوشه ای است در دستگاه های سه گاه و چهارگاه و همچنین نام لحنی است در موسیقی قدیم ایران.



مغلوب رهاوی [Moqlub Rahavi]: یکی از مقام های دوازده گانه در موسیقی قدیم ایران.

مُغنی [Moqanni]: موسیقیدان و رامشگر را گویند، مغنی به معنی سازی است رشته ای که توسط صفی الدین ارموی موسیقیدان نامدار سده هفتم از ترکیب دو ساز قانون و عود ساخته شده است.



مفتاح [Meftah]: به کلید کوچک در ساز قانون اطلاق میشود.

مفتاح، علی [Ali- Meftah]: نوازنده تار و ویلن و برادر بزرگ هنرمند گرانقدر مهدی مفتاح است.

آ,â A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

مفتاح، مهدی [Mehdi Meftah]: مهدی مفتاح فرزند محمود خان مفتاح‌الملک در سال ۱۲۸۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمد.

در ۵ سالگی پدرش را از دست داد و تحت نظر برادر بزرگش قرار گرفت. او از کودکی به نواختن نی لبک روی آورد و پس از آن به نی هفت بند و قره‌نی و در نهایت ویلن را انتخاب نمود و به مکتب استاد ابوالحسن صبا رفت. نیما یوشیج شاعر معروف، پسر عمه این هنرمند است. مهدی مفتاح در جوانی به هنرستان عالی موسیقی رفت و در سال ۱۳۰۶ خورشیدی، به‌همراه تنی از هنرمندان صفحاتی پُر نمود.

از معروفترین صفحات مهدی مفتاح، دو صفحه است که توسط کمپانی هیزمستر ویس از ویلن او و صدای روح انگیز و صفحه دیگر؛ چهار مضراب مهدی مفتاح و صدای روح انگیز بجا مانده است. او در سال ۱۳۲۰ همکاری با رادیو را آغاز نمود، و یکسال بعد، سرپرست ارکستر شماره ۱ رادیو شد. مشاغل مهدی مفتاح گوناگون بوده که در زیر به برخی از آنها اشاره میشود: تصدی مجله موسیقی اداره موسیقی کشور، دبیری دبیرستانها و دانشسرای عالی و هنرستان عالی موسیقی، ریاست دفتر اداره موسیقی کشور، هنرستان عالی موسیقی و معاون هنرستان موسیقی ملی. مهمترین اقدام مفتاح، تحقیق و مطالعه در باره ساز قانون است.

مفتح آهنگ، ابوالقاسم اعتمادی [Abolqāsem Ewtemādi Mofatah Āhang]: ابوالقاسم مفتح آهنگ، معروف به مفتح‌السلطان از شاگردان ممتاز استاد عباس صنعت است که همه گونه سازهای ایرانی را می ساخته است.

مفخم پایان، لطف‌اله [Lotf-ollāh Mofaxam-Pāyān]: زنده یاد دکتر لطف‌اله مفخم پایان (یزدان مهر) در سال ۱۲۹۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او دوران دبستان را در مدرسه علمیه و دبیرستان را در دارالفنون به پایان رسانید و سپس وارد دانشسرای عالی شد. او موفق به اخذ لیسانس باستان‌شناسی و تاریخ و جغرافیا گردید.

در نوجوانی به کلاس استاد ابوالحسن صبا رفت و به مدت چهار سال ویلن را از او آموخت. او در این مدت، علاوه بر یادگیری ردیف‌های صبا، نت‌های استاد را چاپ کرد. از کارهای برجسته استاد مفخم پایان: تنظیم و تدوین و نوشتن سرودهای مدارس ایران بود. در کلاس خصوصی او بزرگانی چون؛ حبیب‌اله بدیعی، محمود تاج‌بخش و اصغر ساسان آموزش دیدند. دکتر لطف‌اله مفخم پایان در هفدهم دی ماه ۱۳۶۲ چشم از جهان فرو بست.

مفخم، محمود [Mahmud Mofaxam]: نوازنده چیره دست پیانو که در نواختن تار نیز مهارت داشته است. او شاگرد آقا حسین قلی بود. محمود مفخم، برادر انیس الدوله زن ناصرالدین شاه و همسر او فرخنده خانم، خواهر مشیرهمایون شهردار بود. او مدتها پیشخدمت مخصوص مظفرالدین بود و از نوازندگان مشهور پیانو در دربار بشمار میرفت. او سمت استادی پیانو به تاج السلطنه خواهر مظفرالدین شاه، داشت.

مفخم، از نزدیکان ناصر همایون، صاحب منصب موزیک نظام است که احتمالاً پیانو را از او آموخته است. مفخم مورد بی مهری دربار قرار گرفته و از آن اخراج میشود و پس از آن اقدام به تأسیس کلاس مشق پیانو می کند. از شاگردان معروف او میتوان به: مرتضی محجوبی، حسین استوار و یوسف فروتن اشاره داشت.

مفید، حسین [Hoseyn Mofid]: از خوانندگان مشهور زمان قاجاریه که در مشهد زندگی می کرد.

مقادیس یا ماگادیس [Maqādis yā Māgādis]: نامی است که بردوگونه ساز اطلاق میشود.

۱- نوعی ساز است از آلات موسیقی رشته ای مطلق که سازی است باستانی از خانواده چنگ که در کلد، آشور و یونان رایج بوده و دارای ۲۰ رشته سیم بوده است.

۲- سازی است از خانواده آلات موسیقی بادی نظیر فلوت.

مقاصدالاحان، کتاب [Ketābe Maqāsed ol-alhān]: کتابی در خصوص موسیقی نوشته عبدالقادر مراغه‌ای. این کتاب در سده هشتم هجری منتشر شده است. این کتاب در سال ۱۳۲۴ خورشیدی، از روی نسخه بسیار نفیس به خط مؤلف که در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد کپی برداری شده است.

مقام [Maqām]: مُد، اگر فواصل بین درجات یک گام بوسیله علامت های تغییر دهنده عوض شود، آنرا مقام گویند. پیش از آنکه این واژه وارد فرهنگ موسیقی ایران شود. (سده هشتم هجری)، قبل از آن فارابی و ابن سینا ترکیبات متفاوت گروه های صوتی را اجناس و تشکل آن را توالی یا اکتاو و جماعه نامگذاری کرده بودند. بعدها صفی الدین ارموی به جای آنها «داد وار» را بکار برد که در جمع به آن؛ ادوار اطلاق نمود.

مقام دل نواز [Maqāme Delnavāz]: از پرده های قدیمی موسیقی.

مقام شناس [Maqām Šenās]: به فرد آگاه به مقام های موسیقی: ردیف دان و موسیقی دان اطلاق می شود.

مقام های ایرانی در موسیقی عرب [Maqāmhāye Irani dar Musiqiye Arab]: ۹۷ اصطلاح موسیقی ایرانی که از دیر باز در موسیقی عرب رایج بوده و هست. در کتاب: فلسفه الموسیقیه الشرقيه فی اسرار الفن العربی بشرح زیر آمده است: اصفهان، بوسلیک، زمزمه، اصفهانک، اوج آرا، بزرگ، بسته اصفهان، بسته نگار، پسندیده، پنجگاه، برافشان ترکی، بکدش خانه، تبریز یا نیریز، جان فزا، چهارگاه، حجاز همایون، حجاز زمزمه، حجاز کار، حجاز کردی، حصار بوسلیک، خوش رنگ، دلاویز، دل دار، دل ربا، دلگشا، دلکش حوران، دل کشیده، دل نشین، دوگاه، دو بک، راست، راست جدید، راستین، رامش جان، روح نواز، روی عراق، روان، زیر کوله، زیر افکند، سازگار، سلمک، سنبله، نهاوند، سوز دل، سوز دل آرا، سوزناک، سی گاه (سه گاه)، سه گاه عجم، ساده دو یک، ساز، شهرناز، شهناز، شهناز کردی، شهناز بوسلیک، شوری، شوق افزا، شوق آور، شوق دل، شوق انگیز، شیراز، فرح فزا، فرحناک، فرح نما. کردانیه، کردی، کردانیه بوسلیک، کردان، گلزار، گلغذار، گلرخ، گلدست، کوچک، کوچک زمزمه، لاله رخ، لنگ فاخته، ماهور، ماهوران، ماهور بوسلیک، ماهورک، مایه، مجلس افروز، ناز، نیشابورک، نگار، نگارنیک، نهاوند، نوا، نوای بوسلیک، نوای کردی، نوروز، نوروز سلطانی، نیاز، نیشابور، نقش و نگاه.

مقام های هشتگانه [Maqāmhāye Haštgame]: مقام های هشتگانه عهد بهرام پنجم ساسانی، جزو قدیمی ترین واحدهای موسیقی ایرانی است. هشت واحد مقام مذکور عبارتند از: بهار، بندستان؛ ابرین یا آفرین، ابرینه، ماه درستان، ششم (نسیم)، قبه (گوه یا گوشت) و اسپراس.

مقام های هم اسم [Maqāmhāye ham-esm]: دو گام را که نت های آنها هم اسم باشند ولی فاصله درجات آن ها نسبت به تنیک متفاوت باشند، هم اسم گویند. نظیر، دوماژور و دومینور.

مقامی، داود [Dāvud Maqāmi]: خواننده مشهور کوچه و بازار و مردمی در پیش از انقلاب که از او ترانه های ماندگاری چون: عهد شکن، امید، عزیز جون، دل من شکسته، مرغ شیدا، شمع فروزان، ای خدا، افسونگر، نوشین جان، غم تنهائی، اشک، مهری، غزل، مرغ شب و ترانه های دیگر در دسترس میباشد.

A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām) و ات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i و حدان (Vojdan) V,v O,o و حبان (Cub) C,c U,u جوب (Zale) Z,z زاله

مقدس، رضا [Rezā Moqaddas]: از صدابرداران شاغل در تورنتو کانادا.

مقدسی، محمد [Mohammad Moqaddasi]: محمد مقدسی در دهم مهرماه ۱۳۱۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او پس از اتمام تحصیلات ابتدائی، در دوران اوّل متوسطه نزد استاد علی تجویدی و فرهاد فخرالدینی، نواختن ویلن را آغاز نمود. سپس به کلاس استاد ابوالحسن صبا رفت و پس از اخذ دیپلم به دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران رفت. او نواختن کمانچه را از استاد اصغر بهاری آموخت. او پس از اخذ لیسانس به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی رفت.

مقدم، افشین [Afšīn Moqaddam]: زنده یاد افشین مقدم که نام فامیل اصلی او آهنیان بود کارخواندن را با کیوان و داریوش آغاز و بعدها هرکدام بطور مستقل به کار هنری خود پرداختند. ترانه زمستان این خواننده از ترانه های ماندگار در تاریخ موسیقی ایران است. افشین مقدم در سال ۱۳۵۴ بر اثر تصادف اتوموبیل بدرود زندگی گفت.

مقدم، حمید [Hamid Moqaddam]: حمید مقدم در سال ۱۳۴۸ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد.

او از کودکی به نواختن تنبک پرداخت. معلم ضرب او، حشمت اله فرید بود که خود از شاگردان استاد محمد اسماعیلی است.

حمید مقدم، تئوری موسیقی را از علی ناظری آموخت و از سال ۱۳۷۰ به کلاس استاد محمد اسماعیلی راه یافت. او در حال حاضر در مورد ملودی و ریتم های محلی کردی کرمانشاه تحقیق می کند.

مقدم، محمد [Mohammad Moqaddam]: آهنگساز، تنظیم کننده و نوازنده چیره دست سنتور و از فعال ترین هنرمندان پیش و پس از انقلاب است که با اکثر خوانندگان مشهور همکاری داشته و دارد. محمد مقدم، چهره های هنری جدیدی را معرفی نموده است که اکثر آنها از موفق ترین خوانندگان روز هستند.

مقدم، مهدی [Mehdi Moqaddam] مهدی مقدم هنرمند قدیمی تاتر و سینما و پیش پرده خوان معروف در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد.

در کودکی پدرش را از دست داد از این جهت از ۷ سالگی در یک مغازه کفاشی به واکس زدن پرداخت. در
 A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

میان مشتریان آن مغازه سعدی افشار، هنرمندی که نقش سیاه را بازی می کند بود. از آن زمان انس و الفتی بین آنها بوجود می آید.

مهدی مقدم با اسماعیل مهرتاش آشنا شده و به ازای دریافت روزی ۵ تومان در جامعه باربد پیش پرده خوانی می کند. تصنیف های او در تیراژهای زیاد در لاله زار بفروش میرسد تا اینکه به رادیو دعوت شد. مهدی مقدم در کنار حرفه بازیگری و خوانندگی، اقدام به بازکردن استودیو مجهز عکاسی نمود که قسمت اعظم وقت او در آنجا میگذرد.

مقدم وزن ها [Moqadame Vazmhā]: وزنی شامل یازده ضرب که شش ضرب سنگین و پنج ضرب سبک دارد.

مقدمه [Moqadame]: آماده سازی کوتاه مدت ساز برای شروع موسیقی و آواز اصلی. مقدمه به یکی از گوشه های دشتی، ابوعطا، بیات اصفهان، شور، چهارگاه، ماهرهم اطلاق میشود.

مقصودی، پرویز [Parviz Maqsadi]: پرویز مقصدی آهنگساز مشهور پیش از انقلاب است که آهنگهای زیبا و ماندگاری برای برنامه چشمک تلویزیون ملی ایران به کارگردانی فرشید رمزی ساخته است. ترانه ماندگار؛ به من نگو دوست دارم با صدای داریوش و مریم جلالی از سروده و ساخته های اوست. پرویز مقصدی در آن سالها، همکاری نزدیکی با زنده یاد افشین مقدم، کیوان، اونیک، رامش و دهها خواننده دیگر داشت. پرویز مقصدی پس از تغییر رژیم به آمریکا آمد و به سانداگو رفت و مدتها گوشه گیری اختیار نمود. در سال گذشته (۲۰۰۰ میلادی) فعالیت مجدد او را با ساختن آهنگ برای شهرام و شهره صولتی شاهد بودیم.

این هنرمند در زمینه ساخت موزیک متن فیلم نیز کار کرده است، موزیک متن فیلم: مرد اجاره ای ساخته خسرو پرویزی با شرکت رضا بیک ایمانوردی و مرجان که در سال ۱۳۵۱ خورشیدی به نمایش درآمد، از اوست.

مقصود، فرشید [Farsid Maqsud]: صدابردار با تجربه ای که در لس آنجلس فعالیت دارد.

مقیم [Moqim]: از خوانندگان و نوازندگان عهد صفویه که در مشهد زندگی می کرد. او شعر نیز می گفت و تخلصش «احسان» بوده است.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irān) I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c Z,z زاله (Zāle)

مکابیز [Makābiz]: (میکی مهاجر) خواننده جوان ساکن لس آنجلس که فعالیت هنری اش را در آمریکا با گویندگی آغاز و مدتی به کار خوانندگی پرداخت و در چند سال اخیر از او فعالیت در زمینه خوانندگی مشاهده نمی شود.

مکاتب آوازی موسیقی ایرانی [Makātebe Āvāziye Musiqiye Irani]: موسیقی ایرانی بر چهار مکتب آوازی تکیه دارد.

- ۱- مکتب تهران: با روضه خوان هائی نظیر: میرغرا و نیم تاج (صدرالواعظین) و آواز خوان هائی نظیر: سید حسین طاهرزاده، ادیب خوانساری، امیرقاسمی و حسن قصاب پای گرفت.
- ۲- مکتب اصفهان: با پیش کسوتی معلم پُرآوازه، زنده یاد؛ سید رحیم که شاگردانی چون: قاضی عسگر، تاج اصفهانی و شهاب مظهر را تعلیم داد، قابل ذکر است.
- ۳- مکتب تبریز: در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه و آغاز ولیعهدی محمد علی قاجار با ظهور زنده یاد؛ اقبال آذر ثبت تاریخ موسیقی ایران است.
- ۴- مکتب قزوین که اشاره به این مکتب توسط استاد عبدالله دوامی صورت گرفته است.

مکتبی [Maktabi]: مولانا مکتبی شیرازی از شاعران مشهور پایان سده نهم و اوایل سده دهم هجری است. لیلی و مجنون او به سبب تازگی هائی که دارد مشهور است. سال وفات این شاعر را ۹۰۰ یا ۹۱۶ هجری نوشته اند. لیلی و مجنون او چند بار با چاپ سنگی در ایران و هندوستان طبع شده و آخرین چاپ آن بسال ۱۳۴۳ خورشیدی به همت اسماعیل اشرف ترتیب یافت.

مکتبی خراسانی [Maktabi Xorāsāni]: از شاعران سده هشتم ایران است که نبایستی او را با مکتبی شیرازی که یک سده بعد از او میزیسته اشتباه گرفت.

مِگردِیج [Megerdic]: صنعتگر ماهر اصفهانی که تارهای ساخت او شهرت دارد.

ملا ابراهیم [Mollā Ebrāhim]: از سرایندگان مشهور شتر در بلوچستان است. (شتر، نوعی داستانگوئی همراه با موسیقی میباشد).

ملا بوقی [Mollā Buqi]: از سرایندگان شتر در بلوچستان است. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر راجع به شتر به آن بخش نگاه کنید.

آدم (Adam) A,a A,a S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,i W,w جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam) و ات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdān) وحدان V,v O,o (Cub) جوب C,c U,u Z,z زاله (Zale)

ملا بهادر [Mollá Bahādor]: از سرایندگان و شائران مشهور بلوچستان است. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به شتر نگاه کنید.

ملا بهرام [Mollá Bahrām]: از سرایندگان مشهور شتر در بلوچستان است. (لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر راجع به شتر، به آن بخش نگاه کنید).

ملاح، حسین علی [Hoseyn Ali Mallāh]: زنده یاد حسین علی ملاح، موسیقیدان، آهنگساز، نوازنده و محقق برجسته در چهارم تیر ماه ۱۳۰۰ خورشیدی در همدان بدنیا آمد.

مادر او، خواهر استاد علی نقی وزیری بود که از هنر موسیقی بهره داشت و مشوق فرزندش بود. استاد ملاح، پس از اتمام آموزش متوسطه در سال ۱۳۲۰ به تحصیل موسیقی در هنرستان عالی موسیقی ملی و مدرسه عالی موسیقی مشغول شد و مدت هشت سال در این دو آموزشگاه به فراگیری موسیقی پرداخت. پس از فارغ التحصیل شدن از مراکز یاد شده به تدریس ویلن، تئوری موسیقی، تاریخ موسیقی و پیوند شعر و موسیقی در هنرستان عالی موسیقی ملی پرداخت.

در مدرسه عالی موسیقی، او ویلن را زیر نظر استاد فروتن راد و هارمونی را نزد استاد روح اله خالقی فرا گرفت. از دیگر استادهاى او؛ کلنل وزیری، ابوالحسن صبا و حسین یاحقی بودند. در سال ۱۳۲۵ بعنوان تکنواز ویلن در رادیو ایران برگزیده شد و سپس مسئولیت های دیگری را در رادیو به عهده داشت که به برخی از آنها اشاره میشود:

ریاست موسیقی رادیو (۱۳۳۱)، عضویت در شورای عالی موسیقی، رهبری و سرپرستی ارکستر رادیو، ریاست امور فنی و اداری موسیقی رادیو، مدیریت مجله موسیقی رادیو، مدیریت روزنامه زنگ و مدیریت عامل صندوق تعاونی هنرمندان و کارکنان رادیو. استاد ملاح در سال ۱۳۵۳ همکاری اش را با رادیو قطع کرد. ملاح در دو کنگره بین المللی موسیقی، عضو هیئت نمایندگی ایران بود. از این هنرمند گرانقدر کتب بسیاری در زمینه موسیقی بجا مانده است، نظیر:

شرحی بر رساله موسیقی جامی، حافظ و موسیقی، تاریخ موسیقی نظامی ایران، تاریخ موسیقی ایران، منوچهری دامغانی و موسیقی، پیوند موسیقی و شعر، و فرهنگ سازها و چند کتاب و دهها مقاله دیگر. موزیک متن فیلم: زندانی امیر ساخته دکتر اسماعیل کوشان که در سال ۱۳۲۸ خورشیدی به نمایش درآمد و در آن زینب مؤدب، همسر زنده یاد پرویز خطیبی بازی می کرد از ساخته های زنده یاد حسین علی ملاح است. استاد ملاح در تیر ماه ۱۳۷۱ خورشیدی، چشم از جهان فرو بست.

ملا خیرالنساء، افتخار الذاکرین [Eftexār-alzākerin Mollā Xeyronesāw]: مادر بزرگ
قمرالملوک وزیری، روضه خوان زنانه حرم ناصرالدین شاه است که سرپرستی قمر را بعهده داشت.

ملاشاه بدخشانی [Mollā Šāh Badaxšāni]: ملانشاه محمد ملقب به لسان‌الله و معروف به ملا
شاه از شاعران و سخنوران سده یازدهم هجری است که بارها توسط ملایان و آخوندهای آن زمان بجرم
مخالفت با فریب و تزویر مذهبی تهدید به مرگ شد. کلیات این شاعر خرافه ستیز شامل قصیده، غزل و
مثنوی و رباعی است. اشعار او را به عدد پنجاه هزار بیت ذکر کرده اند. ملانشاه در سال ۱۰۷۲ هجری در
لاهور هندوستان چشم از جهان فرو بست. قبر او نظیر قبر خیام، زیارتگاه صاحبان اندیشه است.

ملا عبدالجواد خراسانی [Mollā Abdol-javād Xorāsāni]: ریاضی دان معروف دوره
ناصرالدین شاه که در اصفهان میزیسته. موسیقیدان بزرگی که تار را خوب می نواخته و شاگردان بسیاری
داشته است.

ملا عبدالنبی [Mollā Abdol-nabi]: i از سرایندگان شتر در بلوچستان است. شتر: آوازی است که
متن آنرا داستانهای حماسی، عشقی و... تشکیل میدهد.

ملا عبدالله پیشینی [Mollā Abdollāh Pišini]: ملا عبدالله پیشینی، معروف به روان بُد، از
سرایندگان شتر در بلوچستان است.
لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر راجع به شتر به آن بخش نگاه کنید.

ملا فاضل [Mollā Fāzel]: از سرایندگان شتر در بلوچستان است. لطفاً جهت اطلاعات بیشتر از شتر،
به آن بخش نگاه کنید.

ملاقاسم [Mollā Qāsem] از سرایندگان و شائران مشهور بلوچستان است.
(شائر؛ کسی است که شتر را با ساز و آواز اجرا کند. جهت کسب اطلاعات بیشتر به شتر نگاه کنید).

ملا مصطفایی [Mollā Mostafāi]: برای این آهنگ کوتاه، اصطلاح گوشه مناسب تر است.
ملا مصطفائی در موسیقی اهل حق شامل یک انتقال به پنجم بالائی از دستگاه قطار است.

ملا موسی [Mollá Musá]: از آواز خوان های قدیم که بنام مرد رشتی معروف بوده است.

ملا نازی [Mollá Nāzi]: گوشه ای است در دستگاه شور که به آن ملا نیازی هم میگویند. ملا نازی، یکی از نواهای حجاز هم میباشد.



ملاوی [Malāvi]: به گوشی ساز که وترها روی آن پیچیده می شوند اطلاق می شود.

ملای قطب [Malāye Qotb]: موسیقیدان قدیمی که نامش را در کنار فارابی، ابن سینا و صفی الدین ارموی ذکر می کنند.

ملک، اسداله [Asad-ollāh Malek]: اسداله ملک، نوازنده چیره دست ویلن و کمانچه در سال ۱۳۲۰ خورشیدی در دروازه دولت تهران بدنیا آمد. از کودکی روی به موسیقی نمود و با ویلنی که در منزل داشت تمرین می کرد. پس از آشنائی مقدماتی به فن ویلن، به کلاس استاد ابوالحسن صبا رفت و سپس در هنرستان موسیقی ملی ثبت نام نمود. اسداله ملک پس از اتمام دوران تحصیل در هنرستان موسیقی ملی به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و لیسانس خود را در موسیقی دریافت داشت. پس از مرگ استاد صبا، بمدت سه سال او کلاس درس او را اداره می کرد.

اسداله ملک در هفده سالگی به رادیو رفت و با ساختن چهار مضراب معروف «گریه لیلی» در دستگاه دشتی، تکنوازی را آغاز نمود. او از همکاران دائمی برنامه گلهای رادیو ایران بود و ضرب را نزد استاد حسین تهرانی آموخت. در ارکستر پاپ رادیو تلویزیون به رهبری مارسل استپانیان او در بین نوازندگان فرانسوی، تنها ویلن نواز ایرانی بود. اسداله ملک، بنا به دعوت یهودی منوهین، ویولونیست مشهور جهان به فستیوال لیون فرانسه، ونیز و اسپانیا رفت و در ونیز گروه موسیقی ایرانی با شرکت او، استاد احمد عبادی، استاد حسین تهرانی و حسین ملک مقام اول موسیقی جهان را کسب نمود.

اسداله ملک با همکاری منوچهر جهان بگلو برنامه ای بنام: «نواهی از موسیقی ملی» را تنظیم کردند که پس از برنامه گلهای، یکی از برنامه های خوب و موفق رادیویی بوده است.

آدم (Adam) A,a A,a سرکش (Sarkes) S,s K,k S,s جم (Jamw) J,j W,w غرق (Qarq) Q,q خیام (Xayyam) X,x Y,y
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

در زمینه ساخت موزیک متن فیلم توسط اسداله ملک، میبایستی به فیلم های: ایوب ساخته فریدون ژورک با شرکت زنده یاد فردین و فروزان و هم چنین: مردان سحر ساخته اسماعیل نوری علاء با شرکت رضا بیگ ایمانوردی و پوری بنائی، اشاره داشت. موزیک متن فیلم ایوب را اسداله ملک با همکاری دکتر جهان بگلو ساخت. سال به نمایش درآمدن هردو فیلم، ۱۳۵۰ خورشیدی بود.

ملک الذاکرین، سید عزیزاله [Seyyed Aziz-olláh Malek-alzákerin]: از خوانندگان مشهور دوران قاجاریه و اهل تفرش بود که در سال ۱۲۹۳ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

ملک الشعرا بهار [Malek-olšowarâw Bhâr]: لطفاً به بهار، محمد تقی نگاه کنید.

ملک المتکلمین، نصراله [Nasr-olláh Malek-olmotakallemin]: نصراله ملک المتکلمین در سال ۱۲۷۷ هجری در اصفهان بدنیا آمد. او روضه خوان آبادیها و دهات اطراف اصفهان بود. از موسیقی اطلاع داشت و سالها نزد سید رحیم موسیقیدان و خواننده اصفهان مشق موسیقی گرفت. سید حسین طاهرزاده، چندی نزد او آموزش دید. در سال ۱۳۲۲ هجری، دولت وقت او را بجرم باجگیری از اصفهان اخراج و او به تهران آمد و پس از مدتی به کردستان رفت. او از ناطقین صدر مشروطیت بود.

ملک پور، ذبیح اله [Zabih-olláh Malek-pur]: از خوانندگان اواخر قاجاریه و اوایل عصر پهلوی است. او علاوه بر خوانندگی، سه تار نیز می نواخت.

ملک، جهانگیر [Jhângir Malek]: جهانگیر ملک در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۱۱ خورشیدی در کوچه آبشار خیابان ری تهران بدنیا آمد. او تحصیلات متوسطه را در دارالفنون گذراند. در حین تحصیل به ضرب علاقمند شد و نواختن آنرا آغاز کرد. در آن سالها، خانه استاد حسین تهرانی نیز در کوچه آبشار بود و این حسن تصادف باعث شد تا آموزش جهانگیر ملک را قبول کند. جهانگیر ملک در سال ۱۳۳۰ توسط استاد علی تجویدی به رادیو میرود و در حضور مشیرهمایون شهردار که آن موقع رئیس شورای موسیقی بود، قطعاتی را اجرا کرد که مورد قبول واقع میشود، و او را در ارکستر ویژه رادیو می پذیرند.

ملک، حسین [Hoseyn Malek]: زنده یاد حسین ملک نوازنده چیره دست سنتور در تیرماه ۱۳۰۴ خورشیدی در دروازه دولت تهران بدنیا آمد. در کودکی، خود و برادرانش؛ اسداله و عبدالله تحت تأثیر دایی های خود علی اکبر و علی اصغر و محمد زنگنه که اولی، کمانچه میزد و دومی ضرب و سومی آواز

آ،ا A,a آد (Ádam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن Iran ایران I,i Vojdan وجدان O,o V,v Cub جوب U,u C,c Zále زاله Z,z

می خواند روی به موسیقی آوردند.

حسین ملک از هشت سالگی برای فراگیری سنتور نزد استاد حبیب سماعی میرود. مدت آموزش نزد سماعی بخاطر بد خلق و عصبانی بودن این هنرمند، زیاد طول نکشیده و او به کلاس استاد ابوالحسن صبا میرود. حسین ملک به غیر از سماعی و صبا از مکتب؛ نور علی خان برومند، شکراله خان قهرمانی، رکن الدین مختاری، حسین یاحقی، ابراهیم منصوری و دکتر برکشلی نیز استفاده های فراوان میبرد. او مدتها با قمرالملوک وزیری، دستگاه های اصفهان و ابوعطا را بصورت کاملاً نو و بدیع اجرا می کنند. حسین ملک تحت نظر استاد صبا؛ ساختن ویلن و سنتور زیر نظر استاد آراکلیان، ساختن ویلن سل را آموخت. استاد حسین ملک در سال ۱۳۷۸ چشم از جهان فرو بست.

ملک حسینی [Malek Hoseyni]: گوشه ای است در دستگاه نوا.



ملک، عبدالله [Abdollah Malek]: نوازنده چیره دست ضرب و برادر هنرمندان مشهور، اسداله و حسین ملک است.

ملک قمی [Malek Qomi]: ملک محمد قمی متخلص به ملک از شاعران معروف سده دهم و یازدهم هجری است. در جوانی از قم به کاشان رفت و سپس به قزوین پایتخت صفویان رفت و چهار سال در آن شهر بود و بعد به هندوستان رفت. سال وفات او ۱۰۲۵ هجری است.

ملک محمدی [Malek-mohammadi]: از موسیقیدانها و نوازندگان تنبور و کمانچه در سده دهم و یازدهم هجری است.

ملکوتیان، زاون [Zāven Melkotyán]: نوازنده زبردست ویلن سل در ارکستر سنفونیک تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۶ خورشیدی.

ملکوتی، غلامرضا [Qolām Rezā Malakuti]: از صدا برداران رادیو که در شاهرود بدنیا آمد و در سال ۱۳۵۳ وارد دانشکده رادیو و تلویزیون گردید.

آ,ا A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vokdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c Z,z زاله (Zale)

ملکوتی، پیش از تغییر رژیم در رادیو تهران (FM) فعالیت می کرد و از سال ۵۷ ضبط سرودها و ارکسترهای آذربایجانی و موسیقی سنتی را اداره می کرد. او از سال ۱۳۶۸ با سمت قائم مقام واحد صداپردازی به کار اشتغال دارد.

ملکوم اصفهانی [Melkom Esfehāni]: ملکوم ارمنی، صنعتگر ماهر که تارها و سه تارهای ساخت او مشهور است. کاسه تارهای او، بزرگتر از کاسه تارهای یحیی و دسته آن دم گاوی است. ملکوم در سال ۱۳۴۶ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

ملندوق [Malanduq]: لطفاً به حسین خان نوازنده تنبک نگاه کنید.

ملودی [Melodi]: لطفاً به آهنگ نگاه کنید.

ملودی، استودیو [Studyo Melodi]: استودیو ضبط صدا به سرپرستی فرشید مقصود، که در لس آنجلس قرار دارد.

ملودی پُرداکشن [Melodi Pordākšen]: شرکت تولید نوار و CD های ایرانی که در لس آنجلس فعالیت دارد.

ملوک خانم [Mluk Xānom]: ملوک پروین خانم، خواننده قدیمی و همدوره با گل ریز خانم، مادام سیرانوش و اختر خانم یگانه که از او صفحاتی بجا مانده است.

ملوگرام [Melogrām]: دستگاهی جهت ثبت جزئیات ملودی از قبیل؛ کوک، زیر و بمی و رنگ صوتی.

ملون [Molavan]: از انواع گام که دانگ آن از یک سوم کوچک مینور و دو نیم پرده تشکیل یافته باشد. فارابی، دانگ کروماتیک را ملون نامیده است.

ملیحه [Malihe]: خواننده خوش صدا ساکن لس آنجلس که از او آلبوم: خونه دل در دسترس میباشد.

ملیحه [Malihe]: نوازنده چیره دست تار و از شاگردان آقا غلامحسین در دوران ناصری.

ملیخای یهود [Melixáye Yahud]: ضرب زن زبردست دوران ناصری.

ملیک آزاریان، روبیک [Rubik Melik-Ázáryán]: نوازنده چیره دست و استاد تعلیم ویلن در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۵ در تهران.

ملیک اصلانیان، امانوئل [Emánuel Melik-Aslányán]: استاد هنرستان عالی موسیقی تهران در رشته؛ هماهنگی و تجزیه و تحلیل آثار مهم موسیقی غربی.

استاد اصلانیان در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در تبریز بدنیا آمد. از ده سالگی به موسیقی روی آورد و پیانو را به عنوان ساز تخصصی خود انتخاب نمود.

ملیک اصلانیان، تحصیلات ابتدائی موسیقی را نزد هنرمندی بنام آماتونی آغاز کرد. در چهارده سالگی به آلمان رفت و از سال ۱۹۳۵ تا ۱۹۳۷ میلادی در کنسرواتوار هامبورگ مشغول تحصیل در رشته پیانو و آهنگسازی شد. زنده یاد ملک اصلانیان، پیانو را نزد پروفسور فیشر و پروفسور آزرگه آموخت. اصلانیان پس از ۲۴ سال اقامت در آلمان به ایران بازگشت. او آثار فراوان و متعددی در چهارگاه، اصفهان و قطعات فانتزی ساخت.

ممدو [Mamdo]: آهنگساز ساکن لس آنجلس که همکاری نزدیکی با خواننده‌ای بنام شاهرخ دارد. از همکاری این دو تن، آلبومی بنام: بدرقه ضبط و پخش شده است. شاهرخ را نبایستی با خواننده قدیمی؛ شاهرخ شاهد اشتباه کرد.

مناجات خوانی [Monájatxáni]: نیایش خدا همراه با نغمه و سرودهای مذهبی در ایران که از زمانهای بسیار دور رواج داشته است. گات های زرتشت نمونه بازاری از آن میباشد. از عهد صفویه مناجات خوانی رواج بسیار داشت و هم چنین در عهد قاجاریه.

منتجم شیرازی، عباس [Abbás Montajam Širázi]: خواننده ترانه های محلی که فعالیت بسیاری در فیلم های فارسی در دهه ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ داشت.

منتخب الذاکرین [Montaxab-ol-zákerin]: خواننده قدیمی که ترکی آذربایجانی می خواند و از

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زله (Zále) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voklan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

او صفحاتی توسط کمپانی هیز مستر وُیس در سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۰ خورشیدی ضبط و موجود است.

منتشری، محمد صفار [Mohammad Saffār Montašeri]: محمد صفار منتشری، خواننده خوش صدا در ۱۳ دیماه ۱۳۲۱ خورشیدی در شهرستان لنگرود گیلان بدنیا آمد. او در سن ده سالگی به تهران آمد. کار خواندن را از کودکی آغاز نمود. در سال سوم دبیرستان به جامعه باربد رفت و سه سال تحت تعلیم دکتر ناظرزاده کرمانی، رفیع حالتی و استاد اسماعیل مهرتاش و ولی اله خاکدان دکوراتور معروف فیلم های فارسی قرار گرفت. در سال ۱۳۳۹، جهت فراگیری ردیف های موسیقی، هفته ای دو جلسه با خوانندگان دیگری چون محمد رضا شجریان و جمال وفائی آموزش دید. در سال ۱۳۵۰ توسط بهمن بوستان و اکبر محسنی که تهیه کننده و سرپرست ارکستر برنامه هفت شهر عشق تلویزیون بودند به این سازمان راه یافت. از ترانه های ماندگار محمد رضا منتشری میتوان به: بوسه شیرین از ساخته های زنده یاد جواد بدیع زاده و قفس غم و قصه تنهایی اشاره داشت.

منتظری، هادی [Hādi Montazeri]: هادی منتظری در سال ۱۳۳۴ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. اولین معلم او در نواختن ساز کمانچه، محمود مرآتی بود. او پس از اخذ دیپلم به دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران رفت و از محضر هنرمندانی چون: نورعلی خان برومند، محمد رضا لطفی، علی اصغر بهاری و محمد رضا شجریان بهره ها برد. او در حال حاضر در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی تدریس می کند.

منتظم الحکماء [Montazem-ol-hokamā]: از شاگردان ممتاز میرزا عبدالله است که ردیف های استاد را با سه تار نواخته است.

منتظم صدیقی، محمود [Mahmud Montazem Sediqi]: آهنگساز و تنظیم کننده آهنگ و از همکاران نزدیک احمد علی راغب و محمد گل ریز که در تهران فعالیت دارد. محمود منتظم صدیقی از نوازندگان ارکستر سنفونیک تهران میباشد که در سال ۱۳۴۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او از سن ده سالگی فراگیری موسیقی را آغاز نمود. او در سال دوم هنرستان عالی موسیقی بود که وارد ارکستر سنفونیک تهران گردید. این هنرمند، آهنگسازی و ساز شناسی را نزد استاد مرتضی حنانه آموخت. او در حال حاضر یکی از بهترین نوازندگان سازهای ضربی میباشد.

منجمی [Monajjemi]: از خوانندگان مشهور رشت در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی.

آ,ā A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdan) O,o V,v C,c U,u جوب (Cub) Z,z زاله (Zale)

منزوی، احمد [Ahmad Monzavi]: از ترانه سرایان فکاهی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی.

منزوی، حسین [Hoseyn Monzavi]: شاعر و ترانه سرای معاصر که همکاری نزدیکی با محمد نوری و محمد سریر دارد. از ترانه های این شاعر میتوان به: (آرزوها)، (تو، تو خنده بهار)، (یک دسته گل ستاره برات بچینم از آسمونها). اشاره داشت که تمامی آنها توسط محمد نوری اجرا شده و آهنگ آنها را محمد سریر ساخته است.

منزه، حمید [Hamid Monazah]: آهنگساز جوان مقیم تهران.

منشوری [Mansuri]: ابو سعید احمد بن محمد منشوری سمرقندی از شاعران و گویندگان عهد غزنوی است. از اشعار او در کتاب ترجمان البلاغه رادویانی آمده است.

منشی زاده، منوچهر [Manucehr Monšizāde]: استاد تعلیم فلوت در هنرستان عالی موسیقی تهران.

منصف اصفهانی [Monsef Esfehāni]: غیاث الدین علی اصفهانی متخلص به منصف و معروف به غیاث از شاعران سده دهم و آغاز سده یازدهم است. او در اصفهان بدنیا آمد و در کودکی به شیراز رفت. در ۲۳ سالگی به هندوستان رفت و بخدمت میرزا قوام الدین جعفر آصف خان درآمد. دیوان اشعار او حاوی ۵۲۰۰ بیت است. سال وفات او ۱۰۱۹ هجری بوده است.

منصور [Mansur] خواننده خوش صدا و فعال ساکن لس آنجلس که از او آلبوم های بسیاری در سالهای اخیر ضبط و منتشر شده است، از آن جمله: فرفره های بی باد، قایق کاغذی، تصویر آخر، دریچه و فقط بخاطر تو.

منصور در تهران بدنیا آمد، پدرش طرفدار خوانندگان کوچه و بازار و مردمی و مادرش هواخواه موزیک پاپ بود. با آغاز جنگ ایران و عراق منصور از ایران خارج شده و به لس آنجلس آمد و همکاری خود را با عبدی یمینی، شهیار قنبری، حسن شماعی زاده و سیاوش قمیشی آغاز نمود.

منصور در زمینه بازیگری نیز تجربه بازی در فیلم *America So Beautifull* ساخته بابک شکریان را دارد.

آ,ا A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voklan) I,i ایران (Irān) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

منصوری [Mansuri]: گوشه‌ای است در دستگاه‌های چهارگاه و همایون. این گوشه در چهارگاه بسیار غم‌انگیز است و در درجه هشتم (هنگام) اجرا می‌شود.

یکی از خدمات ارزنده این هنرمند بزرگ، حفظ و اشاعه تصنیف های قدیمی بود. آهنگ ترانه های زیبای: در فکر تو بودم و شب مهتاب با صدای مرضیه و یک حمومی بسازم با صدای غزال از کارهای ارزنده این هنرمند است. او در دیماه ۱۳۴۸ چشم از جهان فرو بست. قبر او در آرامگاه ظهیرالدوله دریند است.

منصوری، پرویز [Parviz Mansuri]: استاد موسیقی و پژوهشگر موسیقی ملی. پرویز منصوری در هنرستان عالی موسیقی تهران، تاریخ موسیقی تدریس می‌کند.

منصوری، پریوش [Parivaś Mansuri]: پریوش کنار دریائی (منصوری) در سال ۱۳۳۶ خورشیدی در رودسر بدنیا آمد. پس از پایان تحصیلات از رودسر به تهران آمد و در هنرستان موسیقی ملی ثبت نام نمود. او آواز وردیف های موسیقی ایرانی را از محمود کریمی، تئوری و سلفژ را از مصطفی کمال

Ā,a Ā,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u حوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Irān) وات های (افسای) نوین برای درست خواندن

پور تراب و ویلن را از استاد رحمت‌اله بدیعی و مهندس همایون خرم فراگرفت. همسر او، ناصر منصوری فرزند استاد ابراهیم منصوری است.

منصوری، روبیک [Rubik Mansuri]: زنده یاد روبیک منصوری یکی از پیشگامان سینمای ایران در امر موزیک متن فیلم در سال ۱۳۱۶ خورشیدی بدنیا آمد. او استاد صدا و افکت و انتخاب موزیک مناسب برای فیلم‌های فارسی بود. او برای بیش از یک‌هزار فیلم فارسی، موزیک متن انتخاب کرده است. روبیک منصوری از پرکارترین و فعال‌ترین صداگذاران سینمای ایران بود. او با استودیوهای معروف پیش از انقلاب نظیر: آژیر فیلم، ایران فیلم، پارس فیلم، شاهین فیلم و استودیو میثاقیه همکاری نزدیک داشت. در سال ۱۳۵۰ او، استودیو فیلمکار را تأسیس کرد و تا آخر عمر در این استودیو به فعالیت پرداخت. روبیک منصوری از خوش‌نام‌ترین و متخصص‌ترین فرد در حرفه صداگذاری و صدا برداری و انتخاب موسیقی برای فیلم و از فارغ‌التحصیلان هنرستان عالی موسیقی تهران بود. ساز تخصصی او فلوت بود. زنده یاد روبیک منصوری در ۱۹ مرداد ۱۳۷۹ چشم از جهان فرو بست.

منصوری، منصور [Mansur Monsuri]: خواننده ترانه‌های محلی - خراسانی که در تربت جام فعالیت دارد.

منصوری، ناصر [Nâser Mansuri]: ناصر منصوری در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پدر او استاد ابراهیم منصوری است. او از کودکی به ویلن علاقه نشان داده و زیر نظر پدر هنرمندش به فراگیری این ساز پرداخت. او در سال ۱۳۳۳ در دانشکده افسری ثبت نام و در سال ۱۳۳۶ به درجه ستوان دومی نائل و مدارج نظامی را تا درجه سرهنگ تمامی پیمود. در سن ده سالگی در هنرستان عالی موسیقی شبانه ثبت نام کرد و ویلن را نزد روبیک گریگوریان تا مراحل تکمیل فراگرفت. در سن ۱۸ سالگی به رادیو رفت و سالها کلاس پدرش را اداره می‌کرد.

منطقی، امان [Amân Manteqi]: ترانه سرا، آهنگساز و فیلمساز مشهور پیش از انقلاب که از او در زمینه ساخت موزیک فیلم و ترانه سرائی و کارگردانی آثار بسیاری از جمله:

پهلوان مفرد (۱۳۵۰)، غلام ژاندارم (۱۳۵۰) اشعار ترانه‌های غلام ژاندارم را خود امان منطقی سروده است و موزیک این فیلم از ساخته‌های انوشیروان روحانی است. آب نبات چوبی (۱۳۵۱)، بابا نان داد (۱۳۵۱)، جبار سر جوخه فراری (۱۳۵۲). شیخ صالح (۱۳۵۲) میرم بابا بخرم (۱۳۵۳)، شبگرد (۱۳۵۴)، سرباز اسلام (۱۳۵۹)، تب مرگ و تپه ۳۰۳ این فیلم‌ها به نمایش درنیامدند. بجا مانده است.

آ,ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Voklan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u Z,z زاله (Zâle)

منطقی رازی [Manteqi Rāzi]: ابو محمد منصور بن علی منطقی رازی، قدیمی ترین شاعر پارسی گوی عراق است. سال وفات او را بین ۳۶۷ تا ۳۸۰ هجری ثبت کرده اند.

منظمی، درویش رضا [Darviš Rezā Monazzami]: درویش رضا منظمی در سال ۱۳۱۸ خورشیدی در خرم آباد بدنیا آمد. از هشت سالگی به موسیقی آشنا و به نواختن فلوت پرداخت. در سال اول دبیرستان به کمانچه روی کرد. در سال ۱۳۴۰ به تهران آمد و از محضر استاد حسین یاحقی بهره ها برد. او سپس به دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران رفت و با محمد رضا لطفی طرح بنیانگذاری گروه شیدا را ریختند و به مرحله عمل رساندند. از سال ۱۳۶۹ بنا به دعوت دانشکده هنرهای زیبا، جهت تدریس ردیف های میرزا عبدالله به استخدام دانشگاه تهران درآمد.

منفرد زاده، اسفندیار [Esfandyār Monfared-zāde]: آهنگساز مشهور و مطرح اسفندیار منفردزاده، در سال ۱۳۱۹ خورشیدی در تهران دنیا آمد. از سال ۱۳۳۵ همکاری خود را با رادیو ایران آغاز نمود و از سال ۱۳۴۷ بطور رسمی در کار ساختن موزیک متن فیلم های فارسی شرکت کرد. منفرد زاده، پس از آنکه هشت سال در رادیو کار کرد در سال ۱۳۴۳ برای تحصیل علمی موسیقی به دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران رفت، اما پس از ۲/۵ سال آنرا رها کرد. او پس از فیلم قیصر که موزیک آن برایش شهرت بسیاری به ارمغان آورد به قصد تحصیل موسیقی به برلین و وین سفر کرد اما پس از ۹ ماه آنرا رها کرده و به ایران بازگشت. پس از برگشت به ایران او از پُرکارترین موزیک متن سازان آن روزگار بود. حرفه ای که در آن زمان بی سابقه بود. در زمینه موسیقی متن فیلم، میتوان به آثار زیر اشاره داشت. بیگانه بیا (۱۳۴۷)، قیصر (۱۳۴۸) برنده جایزه دومین جشنواره سپاس برای موسیقی متن این فیلم، طوقی و رضاموتوری (برنده جایزه سومین جشنواره سپاس) پنجره و عمو سیبیلو (۱۳۴۹)، داش آکل، خدا حافظ رفیق، قصه درخت هلو و رهائی (۱۳۵۰). خواستگار، تپلی، پری، حوزه استحفاظی و گلباران (۱۳۵۱). بلوچ، تنگنا، نفرین و خاک (۱۳۵۲). گردش در یک روز خوش آفتابی (۱۳۵۳)، گوزنها، دروازه، هفت تیرهای چوبی و پسر شرقی (۱۳۵۴). غزل، طوطی (۱۳۵۵). صبح خاکستر، شب آفتابی (۱۳۵۶). سفر سنگ (۱۳۵۷)، میهمانان هتل آستوریا (۱۳۶۷)، چهره دشمن (۱۳۶۹). اسفندیار منفرد زاده در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می کند و همچنان به کار آهنگسازی اما خفیف تراشغال دارد. از ترانه های ماندگاری که این هنرمند آهنگ های آنها را ساخته میتوان به: جمعه ها، گنجشک اش می و کودکانه با صدای فرهاد، بین ما هرچی بوده تموم شد. با صدای گوگوش اشاره داشت.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

منفرد منش، مصطفی [Mostafá Monfared-maneš]: نوازنده چیره دست کلارنیت در آذربایجان و همدوره با آشوت بابایان و سروژ آرمیان.

منقاره [Menqàre]: قسمتی از ساز تار است. کاسه تار به دو قسمت تقسیم میشود که بخش کوچکتر آنرا منقاره گویند.

منکور [Mankur]: صدا سنج که اختراع آنرا به فیثاغورت نسبت میدهند و این اسباب بعدها توسط فارابی تکمیل شد. از آن برای اندازه گیری فواصل صداها و بررسی فرمول تارهای مرتعش استفاده می کنند.

منوچهر [Manucehr]: لطفاً به سخائی، منوچهر نگاه کنید.

منوچهری [Manucehri]: ابوالنجم احمد منوچهری دامغانی از شاعران طراز اول ایران در نیمه اول سده پنجم هجریست. او در دامغان بدنیا آمد و سال وفاتش ۴۳۲ هجری بوده است. از دیوان منوچهری با تمام شهرت، نسخ قدیمی در دست نیست و غالب نسخه های آن از عهد قاجاریه و قدیمی ترین آن از عهد صفویه است. نسخه ای از دیوان او در سال ۱۳۲۶ خورشیدی به همت محمد دبیر سیاقی در تهران چاپ شده است.

منوچهری، حسن [Hasan Manucehri]: نوازنده چیره دست عود و از نوازندگان گروه سازهای ملی به سرپرستی استاد فرامرز پایور.

حسن منوچهری در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در سال ۱۳۲۸ به هنرستان موسیقی ملی رفت و در سال ۱۳۳۶ از آنجا فارغ التحصیل شد. از سال ۱۳۴۰ همکاری این هنرمند با ارکستر گلها، ارکستر سازهای ملی و دیگر ارکسترهای رادیو ایران آغاز گردید. او سالها با محمد رضا شجریان، عماد رام و نادر گلچین همکاری داشت. حسن منوچهری از زبده ترین سازندگان عود بشمار میرود.

منوچهری دامغانی و موسیقی، کتاب [Ketàbe Manucehri Dâmqâni va Musiqi]:

نوشته زنده یاد استاد حسین علی ملاح، از انتشارات مؤسسه علمی و فرهنگی فضا، تهران. سال ۱۳۶۷ خورشیدی.

À,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 Z,z زاله (Zâle) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdân) I,i ایران (Irân) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

منوچهری، سیمین [Simin Manucehri]: نوازنده زبردست قانون و از شاگردان ممتاز استاد مهدی مفتاح. سیمین منوچهری سالها از همکاران ارکستر وزارت فرهنگ و هنر در سالهای پیش و بعد از ۱۳۵۰ خورشیدی بود. سیمین منوچهری علاوه بر قانون، نوازنده چیره دست ویلن هم میباشد و در ارکستر زنده یاد فرهاد ارژنگی مدتها به نوازندگی ویلن می پرداخت.

منور [Monavar]: دسته مطرب زنانه دوران مظفرالدین شاه که از شهرت بسیاری برخوردار بود.

مؤلف [Moālef]: گوشه‌ای است در دستگاه همایون.

مؤلف



موالیان [Mavālyān]: گوشه‌ای است در دستگاه همایون.



مودک یا مودک [Hutak yā Mudak]: آهنگی مخصوص عزاداری و ترحیم است که با قیچک همراهی می شود.

مؤذن، ودود [Vdud Mowazen]: خواننده سرشناس آذربایجانی که از او آلبوم: آرزو قیزیم در دسترس می باشد.

مور [Mur]: مور یا هوره لکی، در اصل نوعی هوره است که در مناطق عشایری لک زبان لرستان متداول است. مور نظیر هوره انواع مختلف دارد که هر کدام به مناسبتی اجرا می شوند. مور از جمله آوازهای کهن رایج در مناطق کردنشین و لک نشین کرمانشاهان و لرستان است.

Ā,a Ā,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

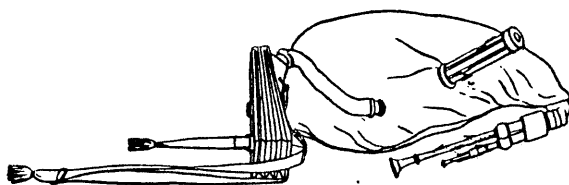
Ž,z زانه (Zāle) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

مور در اصل یکی از مقام ها و شکل های هوره است. مور آوازی است غمناک که بیشتر در مورد درگذشتگان خوانده می شود. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به هوره نگاه کنید.

موره [Mure]: گوشه ای است در دستگاه های راست پنجگاه و همایون.



موزت [Muzet]: سازی است بادی از رده ارغنون یا نی انبان.



موزیک [Muzik]: به موسیقی سازی بدون کلام گفته می شود.

موزیکال تبریز [Muzikal Tabriz]: شرکت تولید و پخش صفحه های ترکی آذری در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی که در تبریز واقع بود.

موزیکال، فروشگاه [Frušgahe Musikāl]: مرکز ضبط و پخش صفحه در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۵ خورشیدی که در لاله زار قرار داشت. این فروشگاه صفحاتش را برای تکثیر به شرکت اورپول انگلیس میداد. سرپرست این فروشگاه، نصراله عشقی بود.

موزیک ایران، کلاس موسیقی [Kelāse Musiqiye Muzike Iran]: کلاس موسیقی در تهران به سرپرستی زنده یاد احمد اسکوئی.

موزیک ایران، نشریه [Našriye Musik Iran]: دارنده امتیاز و مدیر مسئول بهمن هیربد، زیر نظر علی محمد رشیدی. این نشریه از سال ۱۳۳۱ خورشیدی نزدیک به ۲۰ سال انتشار می یافت.

A,ā A,ā آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

موزیک ایران، ماهنامه [Māhnāme-ye Musike Iran]: نشریه انتقادی که در سال های پیش و بعد از ۱۳۲۷ خورشیدی با نوشته نویسندگانی چون: دکتر هرمز فرهت، روح اله خالقی، علی محمد رشیدی، محمود خوشنام، امین شهمیری و ساسان سپنتا چاپ و منتشر میشد.

موزیکچی [Muzikci] به معنی نوازنده انواع سازهاست.

موزیک فوریو [Music 4 U]: گروه پاپ ایرانی که در آمریکا فعالیت دارد. خواننده این گروه نیلی و سرپرست آن ناصر، نوازنده چیره دست کی بورد است. این گروه کار خود را در لندن آغاز و اینک در لس آنجلس ادامه میدهد.

موزیکولوژی [Muzikoloži]: دانش شناخت موسیقی. موسیقی شناسی.

مؤسسه دوستداران هنر [Mowaseseye Dustdārāne Honar]: مؤسسه آموزش موسیقی در تهران به سرپرستی استاد حسین خضرلو زاده.

موسوی، محمد [Mohammad Musavi]: محمد موسوی شوشتری نوازنده زبردست نی، در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۵ خورشیدی در اهواز بدنیا آمد. در هشت سالگی با خرید ویلن، نزد استادی بنام شباهنگ میرود و چهار سال به فراگیری این ساز می پردازد. روزی از رادیو صدای نی استاد حسن کسائی را می شنود و تحت تأثیر هنر ایشان به نی روی می آورد.

موسوی، در سال ۱۳۴۶ توسط استاد احمد عبادی به رادیو میرود و همکاری خود را با برنامه گلها آغاز می کند. او در سال ۱۳۵۰ وارد مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران شده و زیر نظر دکتر صفوت مشغول به کار می شود. محمد موسوی یکی از بهترین نی نوازان معاصر ایران بشمار میرود. که علاوه بر نی، ساز ویلن را نیز با مهارت و آگاهی می نوازد.

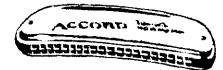
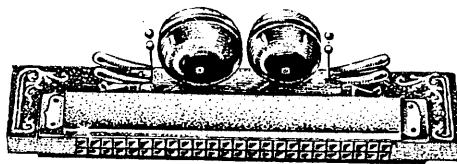
موسوی، هاشم [Hāšem Musavi]: هاشم موسوی در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در شهرستان اراک بدنیا آمد و پس از طی دوران تحصیلات ابتدائی و متوسطه به مدرسه عالی سینما و تلویزیون رفت و از این دانشکده در رشته صدا، فارغ التحصیل شد. او از سال ۱۳۴۷ همکاری خود را با سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران آغاز نمود.

آ,ا A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وجدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

موسی [Musà]: برادر یحیی زرپنجه که نوازنده تار بود. افراد این خانواده موسیقی را حرفه خود قرار داده و از این راه امرار معاش می کردند. پدر خانواده، ربیع آواز می خواند و دایره میزد.

موسی پور، اسکندر [Eskandar Musàpour]: آهنگساز، تنظیم کننده آهنگ و رهبر ارکستر که در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۵ خورشیدی در تبریز فعالیت داشت.

موسیقار یا موسیقال [Musiqār yā Musiqāl]: سازی است بادی از رده ارغنون یا سازدهنی. غربی ها به این ساز فلوت پان می گویند و امروز بنام سازدهنی معروف است.



موسیقی [Musiqi]: مأخذ از واژه یونانی بمعنی فن آواز خواندن و نواختن ساز که باعث غم یا نشاط و محرک احساسات باشد. موسیقی، هنر بیان احساسات بوسیله اصوات است. دو تعریف از موسیقی توسط افلاطون و بتهوون در مقدمه این دانشنامه آمده که نظر خوانندگان دانشنامه را به آن جلب می کنیم.

موسیقی افقی [Musiqiye Ofoqi]: موسیقی است که در آن ملودی ها با شخصیت انفرادی ظاهر میشوند. نظیر موسیقی یکصدائی یا مونودیک.

موسیقی الکبیر [Musiqi al-kabir]: دانشنامه ای در مورد موسیقی قدیم ایران اثر فارابی که به زبان عربی است.

موسیقی تربت جام، کتاب [Ketāb Musiqiye Torbate-jām]: کتابی در خصوص موسیقی خراسان نوشته محمد تقی مسعودیه.

موسیقی پاپ [Musiqiye Pāp]: شیوه ای نو در ارائه موسیقی که از مغرب زمین برخاسته است.

آ,ā A,a ادم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات های (افشاری) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vokdan) O,o V,v چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

موسیقی در ایلام [Musiqi dar Ilâm]: حجاری ها، نقوش برجسته و آثار گلی و متون ایلامی حکایت از آن دارد که در ایلام، نواختن موسیقی بخصوص در مراسم مذهبی واهدای قربانی از روزگار باستان مرسوم و مورد توجه بوده است. پادشاه آوان (Awan) در زمان پیش از تاریخ در ایران، نوازندگانی را استخدام کرده بود تا شبانه روز برابر دروازه های اصلی معبد اینشو شیناک (خدای شوش) مشغول نواختن موسیقی باشند. هم چنین نقش برجسته های موجود در «کول فره» در ناحیه مال امیر، صحنه های قربانی حیوانات در مقابل حاکم ایلام و حمل مجسمه ای در حضور پادشاه ایلام را به تصویر کشیده است.

در این نقوش، نوازندگان با سازهای مختلف زهی، بخصوص انواع چنگ و سازهای بادی و کوبه ای در حال نواختن و خواندن سرودهای مذهبی هستند. چنگ، این ساز ایرانی حداقل از هزاره چهارم قبل از میلاد در تمام دوره ها بکار رفته است. در کاوش های باستان شناسی در شوش، هفت تپه و چغازنبیل که از مراکز مهم ایلامی ها هستند آثار و اشیاء مربوط به موسیقی بدست آمده است، که تعدادی از آنها بشرح زیر است: دهل که پوست آن از بین رفته، سازهای بادی شامل هورن صدفی که هردو مربوط به هزاره دوم قبل از میلاد است. سوتک های متعدد مربوط به هزاره سوم تا هزاره اول قبل از میلاد. پیکره های سفالی مردانی که عریان هستند و در حال نواختن سازهای زهی میباشند که مربوط به ۳۵۰۰ سال پیش است.

موسیقی در مارلیک [Musiqi dar Mārlik]: مارلیک یا چراغعلی تپه از جمله تپه های باستانی شمال ایران است. که در ۱۴ کیلومتری شرق شهرستان رودبار در دره زیبا، سر سبز گوهر رود واقع شده است. آثار بدست آمده از تپه مارلیک مربوط به آرامگاه های پادشاهان و سرداران بزرگ قومی بوده که در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول قبل از میلاد در این منطقه زندگی می کردند. این آثار عبارتست از: انواع ظروف و ابزار و پیکره های سفالی و فلزی که در بین آنها تعداد زیادی زنگوله و سنج و پیکره های آوازه خوان و وسائلی که مربوط به موسیقی میشود، وجود دارد.

موسیقی دستگاهی [Musiqiye Dastgāhi]: از زمان آقامیرزا عبدالله، روش دوازده مقامی موقوف شد و موسیقی ایرانی از نظر پرده بندی، در هفت واحد که به آن دستگاه می گویند، تنظیم شد. گوشه های این دستگاه ها در جلسات متعدد، و با حضور گروهی از موسیقیدانها بررسی گردید تا نهایتاً در اردیبهشت ۱۳۴۲ خورشیدی به اهتمام زنده یاد موسی معروفی به چاپ رسید.

موسیقی دوازده مقامی [Musiqiye Davāzdah Maqāmi]: پس از یورش اعراب به ایران، واحدهای هفت گانه موسیقی که از پیش تا زمان ساسانی مورد استفاده قرار میگرفت به دوازده واحد

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وچدان (Vojdān) V,v O,o وچوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

تقسیم شد و بر هر یک نامی نهادند، بشرح زیر:

عشاق، حسینی، راست، بوسلیک، رهاوی، نوا، بزرگ، صفاهان، عراق، زنگوله، حجاز، کوچک و منطبق با دوازده ماه سال، برای هر مقام دو شعبه و شش آواز تعیین کردند. این طبقه بندی تا زمان آقامیرزا عبدالله رایج بود.

موسیقی دو رگه [Musiqiye Dorage]: نوعی موسیقی عامیانه در قالب ترانه های تقلیدی در محدوده دو دهه بین سالهای ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۷، این موسیقی بنا به تشخیص کنگره موسیقی یونسکو در سال ۱۳۴۰ تهران، موسیقی دو رگه نام گرفت.

موسیقی دوره پارتها [Mosiqiye Doure Pārthā]: مجموعه شواهد حاکی از آن است که گوسان ها در زندگی پارت ها و همسایگان ایشان تا اواخر عصر ساسانی نقش قابل ملاحظه ای را بازی کرده اند. واژه گوسان، منشاء پارتی دارد و اولین بار در شعرویس و رامین ظاهر شده است. واژه گوسان دومین بار با عنوان نو آئین است که صفتی است کهنه با تلفظ ایرانی میانه «نواگن» از واژه «نواگ» برابر «نوا». گوسان ها، سرگرم کنندگان پادشاهان و مردمان عادی و از محبوبیت بسیاری برخوردار بودند. وجود آهنگهای تک نغمه ای در نیایش های پیروان دین مانی، نیز استمرار نیایش های آهنگین باستانی را در دوران پارتها را تأیید می کند. اگر چه مانی در دوره ساسانیان زندگی می کرده ولی انتساب مادرش به خاندان وابسته به دربار اشکانی، تأثیر فرهنگ پارتی را در مانی نشان میدهد. در دوران پارتها، موسیقی و شعر آن چنان تنگاتنگ یکدیگر بودند که یک شاعر حرفه ای میبایستی نوازنده، موسیقیدان و خواننده باشد.

در دوران پارتها برخلاف هخامنشیان آثار متعددی در زمینه موسیقی بدست آمده است. آلات موسیقی در دوران پارتها، همچون دوران ایلام، تنها در برگزاری جشن ها بکار نمیرفت، بلکه در مراسم مذهبی - عبادی و از جمله مراسم قربانی کردن رواج داشت.

موسیقی دوره ساسانی [Musiqiye Doure Sāsāni]: از دوره ساسانی، علاوه بر ادامه سنت گوسان ها در شمال ایران، مدارک فراوانی از درخشش خنیاگری در دست است... هنیاگر و هنیواز واژه های فارسی میانه است که در فارسی کهن بصورت خنیاگر باقی مانده است. در متونی که به خنیاگران عصر ساسانی اشاره دارند، واژه نواگر جای آنرا گرفته است. با این همه اصطلاح رامشگر رایج تر است. در برخی از متون، واژه چکامه گر نیز دیده میشود. خنیاگران در عهد ساسانی، بعنوان طبقه سوم مملکت، یاد شده اند. در این طبقه موسیقیدانها و نوازندگان را در ردیف دبیران و پزشکان و ستاره شناسان قرار داده اند.

آ,ā A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Voklan) وحدان O,o V,v (Cub) جوب U,u C,c (Zale) زاله Z,z

خسرو پرویز روز خود را به چهار بخش تقسیم می کرد و بخش دوم آنرا با خنیاگران می گذراند. به اهمیت موسیقی در دوره ساسانی از دو طریق می توان پی برد.

۱- از طریق ملاحظه اسامی الحان و نواهای بسیار زیاد.

۲- از باقی ماندن اسامی عده ای از سازندگان و موسیقی دان های آن عصر نظیر: باربد جهرمی، نکبسا، رامتین، بامشاد، سرکش، سرکب و سوسن و...

نظامی از سی لحن باربد در خسرو و شیرین گفتگو کرده و نام این الحان در دیوان منوچهری و نظامی و دیگر شاعرهای پارسی آمده است.

علاقه شاهان ساسانی به موسیقی از روی نقوش برجای مانده بر دیوار کاخ ها و ظروف سیمین و زرین مشهود است. از سازهای رایج در این دوران با شکوه در هنر موسیقی میتوان به: رباب، بربط، تنبور، چنگ، بوق، سورنای، شیپور، نای ارغنون، دف، چغانه و قاشقک اشاره داشت.

موسیقی دوره ماد و هخامنشی [Musiqiye Doure Mád va Haxámāneši]: خنیاگری در دوران ماد وجود داشته است. دینون از آنگارس، خنیاگر بزرگ دوران ماد سخن می گوید که از متشخص ترین خوانندگان آن زمان بوده است. آنگارس، کسی است که به بزم شاه آستیگ دعوت شده است. خنیاگری در دوران هخامنشی، رونق بسیار داشته است. گزنفون گفته است: کورش تا آخرین روزها در «داستان و آواز» ستوده میشده است. در دوره هخامنشی، دو نوع موسیقی رزمی و مذهبی وجود داشته و با توجه به آن میبایستی در دستگاه پُر تجمل پادشاهان آن روزگار، موسیقی بزمی نیز وجود داشته باشد. از این دوران یک کرنای، دربالای سر آرامگاه داریوش سوم در پارسه (تخت جمشید) یافته اند که در موزه پارسه (تخت جمشید) نگهداری میشود.

از این دوره یک جفت سنج نیز باقی مانده که در موزه ملی ایران نگهداری می شود.

موسیقی سنتی [Musiqiye Sonati]: موسیقی سنتی دارای خصوصیات زیراست: ایجاد گونه ای فضا سازی با تأثیر بر شنونده، دارا بودن قواعد تثوریک مدون، ارائه بوسیله موسیقیدانهای حرفه ای. بررسی موسیقی سنتی مستلزم فراگیری قواعد نظری است.

موسیقی صوفیانه [Musiqiye Sofiyāne]: موسیقی رایج در خانقاه که بانی، رباب و تنبور نواخته و اجرا میشود.

موسیقی عرفانی [Musiqiye Erfāni]: این موسیقی پس از ظهور مولوی، در نزد عارفان و اهل حق

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (النای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o Cub) جوب C,c U,u Z,z زاله (Zale)

وصفا، مقامی بالا یافت. او پس از دیدن شمس تبریزی انقلابی در او بوجود آمد و مجالس وعظ را به بساط سماع و رقص مبدل ساخت.

موسیقی، مجله ماهانه [Majalleh Mähāneye Musiqi]: مدیر مسئول ز. هاکوپیان، سردبیر سعید خدیری (نشریه وزارت فرهنگ و هنر) در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۶ خورشیدی.

موسیقی محلی [Musiqiye Mahalli]: نوعی موسیقی که در نقاط مختلف ایران رایج است و از خصوصیات آن میتوان به: سادگی و روان بودن آن همراه با یک صدائی بودن آهنگهای آن اشاره کرد. موسیقی محلی ایران، سازنده مشخصی ندارد و آهنگهای آن سینه به سینه محفوظ مانده است. موسیقی محلی ایران در برگیرنده ترانه های قومی نقاطی بشرح زیر است:

بختیاری، بلوچی، ترانه های محلی فارس، گرگانی، گیلانی، مازندرانی، ترکمنی، خراسانی، لری، ترکی و...

موسیقی نظامی [Musiqiye Nezāmi]: این نوع موسیقی بیشتر در مواقع جنگ بکار میرود و سازهایی که در این موسیقی استفاده میشوند، سازهایی هستند با صدای بسیار بلند و مهیب و باشکوه.

موسیقی نظری [Musiqiye Nazari]: اصول علمی و ریاضی موسیقی است که از شاخه های فیزیک صوت محسوب میشود.

موسیقی نظری، کتاب [Ketāde Musiqiye Nazari]: در سه جلد نوشته استاد علی نقی وزیری که در سال ۱۳۱۳ خورشیدی چاپ شده است.

موسیقی نمایشی [Musiqiye Nemāyeši]: این نوع موسیقی، هرچه در صحنه نمایش واقع شود، توصیف می کند. محل آن در سالن تاتر، سینما و اپرا است. به این موسیقی، موسیقی توصیفی نیز می گویند. موسیقی فیلم در این طبقه جا دارد.

موسیقی ورزشی [Musiqiye Varzeši]: موسیقی مخصوص زورخانه که از آوازهای حماسی همراه با ضرب خوانده و اجرا می شود.

موسی کاشی [Musá Kāši]: کمانچه کش مشهور عهد قاجار که ساز او ۶ سیم داشت. سیم های اول

آ,ا A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdan) O,o V,v Cub) جوب C,c U,u Z,z زاله (Zale)

و دوم این ساز مضاعف بودند و سیم چهارم از زمان او معمول شد، چون تا قبل از او کمانچه سه سیم داشت.

موصلی، ابراهیم [Ebrābim Museli]: (۱۸۸ - ۱۲۵ هجری) فرزند ماهان، سراینده و نوازنده بنام عود در دربار هارون الرشید.

موصلی، اسحاق [Eshāq Museli]: (۲۳۵ - ۱۵۰ هجری) نوازنده، خواننده و آهنگساز دربار هارون الرشید که علاوه بر موسیقی از دانشمندان بنام زمان خود بود. از برجسته ترین شاگردان او میتوان به زریاب اشاره نمود.

موفق، حسین [Hoseyn Movafaq]: خواننده مشهور پیش از انقلاب که از او آلبوم: ساغرو می با ۱۲ ترانه در دسترس میباشد.

مولانا، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Molanā]: به سرپرستی جلیل عندلیبی که در سال ۱۳۵۶ خورشیدی تشکیل گردید.

مولانا مایلی اردبیلی [Molānā Māyeli Ardabili]: از شاعران غزل سرا و از موسیقیدانهای معروف عصر صفویه بود که تنبور را استادانه می نواخت و در دستگاه بزرگان طایفه شیخاوند میزیست.

مولن روژ (کاباره) [Kābāre Molan-ruž] کاباره مولن روژ واقع در کوچه سینما ملی لاله زار با برنامه های هنری متوسط.

مولو [Molu]: سازی است بادی از رده نای که بیشتر شبانان آنرا استفاده می کنند. این ساز، به ساز درویشان نیز شهرت دارد، جنس آن از شاخ آهو، چوب، جگن و یا استخوان پای پرندگان درشت جثه است. این ساز، صدای زیری دارد و کوچکترین نای موجود میباشد.

مولود خانم [Molud Xānom]: از دختران آقا میرزا عبدالله که سمت معلمی به استاد ابوالحسن صبا را داشته و ایشان مادر مهندس هوشنگ سیحون آرشیتکت و شهرساز معروف می باشند.

مولودی [Moludi]: از مقام های موسیقی در بوشهر.

مولوی، جلال الدین محمد [Jalāl-eddin Mohammad Molavi]: عارف، شاعر و حکیم و موسیقی دان که در ۶۰۴ هجری قمری در بلخ بدنیا آمد و در ۶۷۲ به درود زندگی گفت. او در فن موسیقی و ضرب اصول و الحان وقوف کامل داشته و او ساز رباب را خوش و استادانه می نواخته است. قبر این شاعر بزرگ در قونیه است و بارگاهی به نام قبه خضرا دارد. از آثار مولوی میتوان به: مثنوی معنوی، غزلیات شمس تبریزی، رباعیات، فیه مافیه، مکاتیب و مجالس سبعه اشاره داشت.

مولوی در قونیه به ارشاد و تدریس و تربیت طالبان علوم اشتغال داشت که در سال ۶۴۲، شمس تبریزی به این شهر آمد و بر مسند ارشاد و تدریس نشست و در ۱۵ ماهی که آنجا بود، مولوی را شیفته خود کرد و بخاطر جهل و تعصب مردم آنجا، آن شهر را ترک گفت و به دمشق رفت.

مولوی از پی او فرستاد و با پوزش از طرف مردم او را به قونیه بازگرداند ولی بار دیگر شمس تحمل نیاورده و در سال ۶۴۵ از قونیه رفت. مولوی نیز از پی او روان شد و سر به شیدائی برآورد. غزلیات خود را با نام شمس تبریزی مزین ساخت. مثنوی معنوی مولوی یکی از بزرگترین آثار ذوق و اندیشه بشری بشمار میرود.

مومن، گروه مطرب [Gruhe Motrebe Mowmen]: گروه مطرب در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه. در این گروه؛ مؤمن می خواند و دایره میزد، یکی از دخترهایش ارگ دستی میزد و دیگری می رقصید. زن مومن هم ضرب می گرفت.

مونا [Munà]: مونا بازیگر سریال تلویزیونی مورچه داره، ۱۸ سال است که در ترکیه، اسرائیل، دبی و آلمان می خواند و هفت آلبوم به زبان ترکی و فارسی در استانبول ترکیه اجرا و پخش نموده است. جدیدترین آلبوم این خوانند «آواز من» نام دارد. پیش از تغییر رژیم، او سه آهنگ از حسین واثقی در رادیو تلویزیون ملی ایران اجرا نموده است (سال ۱۳۵۲). اولین کنسرت این هنرمند در سال ۱۹۸۹ میلادی در اسرائیل بود.

مونو گرام، شرکت [Šerkat Monogram]: شرکت تولید صفحه و پخش آن در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی که در تهران فعالیت داشت.

موید محسنی، احمد رضا [Ahmad Reza Mowayed Mohseni]: آهنگساز ساکن تهران که از

A,ā A,ā آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وچدان (Vočdan) V,v O,o C,c چوب (Cub) U,u Z,z زاله (Zale)

او ساخت موزیک متن فیلم: مقاومت ساخته احمد نیک آذر که در سال ۱۳۶۶ به نمایش درآمد قابل ذکر است.

احمد رضا مؤید محسنی در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در سیرجان کرمان بدنیا آمد. از کودکی به موسیقی علاقه داشت. او ضرب و سرنا را پیش خود آموخت. از سن ۱۴ سالگی آموختن موسیقی را بطور جدی دنبال کرد و به سنتوری دست یافت و اولین آهنگ او از رادیو کرمان پخش شد. او در سال ۱۳۴۹ رسماً به قسمت سرپرستی ارکستر رادیو تلویزیون کرمان منصوب گردید. پس از اتمام دوران سربازی، مؤید محسنی به تهران آمد و تئوری موسیقی را نزد استاد مرتضی حنانه آموخت.

مؤید نسفی [Mowayed Nasfi]: از شاعران سده ششم هجری است که در دستگاه سلاطین آل افراسیاب بسر میبرده است.

مویه [Muye]: گوشه‌ای است در دستگاه‌های؛ سه گاه و چهارگاه، که بسیار غم انگیز است.



مویه زال [Muye-zâl]: از الحان موسیقی قدیم ایران.

مویه شور [Muye-sur]: گوشه‌ای است در دستگاه شور.

مویه صغیر [Muye-saqir]: گوشه‌ای است در دستگاه چهارگاه.

مویه کبیر [Muye Kabir]: گوشه‌ای است در دستگاه چهارگاه.

مویه مجلس [Muye-majles]: از گوشه های دستگاه سه گاه است.

مهاجر، مکابیز [Makábiz Mohájer]: لطفاً به مکابیز نگاه کنید.

مهبانو [Mahbānu]: خواننده ساکن لس آنجلس که از او آلبوم «صدائی در خلوت دل» در دسترس می باشد.

مہتاب [Mahtāb]: خواننده قدیمی که سالیان درازی است از او هیچگونه فعالیتی مشاهده نمی شود. مہتاب در لس آنجلس زندگی می کند.

مہتدی، امین اله [Amin-ollāh Mohtadi]: از اعضاء مؤسس انجمن موسیقی ملی ایران در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

مہتدی، مہران [Mehran Mohtadi]: مہران مہتدی در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در شیراز بدنیا آمد. از ده سالگی ویلن نواختن را آغاز و در ۱۵ سالگی رسماً در ارکستر رادیو شیراز به همکاری پرداخت. مہران مہتدی در سال ۱۳۵۱ به تهران آمد. او علاوه بر ویلن با نواختن سنتور و عود نیز آشنائی کامل دارد.

مہتر دودکی [Mehtar Dudaki]: نوعی نی لبک که ساخت آنرا به خواجه نصیرالدین طوسی نسبت میدهند.

مہداد [Mehdād]: ترانه سرا، آهنگساز و تنظیم کننده آهنگ. از نمونه کارهای او میتوان به ترانه: یارت نمی شم با صدای شیدا در آلبوم چشمون من اشاره داشت.

مہدوی، رضا [Rezā Mahdavi]: رضا مہدوی نوازنده سنتور بنا به تشویق پدرش در کلاس سنتور اداره فرهنگ و هنر استان کردستان ثبت نام کرد و در این کلاس به مدت دو سال نزد زنده یاد نیک بین آموزش دید. در سال ۵۷ به تهران آمد و به کلاس استاد حسین ملک رفت و از محضر پرویز مشکاتیان در کانون فرهنگی چاووش، نیز بهره برد. معلم بعدی او، مسعود شناسا در کانون موسیقی چنگ بود. او ردیف های استاد صبا را نزد خانم حلاج آموخت.

مهدی [Mehdi]: آهنگساز، تنظیم کننده و خواننده ساکن لس آنجلس که فعالیت خود را از آلمان آغاز و سپس در لس آنجلس متمرکز ساخت. از مهدی آلبومی بنام «زمون» در دسترس می باشد.

مهدیان، ایرج [Iraj Mahdyân]: خواننده خوش صدا و مشهور دهه ۱۳۴۰ و ۵۰ که در حال حاضر در اروپا زندگی می کند. از ایرج مهدیان ترانه های خاطره انگیز بسیاری بجا مانده است از آن جمله: شوره زار، ای دل بسوز، گل مریم، دیوونه ها، پری خوشگله، گل و گلدون، قصه آدما، یه مهربون، ای دل اگر هوس بود، بندر، التماس و خواهر ناز کوچولو. ایرج مهدیان سالها از همکاران نزدیک صمد نوریان ترانه سرا، خواننده و آهنگساز بود.

مهدی ضرابی [Mehdi Zarrâbi]: گوشه ای است در آواز بیات ترک.

مهدی قلی خان [Mehdi-qolixân]: از خوانندگان مشهور اواخر عصر قاجاریه است.

مهرآسا، افشین [Afšîn Mehr-âsâ]: نوازنده چیره دست دف و از همکاران هنرمند گرانقدر پژمان حدادی نوازنده ضرب.

مهرآور، سعید [Sawid Mehr-âvar]: خواننده، کارگردان و تهیه کننده برنامه تلویزیونی رنگارنگ در برلین آلمان با آلبوم دختر بلا.

مهراب ارمنی اصفهانی [Mehrád Armani Esfehâni]: از موسیقیدانهای زمان فتح علی شاه قاجار که سر دستگی مطربان و نوازندگان را به عهده داشته است.

مهرافشان، کریم [Karim Mehr-afšân]: عبدالکریم مهرافشان، نوازنده چیره دست ویلن در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در محله پاچنار - خیابان خیام تهران بدنیا آمد. در ده سالگی با خرید ویلن به مبلغ ده تومان مشغول نواختن آن شد. در آن سالها مهرافشان همواره با مخالفت پدرش مواجه میشد. در ۱۵ سالگی، پس از فوت پدر، او به کلاس شبانه انجمن موسیقی ملی رفت و نزد استاد حسین علی ملاح مشق ویلن گرفت. او سالها ارکستر انجمن موسیقی ملی به نوازندگی ویلن پرداخت. در سن ۲۵ سالگی بنا به پیشنهاد مشیرهمایون شهردار، اداره رادیو، مهرافشان را استخدام نمود، و در سال ۱۳۳۷، استاد حسین دهلوی او را از اداره رادیو به وزارت فرهنگ و هنر منتقل نمود.

آ,ا A,a آدم I (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,i W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زانه Z,z

عبدالکریم مهرافشان، آهنگساز و نوازنده چیره دست ویلن در حال حاضر مشغول تدریس موسیقی در تهران میباشد.

مهران [Mehran]: خواننده مقیم آمریکا که از او آلبوم های: دختر ابرونی و قصر سفید در دسترس میباشد. مهران، ۱۵ سال است که می خواند ولی کار خوانندگی را بطور جدی از سال ۱۳۷۶ آغاز کرده است.

مهران، اسماعیل [Esmāwil Mehrān]: آهنگساز شاغل در تهران و سازنده موزیک متن فیلم: یا زهرا ساخته جواد شمقدری که در سال ۱۳۶۱ به نمایش درآمد.

مهر ایران، مارش [Mārše Mehre Iran]: ساخته استاد علی نقی وزیری که در روز چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۲۰ خورشیدی از رادیو ایران پخش شد.

مهربانی [Mehrabāni]: گوشه ای است در آواز بیات ترک و دستگاه شور. لطفاً به مهرگانی نگاه کنید.

مهربانی



مهر پویا، عباس [Abbās Mehrpuyā]: زنده یاد عباس مهرپویا، آهنگساز، نوازنده، خواننده، دکواتور مشهور در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در نوجوانی به کار در سینما ایران واقع در لاله زار اشتغال ورزید و به عود علاقه نشان داده و بدنبال استادی بود که به او عود آموزش دهد. به یوسف کاموسی رجوع کرد ولی کاموسی بعزت بی حوصلگی آموزش او را بعهده نگرفت. تا اینکه احمد دهقان مدیر تاتر دهقان برای نمایش یوسف و زلیخا یک نوازنده بغدادی را به تهران دعوت کرد و آن نوازنده آموزش عباس مهرپویا را قبول نمود. مهرپویا از سینما ایران و کار در آن دست کشید و به مصر رفت. در پائیز ۱۳۳۳ وقتی زنده یاد پرویز خطیبی فیلم محکوم به ازدواج را می ساخت، مهرپویا به او مراجعه و از او می خواهد تا آهنگ های آن فیلم را بسازد و زنده یاد خطیبی قبول می کند.

مهرپویا در سال ۱۳۳۶ با کار هنری اش بنام: کلبه سُرخ پوستان و معرفی گیتار الکترونیک بیشتر مطرح شد. آهنگها، ترانه ها و نحوه اجرای او، موافقان و مخالفان بسیاری داشت. از خصوصیات مهرپویا، جهانگردی و مسافرت به نقاط دور افتاده و ناشناخته جهان و کنجکاوی در مورد هنر دنیا بود. او از سال ۱۳۴۲ سفر

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdan) وحدان O,o (Cub) جوب U,u C,c (Zale) زاله Z,z (Xayyam) خیام Y,y X,x (Qarq) غرق Q,q (Jamw) جمع W,w J,i (Sarkes) سرکش S,s K,k A,a (Adam) آدم A,a

هایش را به منظور جمع آوری اطلاعات جدید در مورد موسیقی آغاز کرد. او به هندوستان رفت تا درباره سی تار مطالعه کند و او بود که اولین بار همراه با سی تار ترانه «ساز غمگین» را خواند. پس از آن عازم آمریکا، مکزیک، اسپانیا و بسیاری از کشورهای عرب زبان شد.

سبک موسیقی مهرپویا خاص بود. آهنگ قایقرانان او که در سال ۱۳۴۲ اجرا و پخش شد با شعری از پرویز وکیلی با سبکی کاملاً نو ساخته شد. ریتم موزیک آن با صدای واقعی پاروی قایقرانی در موج دریا تنظیم گردید. دفتر هنری مهرپویا واقع در سه راه شاه تهران بود و او برای فیلم های بزرگ سینما نظیر تاراس بولبا، دکورهای باشکوهی در جلوی سینما های نمایش دهنده ساخت. طاق نصرت او مقابل وزارت صنایع و معادن بخاطر جشن های بیست و پنجمین سلطنت شاه، جایزه ای معادل ۵۰ هزار تومان بُرد.

مهرپویا در خرداد ۱۳۷۱ خورشیدی چشم از جهان فرو بست. از آهنگهای ماندگار زنده یاد مهرپویا میتوان به: تواز قبیله لبخند، من از قبیله اندوه، آسمان میگرید امشب، در میان گریه هایم، صدا کن مرا، و من گریان و نالانم و مرگ قوا اشاره داشت.

مهرتاش، اسماعیل [Esmáwil Mehrtāš]: استاد اسماعیل مهرتاش در سال ۱۲۸۳ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او ابتداء تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون به پایان رسانید و چون از کودکی دارای صدائی خوش بود، تصنیف های متداول زمان خود را زمزمه می کرد. او تار را نزد درویش خان آموخت و مراحل آنرا نزد داود شیرازی ادامه داد. او پس از مدتی به مدرسه عالی موسیقی و نزد کلنل وزیری رفت و مشق موسیقی گرفت. استاد مهرتاش بعدها، کلاس هائی جهت تعلیم تار، فن بیان و هنرپیشگی دایر کرد که تمامی آنها بطور رایگان بود. از شاگردان بنام کلاس او میتوان به:

مرضیه، ملوک ضرابی، ملکه حکمت شعار، محمدرضا شجریان، برادران وفائی، عبدالوهاب شهیدی، بهرام سیر، فریدون اسماعیلی (دوبلور) و... اشاره کرد.

زنده یاد اسماعیل مهرتاش حدود ۴۵۰ آهنگ مختلف ساخته و سهم بزرگی در امر موسیقی، سینما و تاتر ایران دارد. استاد مهرتاش، بانی جامعه بارید در لاله زار است. جامعه بارید در دوره های مختلف مکانش تغییر پیدا نموده است. طی سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۸ در اول خیابان فردوسی، روبروی کوچه طبس بود که اجاره ماهیانه آن ۱۲ تومان بود که به مالک آن احتشام السلطنه می پرداختند. این مکان بیشتر برای تمرین بود و چون سن نمایش نداشت. مهرتاش برنامه های خود را در سالن های مختلف شهر نظیر گراند هتل در لاله زار، محل فعلی تماشاخانه دهقان و سالن نکوئی (سینما هما) و سالن زرتشتیان در خیابان قوام السلطنه و سالن حاجی مفتاح الملک در حسن آباد اجرا می کرد. بهای ژر مخصوص ۱۰۰ تومان، و در سالن ۱۰، ۵ و ۲ و ۱ تومان بود.

جامعه بارید ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۱ یک دوره رکود را گذراند و از آن هیچگونه برنامه ای مشاهده نشد. مهرتاش در

آ،ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdan) O,o و حدان (Vojdan) V,v C,c U,u جوب (Cub) Z,z زاله (Zale)

سال ۱۳۲۱ به خیابان سعدی جنوبی، روبروی کوچه معین بوشهری رفت و در آن محل به فعالیت پرداخت.

در سال ۱۳۲۵، جامعه بارید به خیابان لاله زار کوچه بارید، محل فعلی سینما شهرزاد نقل مکان کرد. در سال ۱۳۲۸ جامعه بارید به اول خیابان لاله زار آمد و به مبلغ ۱۳۰۰ تومان درماه اجاره آن پرداخته شد. از سال ۱۳۳۶ که پای برنامه های کمدی و رقص و آواز به جامعه بارید باز شد این کانون از تاتر فاصله گرفت و مکانی شد برای فعالیت خوانندگان کوچه و بازار. استاد اسماعیل مهرتاش در سال ۱۳۵۹ چشم از جهان فرو بست.

مهرداد [Mehrdād]: مهرداد آسمانی، آهنگساز و خواننده جوان و مشهور ساکن لس آنجلس، در تهران بدنیا آمد. او سالها نزد استاد های موسیقی تعلیم دید و با گوشه و ردیف های موسیقی ایرانی آشنا شد.

او تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان هدف به پایان رسانید و در کنکور دانشکده دندانپزشکی دانشگاه پذیرفته شد ولی رفتن به جبهه جنگ ایران و عراق را ترجیح داد و دو سال به جنگ رفت. مهرداد به مدت هشت سال از مکتب دکتر داریوش صفوت بهره برد و نواختن سه تار را آموخت. ترانه؛ شما که سواد دارید از سروده های محمد بارانی، از جمله نخستین ترانه هائی بود که مهرداد اجرا کرد. مهرداد در سال ۱۳۶۹ خورشیدی به آمریکا آمد و امروزه از فعال ترین خوانندگان و آهنگسازان لس آنجلس بشمار میرود. در زیر به برخی از آلبوم های او اشاره می شود: خاتون، برگ گل، عروسک، صدای خورشید، آنتیک و پوست شب.

مهرداد [Mehrdād]: خواننده قدیمی پیش از انقلاب که از او ترانه «هفت روز هفته» در دسترس میباشد. این ترانه در آلبومی بنام نوآوران ۱، همراه با خوانندگانی چون: نلی، ابی، فرشته، مازیار، وثوق، حمید، ناصر، کسری، اکی بنائی، سهیل و فرهی ارائه شده است.

مهرگان بزرگ [Mehregāne Bozorg]: نام مقام و لحنی است در موسیقی قدیم ایران.

مهرگان خُردک یا کوچک [Mehregāne Xordak yā Kucek]: نام مقامی است در موسیقی قدیم ایران و نام لحنی است در موسیقی دوره ساسانیان.

مهرگانی [Mehregāni]: هم وزن و هم معنی مهربانی، مهرگانی در موسیقی ایرانی مهربانی نیز آمده

آ, a آ, a آدم (Ādam) S, s K, k S, s سرکش (Sarkes) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I, i و حدان (Voġdan) O, o V, v و حبان (Cub) C, c U, u چوب (Zale) Z, z زاله

است. مهرگانی، نام لحنی است از سی لحن باربد (لحن بیست و پنجم)

مهر و [Mahru]: خواننده جوان و زوج هنری آهنگساز و خواننده مشهور، احمد رضا نبی زاده است که مشترکاً دو آلبوم «تو با منی» با صدای مهر و پرواز در قفس با صدای احمد رضا نبی زاده را در یک جلد ارائه داده اند.

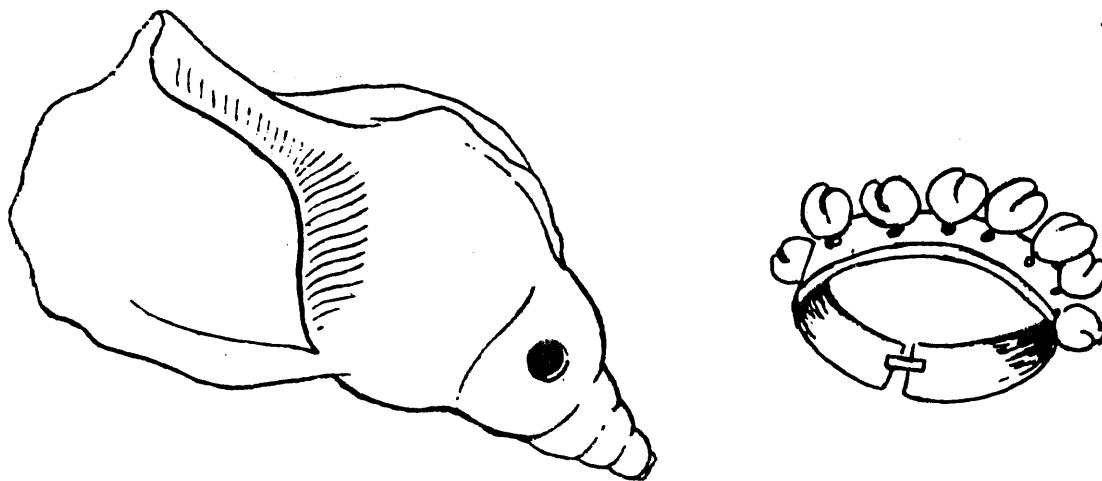
مهرورزان، هوشنگ [Hušang Mervarzán]: نوازنده چیره دست ضرب و همدوره با اکبر قهرمان، اصغر فرهمند و نصرت جانان.

مهره [Mohre]: سازی است از خانواده آلات موسیقی ضربی که انواع گوناگون دارد.

۱- نوع ضربی که میان تهی از جنس فلز است و شکافی دارد که درونش مهره کوچکتري نهاده اند. به این نوع مهره، زنگوله هم می گویند. اگر تعدادی از این زنگوله ها را به پا ببندند به آن پازنگ گویند. و اگر به دست ببندند به آن خلخال یا جلاجل گویند.

تعدادی از آنها را به چنبر دف و دایره می بندند. گاهی از این مهره ها به بازوی کودکان و یا به گردن حیوانات آویزان می کنند.

۲- نوع بادی. نوعی بوق است که از حلزونهای درشت جسته میساختند، و به آن سپید مهره می گفتند. نوع بزرگ را خر مهره می نامیدند. نوع دیگری از آن بود که از عاج می ساختند و به آن عاج مهره می گفتند.



مهری [Mehri]: سازی است رشته ای مطلق از رده چنگ.

مهستی [Mahasti]: (خدیجه دده بالا) خواننده مشهور قدیمی که ۳۵ سال است می خواند. شیوه

آ, a A, a آدم (Adam) S, s K, k Š, š سرکش (Sarkes) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)
Z, z زاله (Zale) C, c U, u چوب (Cub) V, v O, o وحدان (Vojdan) I, i ایران (Iran) وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن

خواندن او ترکیبی از موسیقی کلاسیک، مدرن، شاد و بزمی است که او همچنان در طی سالهای بسیار، آنرا حفظ کرده است. مهستی، خواهر هنرمند بزرگ ایران زنده یاد هاید است.

مهستی در طول زندگی هنری خود با استادهایی چون: بدیعی، یاحقی و پازوکی همکاری داشته که جهان بخش پازوکی آهنگ بیشترین ترانه های او را ساخته است. اولین آهنگی که او خواند، در گلهای ۴۲۰ رادیو ایران بود.

سازنده آهنگ، پرویز یاحقی بود با شعری از بیژن ترقی بنام: «آنکه دلم را برده خدایا» آهنگ بعدی او که موجب شهرت بیشترش شد. «دارم سئوالی ای خدا» بود که آهنگ آن از انوشیروان روحانی و ترانه سرای آن معینی کرمانشاهی بود و سومین ترانه او «دل میگه دلبر میاد» با شعری از هما میرافشار و آهنگ از عماد رام. پس از اجرای آهنگ های فوق، همکاری مهستی با جهان بخش پازوکی آغاز که حاصل آن دهها ترانه ماندگار از آن جمله: بچه نشو ای دل، قسم، خونه تکونی و... میباشد.

مهستی محبوبه سلطان سنجر سلجوقی [Mahasti Mahbubeye Soltān Sanjar]: از شعرای مشهور عهد سلجوقیان.

مهناز [Mahnāz]: مهناز، خواننده پیش از انقلاب که همکاری نزدیکی با زنده یاد فریدون فرخ زاد داشت.

مھوان، صدرالدین [Sadr-eddin Mahvān]: از آهنگسازان مشهور پیش از انقلاب که همکاری نزدیکی با عماد رام و تورج نگهبان داشت.

مهوش [Mahvaš]: خواننده مشهور کوچه و بازار و مردمی دهه ۱۳۳۰ خورشیدی که در بروجرد بدنیا آمد. در جوانی به تهران آمد و کار هنری خود را از کافه های لاله زار آغاز و بسرعت پیشرفت نموده و در چند فیلم فارسی بشرح زیر شرکت جست:

لیلی و مجنون ساخته علی محمد نوربخش با شرکت محسن فرید (۱۳۳۵).

برهنه خوشحال ساخته عزیز رفیعی با شرکت محسن مهدوی (۱۳۳۶).

نردبان ترقی ساخته پرویز خطیبی با شرکت نصرت اله وحدت (۱۳۳۶).

شباباجی خانم ساخته صادق بهرامی با شرکت علی زرنندی (۱۳۳۷).

یکی بود یکی نبود ساخته رحیم روشنیان با شرکت ویدا قهرمانی (۱۳۳۸).

دو عروس برای سه برادر ساخته محمد عبدی با شرکت آفت، شهین (۱۳۳۸).

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

از پاریس برگشته ساخته هنریک استپانیان با شرکت محسن فرید (۱۳۳۸)
 دختری از اصفهان ساخته احمد فهمی با شرکت شهین (۱۳۳۹)
 مهوش در تصادف اتوموبیل کشته شد و قبر او در ابن بابویه شهر ری می باشد.

مهیاری، امیر [Amir Mahyār]: خواننده خوش صدا و معروف استان فارس. از این خواننده آلبومی بنام گلریزان در دسترس می باشد.

می [Mi]: نام یکی از هفت نت موسیقی که در سیستم آمریکائی آنرا با E نشان میدهند.



می [Mey]: سازی است بادی چوبی از رده سورنای یا بالابان.

میامی (کاباره) [Kābare Mayāmi]: واقع در خیابان پهلوی جنب پارک ساعی که بیشتر اوقات برنامه هایش با اجرای هنرمند بزرگ ایران خانم گوگوش پُر بود.

میان پرده [Myān-Parde]: به پرده های فرعی روی دسته سازهای زهی پرده دار چون تار و سه تار اطلاق می شود. در نت نویسی به نیم پرده اطلاق می شود.

میانی [Myāni]: درجه سوم هر گام را گویند. (Mediante)

می بکار [Mi-bekār]: صدای اصلی و طبیعی نت می.

می بمل [Mi-bemol]: با علامت Mib، نیم پرده کمتر از نت می که نام دیگرش ردیز است.

میترا [Mitrā]: خواننده جوان، خوش صدا و صاحب سبک که در لس آنجلس از فعالیت بسیار خوبی برخوردار است. گنجینه های پارسی اثری است از این خواننده.

میتوئی، آرش [Āraš Mituwi]: نوازنده گیتار که در کانادا فعالیت دارد.

آ،ا Adam (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

میثاقیان، ذکراالله [Zekr-olláh Misáqyán]: نوازنده چیره دست و استاد تعلیم سنتور که در کلاس آموزش موسیقی خود در تهران، به آموزش این ساز اشتغال داشت. ذکراالله میثاقیان برادر بزرگ هنرمند گرانقدر مسعود میثاقیان است.

میثاقیان، مسعود [Maswud Misáqyán]: مسعود میثاقیان نوازنده چیره دست سنتور. در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و پس از اتمام تحصیلات متوسطه و خدمت نظام وظیفه به آلمان رفت و در آنجا موفق به اخذ مدرک مهندسی در رشته طراحی و معماری گشت. او از ۵ سالگی به نواختن سنتور روی آورد و در کلاس برادر بزرگش ذکراالله میثاقیان شرکت جست. او سپس به محضر استاد حبیب‌اله سماعی رفت و پس از مرگ استاد، نزد استاد ابوالحسن صبا به فراگیری دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقی ایرانی پرداخت. در سیزده سالگی، همکاری خود را با رادیو آغاز نمود. میثاقیان بالغ بر چهل سال است که مقیم کشور آلمان، شهر دوسلدورف است.

میثمی، حشمت‌السادات [Hešmat-ol-sadát Misami]: حشمت‌السادات میثمی در سال ۱۳۳۲ خورشیدی در قزوین بدنیا آمد. ازدواج با محمد وکیل‌ها، نوازنده چیره دست سنتور، عاملی بود برای گرایش او به سمت موسیقی. او پیانو را از شوهرش آموخت و از سال ۱۳۶۹ در قزوین موسیقی تدریس می‌کند.

میچکی، خواجه قلی محمد [XájeQoli Mohammad Miceki]: از موسیقیدانهای سده نهم هجری است که در قریه چهار باغ شیرغان هرات بدنیا آمد و از نوازندگان دربار سلطان حسین میرزای تیموری معروف به سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ - ۸۷۵ هجری) گشت.

میدان صدا [Meydâne Sedâ]: محدوده متوسط بین بم‌ترین و زیرترین صوت حاصل از یک ساز یا یک خواننده.

می دیز [Mi-diyez]: نیم پرده بیشتر از نت می که نام دیگرش فا، می باشد.

میرآفتابی، سید جلال‌الدین [Seyyed Jalál-eddin Mir-Aftâbi]: سید جلال‌الدین ملقب به افتخارالشعرا از شاعران معاصر در نیم سده گذشته است که در تهران بسر می‌برند.

آ,â A,â آدم (Ádam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdán) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

میراث [Mirás]: خواننده جوان ساکن لس آنجلس با آلبوم: صدایم کن. میراث، در کنار خوانندگی به نویسندگی هم اشتغال دارد. کتاب او نیز نامش میراث است. او در مازندران بدنیا آمده و مشوق او در خوانندگی پدرش می باشد.

میراژ [Mirāz]: شرکت تکثیر و پخش نوار کاست و CD های ایرانی در لس آنجلس.

میرافشار، هما [Homā Mir-afšār]: شاعر و ترانه سرای نامی معاصر که از او آثار بی شماری با صدای خوانندگان مختلف در دسترس می باشد. هما میرافشار از ترانه سرایان قدیمی رادیو ایران است که در زیر به برخی از ترانه های ماندگار او اشاره می شود. «در می خونه بسته» با صدای الهه، «بیگانه از دل» با صدای رویا، آن نگاه با صدای عبدالوهاب شهیدی، سکوت و مستی با آهنگ اسداله ملک. دلم گرفته و خونه عشق من تو با صدای اکبر گلپایگانی.

میرائی [Mirāwi]: به کاستن دامنه ارتعاش صوت با زمان اطلاق می شود.

میرجلالی، شهرام [Šahrām Mir-Jalālī]: نوازنده زبردست تار که در سال ۱۳۳۸ خورشیدی در اهواز بدنیا آمد، و از ۸ سالگی، نواختن عود را آغاز نمود. در سال ۱۳۶۲ بخاطر علاقه بیش از حد به تار، نزد استاد جلیل شهناز رفت و در کنار این یادگیری، ردیف و گوشه های موسیقی ایرانی را از استاد حسن کسائی آموخت. او از همکاران گروه سماع و دیلمان است.

میرحسینی [Mir-Hoseyni]: امیرفخرالسادات حسینی غوری هروی معروف به میرحسینی از شاعران سده هفت و هشت هجری است. او در شهر غزوی یا گزوی از بلاد غور بدنیا آمد ولی بیشتر عمرش در هرات گذشت. سال تولد او را ۶۷۱ هجری دانسته اند. از این شاعر آثاری بجا مانده است از آن جمله: زادالمسافرین، مثنوی عرفانی بروزن لیلی و مجنون نظامی، که نسخه کامل آن ۱۲۵۰ بیت دارد. کنزالرموز، بر وزن مثنوی مولوی با ۷۲۰ تا ۷۵۰ بیت. سی نامه با ۱۲۰۰ بیت. پنج گنج، مجموعه ای از ۵ قصیده و دیوان میرحسینی که بالغ بر ۱۵۰۰ بیت دارد.

میرحکاک، عزرا [Azrā Mir-Hakkāk]: نماینده کمپانی پولیفون آلمان در تهران به سال ۱۳۰۸ خورشیدی. محل این کمپانی صفحه پُرکنی، در خیابان چراغ برق بود.

میردار منصور پناهی، کیقباد [Keyqobād Mir-dār Mansur-panāhi]: کیقباد میردار در سال ۱۳۴۲ خورشیدی در روستای ایلت شهرستان نوشهر بدنیا آمد. او از ۱۰ سالگی نوازی را آغاز کرد. از جوانی درکنار نوازی به خوانندگی نیز روی نمود. او در حال حاضر در روستاهای سنگدره چالوس و ایت بصورت بیلاق قشلاق زندگی می کند.

میردار منصوری، شعبان [Šawbān Mir-dār Mansuri]: زنده یاد شعبان میردار منصوری از خوانندگان مشهور نوشهر مازندران است.

میرزا ابراهیم خاکی [Mirzā Ebrāhim Xāki]: از خوانندگان مشهور دوره قاجار در اصفهان و همدوره با درویش حسن و رحیم زری باف و رحیم خواجوئی.

میرزا ابوالحسن داود [Mirzā Abolhasan Dāvud]: از خوانندگان مشهور دوره قاجاریه و همدوره با آقا حسین طاهرزاده، قربان خان، حاجی امین، حسین تعزیه خوان شاهی و حسین شمیرانی.

میرزا احمد خان [Mirzā Ahmad-Xān]: نوازنده مشهور کمانچه در دوره قاجاریه و همدوره با نایب علی، باقر خان، صفدرخان و حسین خان.

میرزا اسداله خان [Mirzā Asadollāh-xān]: از تار نوازان مشهور عصر ناصرالدین و مظفرالدین شاه قاجار است.

میرزا باقر [Mirzā Bāqer]: از تعزیه خوان های بنام و موسیقیدان مشهور قزوین در عهد مظفرالدین شاه قاجار بود.

میرزا تقی [Mirzā Taqi]: از خوانندگان مشهور اصفهان در اواخر عصر قاجار و اوایل دوران پهلوی بوده است.

میرزا حبیب اصفهانی [Mirzā Habib Esfehāni]: آواز خوان و استاد تعلیم صدا در اصفهان که ادیب خوانساری از شاگردان او می باشد. میرزا حبیب اصفهانی پس از چندی از اصفهان به شیراز رفت و

آ, a آ, a آدم (Ādam) S, s K, k Š, š سرکش (Sarkes) J, j W, w جم (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyām)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irān) I, i وچدان (Vojdān) V, v O, o جوب (Cub) C, c U, u ژاله (Žale) Ž, ž

در آنجا زندگی نمود.

میرزا حسن [Mirzā Hasan]: پسر بزرگ علی اکبر فراهانی که تار و سه تار را با مهارتی خاص می نواخته و در زمره نوازندگان دربار ناصری بود. او در اوان جوانی فوت می کند.

میرزا حسن [Mirzā Hasan]: از خوانندگان معروف کاشمر خراسان در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی.

میرزا حسن خاکی [Mirzā Hasan Xāki]: از خوانندگان مشهور دوره قاجار که در اصفهان فعالیت داشت.

میرزا حسن قزوینی [Mirzā Hasan Qazvini]: از استادان بنام آواز و معلم اقبال السلطان (ابوالحسن اقبال آذر) می باشد. علاوه بر اقبال آذر، خوانندگان دیگری چون: عبدالکریم جناب و قربان خان شاهی نیز تعلیم داده است. میرزا حسن قزوینی از خاندان ملا علی حسین قزوینی است.

میرزا حسن واعظ [Mirzā Hasan Vāwez]: روضه خوان و معلم آواز ابوالقاسم عارف قزوینی، موسیقیدان و شاعر انقلابی ایران.

میرزا حسین [Mirzā Hoseyn]: از تعزیه گردانهای تکیه سید اسماعیل تهران در دوره ناصرالدین شاه بوده است.

میرزا حسین [Mirzā Hoseyn]: خواننده قدیمی که از او تصنیف سه گاه که روی صفحات هیزمسترویس ضبط شده است موجود می باشد.

میرزا حسین تنبوره‌ای [Mirza Hoseyn Tanburei]: محمد حسین تنبوره‌ای که به میرزا حسین مشهور است.

نوازنده معروف تنبور در دوره صفویه می باشد.

میرزا حسین ساعت ساز [Mirzā Hoseyn Sāwatsāz]: خواننده مشهور قدیمی در اصفهان و

آ,ā A,ā آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

استاد جلال تاج اصفهانی است. او همدوره با دیگر خوانندگان آن زمان نظیر: میرزا حبیب شاطر حاجی و حاج عندلیب بود.

میرزا حسین علی [Mirzá Hoseyn-ali]: از تعزیه خوان های معروف دوره ناصرالدین شاه قاجار است.

میرزاده عشقی [Mirzade Ešqi]: سید محمد رضا فرزند حاج ابوالقاسم کردستانی در سال ۱۳۱۲ هجری قمری در همدان بدنیا آمد. از ۷ سالگی در مدارس الفت و آلیانس به تحصیل فارسی و فرانسه پرداخت. پس از فراغت از تحصیل در تجارتخانه یک فرانسوی به شغل مترجمی مشغول شد. در سال ۱۳۳۲ قمری، او «نامه عشقی» را در همدان انتشار داد و در سال ۱۳۳۶ قمری، نوروزنامه را در استانبول سرود و در کتابخانه شمس آنجا چاپ و منتشر ساخت. از زیباترین اشعار این شاعر ملی، قطعه کفن سیاه در دفاع از مظلومیت زنان در مقابل مصائب مذهبی و جهل دین است. او ۱۷ شماره از روزنامه «قرن بیستم» را انتشار داد و درسی و یک سالگی میرزاده عشقی در بامداد ۱۲ تیرماه ۱۳۰۳ خورشیدی در خانه مسکونی اش، جنب دروازه دولت، نسه راه سپهسالار، کوچه قطب الدوله هدف گلوله متعصبین مذهبی قرار گرفت و کشته شد.

میرزاده، مجتبی [Mojtabā Mirzade]: مجتبی میرزاده در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. در کودکی به زدن نی لبک روی آورد و نواختن او باعث شد تا برادر بزرگتر به موسیقی علاقمند شده و سنتوری تهیه کند. پس از زمانی کوتاه که از سنتور نوازی برادر بزرگ گذشت، او خسته شده و ساز را به کناری گذاشت و آن زمان سنتور نصیب مجتبی گردید و با پشتکار فراوان بدون معلم شروع به نواختن سنتور کرد. در آن سالها با استاد حسن کامکار آشنا و به رادیو سنندج راه یافت. او در کرمانشاه با خوانندگانی چون: حسن زیرک، مظهر خالقی، خوش نوا و هاشم ربیعی برنامه اجرا می کرد. میرزاده در سال ۱۳۴۶ به تهران آمد و نت خوانی را آموخت. یکسال بعد در سال ۴۷ در آزمون رادیو شرکت کرد و مصطفی کسروی، او را پذیرفت و او با ارکسترهای نکيسا و بارید همکاری خود را آغاز کرد. ساز تخصصی این هنرمند، ویلن است. او مدتی، سرپرستی ارکستر سماعتی را بعهده داشت و مجموعاً بیش از ۴۲ موزیک متن برای فیلم های فارسی ساخته است.

میرزاده، مهشید [Mahšid Mirzade]: نوازنده چیره دست سنتور و از اعضای فعال گروه موسیقی لیان در آمریکا.

میرزا رحیم [Mirzā Rahim]: از تعزیه خوانی های تکیه دولت و از نوازندگان کمانچه در دستگاه نایب السلطنه بوده است.

میرزا رحیم کمانچه کش [Mirzā Rahim Kamānce-keš]: از موسیقیدان های مشهور در سال های پیش و بعد از ۱۳۰۰ خورشیدی که سمت استادی ویلن بر روح اله خالقی دارد.

میرزا شفیع [Mirzā Šafiw]: از هنرمندان شیرازی که همراه با دو برادر خود، محمد رضا خان و محمد صادق خان نوازنده معروف سنتور به دربار ناصرالدین شاه راه یافتند.

میرزا عباس [Mirzā Abbās]: از خوانندگان صاحب نام دوره قاجاریه و همدوره با سید احمد خان، قلی خان و قربان خان قزوینی است.

میرزا علی اکبر خان شاهی [Mirzā Ali-akbar-xān Šāhi]: نوازنده سنتور در دوران قاجاریه و از شاگردان محمد صادق خان سرورالملک بود که صفحه ساز تنها و همراه با آواز از وی باقی مانده است. او در سال ۱۲۷۴ هجری مطابق با ۱۸۵۷ میلادی بدنیا آمد و از ابتدا نوازنده مخصوص نایب السلطنه بود. میرزا علی اکبر خان در سال ۱۳۴۱ هجری برابر با ۱۹۲۳ میلادی چشم از جهان فرو بست.

میرزاظلی، رضاقلی [Rezā-qoli Mirzā Zelli]: خواننده مشهور و قدیمی که از اجرای دستگاه های موسیقی ایرانی توسط او صفحاتی وجود دارد.

رضاقلی میرزا ظلی در کودکی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی برادر بزرگش علیقلی میرزا ظلی قرار گرفت. او تا آخر عمر در اداره تلفن، آموزش و پرورش و بانک ملی ایران مشغول به کار بود. نخستین استاد او عارف قزوینی بود. او پس از فراگیری مقدمات ردیف آواز نزد عارف قزوینی، پیش اقبال آذر رفت و به تکمیل اندوخته های خود پرداخت.

کمپانی کلمبیا از او برای ضبط صفحه دعوت بعمل آورد و او چندین صفحه پُر نمود که از میان آنها؛ آواز اصفهان با پیانوی مشیر همایون شهردار و سه گاه با ویلن ابوالحسن صبا قابل ذکر است. پخش این صفحات در سال ۱۳۱۲ خورشیدی باعث شهرت او شد.

در سال ۱۳۱۶ ظلی به بیماری سل مبتلا شد و در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در بیمارستان بانک ملی چشم از جهان فرو بست.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن Iran (ایران) I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) U,u C,c زاله (Zale) Z,z

میرزا عبدالله [Mirzā Abdollāh]: لطفاً به عبدالله، آقامیرزا نگاه کنید.

میرزا عبدالمولی [Mirzā Abdol-molā]: نوازنده مشهور تار در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار که بعدها آقا غلام حسین بر او پیشی گرفت.

میرزا علی چنگی هروی [Mirzā Ali-cangi Heravi]: از موسیقیدانهای معروف هرات و معاصر سلطان حسین و امیر علی شیرنوائی بوده است. او پدر درویش علی، موسیقیدان معروف سده دهم هجریست.

میرزا غلام حسین [Mirzā Qolām-hoseyn]: از نوازندگان معروف کمانچه و معاصر با آقای علی اکبر، خوش نواز و سنتورخان در دوره قاجاریه بوده است. او سازی ساخت بنام مجلس آرا.

میرزا غلامرضا شیرازی [Mirzā Qolām-rezā Širāzi]: نوازنده مشهور تار که به عموجان معروف بود. از این هنرمند صفحات بسیاری روی دیسک های ۲۵ سانتی متری باقی مانده است.

میرزا محمد [Mirzā Hohammad]: از خوانندگان قدیمی و مشهور کاشمر خراسان.

میرزا محمد خان [Mirzā Mohammad-xān]: از خوانندگان قدیمی که از او صفحاتی که بنام صفحه ۲۵ سانتی متری معروف است باقی مانده است. کجائی ای دل، تصنیف ترکی از اجراهای این خواننده است که با تار میرزا غلامرضا شیرازی همراهی شده است.

میرزا محمد کمانچه ای [Mirzā Mohammad Kamāncei]: نوازنده مشهور دوران صفویه.

میرزا نصیر اصفهانی [Mirzā Nasir Esfehāni]: از شاعران، طبیبان و موسیقیدانهای سده دوازدهم هجری است. او در فارس دنیا آمد و برای تحصیل به اصفهان رفت. او بعدها به شیراز رفت و طبیب و ندیم کریم خان زند شد. رساله ای از او راجع به موسیقی و طب بجا مانده است. میرزا نصیر اصفهانی در سال ۱۱۹۱ هجری در شیراز چشم از جهان فرو بست.

میرزا وندی، محمد [Mohammad Mirzāvandi]: خواننده مشهور و سرشناس لر.

میرزای صفوی، ابوالقاسم [Abolqāsem Mirzāye-Safavi]: از شاعرهای مشهور عهد صفویه است که زبانی گرم و گیرا و قلمی برنده داشت. بدستور شاه صفی در سال ۱۰۴۱ هجری چشم میرزا را میل کشیدند و او را کور کردند.

میرزائی [Mirzawi]: نام گوشه‌ای است در دستگاه ماهرور.

میرزایی



میرزائی، حبیب [Habib Mirzāwi]: آهنگساز و نوازنده مشهور ترانه‌های محلی بختیاری.

میرزائی، کمال [Kamāl Mirzāwi]: کمال میرزائی در شهریور ۱۳۱۸ خورشیدی در شهرستان اراک بدنیا آمد. مشوق او به موسیقی، محمد تقی شاه کرمی بود که تار می نواخت. در دوران دبیرستان او نزد زنده یاد ایرجی نوازنده تار در اراک رفت و نت خوانی را از او آموخت. او پس از دریافت دیپلم خود به تهران آمد و نزد استاد حبیب‌اله صالحی به فراگیری ردیف‌های موسیقی ایرانی پرداخت. کمال میرزائی در سال ۱۳۴۶ در آزمون دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شرکت و پس از موفقیت از مکتب استاد هائی چون: نورعلی خان برومند، دکتر داریوش صفوت بهره‌ها گرفت. پس از لیسانس، او بمدت ۹ سال با برنامه کودکان و نوجوانان رادیو و تلویزیون همکاری نمود. از سال ۱۳۶۹ تاکنون او با مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایرانی همکاری دارد.

میر زمانی بافقی، سید محمد [Seyyed Mohammad Mir-zamāni Bāfqī]: آهنگسازی که از او ساخت موزیک متن فیلم: دست نوشته‌ها ساخته مهرزاد مینویی در سال ۱۳۶۵ قابل ذکر است.

میرشعبان [Mir Šawbān]: از خوانندگان مشهور کاشمر خراسان در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی.

میرشکاری، جهانگیر [Jhāngir Mir-Šekāri]: جهانگیر میرشکاری در سال ۱۳۲۸ خورشیدی

A,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i و حدان (Vojdan) O,o V,v و جوب (Cub) U,u C,c زاله (Zāle) Z,z

در آبادان بدنیا آمد. در سال ۱۳۴۸ وارد دانشکده رادیو تلویزیون شد. او مدتی در تلویزیون آبادان کار کرد و پس از تغییر رژیم به تهران انتقال یافت. از فیلم هائی که توسط این هنرمند صداگذاری شده میتوان به: باشو غریبه‌ی کوچک، خانه دوست کجاست، اجاره نشین ها و شاید وقتی دیگر نام برد.

میر صبحی [Mir-Sobhi]: از خوانندگان و نوازندگان مشهور عهد صفوی بوده است.

میر ظلی [Mir-zelli]: از خوانندگان و شاعران زمان شاه سلیمان صفوی و اهل مشهد بوده است.

میر عبدالله قانونی [Mir-abdollah Qānuni]: از موسیقیدان ها و نوازندگان قانون در عهد صفویه است که به هندوستان رفت و در دستگاه همایون شاه، ندیم و مقرب او شد.

میر عمادی، میر محمد [Mir-mohamod Mir-emādi]: از اعضاء مؤسس انجمن موسیقی ملی ایران که در تیرماه ۱۳۲۳ خورشیدی تأسیس شد.

میر غرا [Mir-qarrā]: روضه خوان مشهوری که نامش را در طبقه بندی مکتب های آوازی، در مکتب تهران به همراه نیم تاج (صدرالواعظین)، طاهر زاده، ادیب خوانساری، امیر قاسمی و حسن قصاب ذکر می کنند.

میر فضل اله [Mir-Fazl-ollāh]: از نوازندگان تنبور و خوانندگان سده دهم هجری در دربار شاه عباس اول بوده است.

میر فریبی سمنانی [Mir-Faribi Semnāni]: از نوازندگان و موسیقی دان های عهد صفویه است.

میر قنبر [Mir-Qanbar]: کوتاه ترین شئر (آوازی که متن آنرا داستانهای حماسی و عشق و رویدادهای تاریخی و اجتماعی می سازد) در بلوچستان است.

میرک، سعید [Sawid Mirak]: سعید میرک نوازنده ضرب در سال ۱۳۳۷ خورشیدی در دروازه شمیران تهران بدنیا آمد. در نوجوانی به کلاس زنده یاد امیر ناصر افتتاح رفت. پس از درگذشت افتتاح به کلاس امیر بیداریان رفت و به تکمیل آموخته هایش پرداخت.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,i W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

میر کرمانی [Mir-Kermāni]: از شاعران غزل سرای سده هشتم هجری است که در شعر «میر» تخلص می کرده است. او معاصر شیخ اویس جلایر (۷۵۷ - ۷۷۶ هجری) بوده است. دیوان این شاعر حاوی هشت هزار بیت است.

میر محمود نجفی مشهدی [Mir-Mahmud Najafi Mašhadi]: از موسیقیدانها و نوازندگان سده دهم هجری و شاگرد ملا عبدالعلی، موسیقیدان مشهور سده نهم هجری است.

میر مست [Mir-mast]: از نوازندگان و موسیقیدانهای سده نهم هجری است که در دربار اکبر شاه گورکانی نوازندگی می کرد.

میر نجات اصفهانی [Mir-Nejāt Esfehāni]: میر عبدالعال متخلص به نجات، متولد کهکیلویه، ساکن اصفهان، از شاعران سده دوازدهم هجری است، که در دربار شاه سلیمان صفوی بخدمت اشتغال داشته است. آثار او را میتوان تحت شماره های **or 4772** و **or 3668** در کتابخانه موزه بریتانیا یافت. کلیات او بالغ بر هزار بیت دارد. این شاعر در سال ۱۱۲۶ هجری چشم از جهان فرو بست.

میر نقیبی، محمد [Mohammad Mir-Naqibi]: محمد میرنقیبی در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در مشهد بدنیا آمد. در کودکی همراه دختر خاله اش، خانم پوران شجیعی که شاگرد استاد اسماعیل زرین فر بود به کلاس این استاد میرود و با نوای ویلن آشنا می گردد. در سال ۱۳۱۴ با خرید ویلن، کار تمرین را بطور سخت آغاز می کند و او نیز به کلاس استاد اسماعیل زرین فر میرود.

در سال سوم متوسطه، از طرف وزارت فرهنگ برای همکاری در رشته سرود و موسیقی جهت تدریس، از او دعوت می شود. محمد میرنقیبی در سال ۱۳۲۶ به تهران منتقل شد و علاوه بر تدریس موسیقی در مدارس به کلاس استاد ابوالحسن صبا جهت ویلن، استاد روح اله خالقی جهت تئوری موسیقی و روبیک گریگوریان برای فراگیری سلفژ میرود.

محمد میرنقیبی، آهنگهای زیبائی برای برنامه گلهای رادیو ساخته است.

میریان، امیرالدین [Amir-eddin Miryān]: امیرالدین میریان در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در سال ۱۳۵۱ وارد دانشکده رادیو و تلویزیون گردید و پس از گذراندن دوره تخصصی به عنوان صدابردار در سازمان رادیو تلویزیون بکار اشتغال ورزید.

A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

میزان [Mizàn]: به تقسیمات موسیقی از نظر زمان گفته می شود.

میزان ترکیبی [Mizàne Tarkibi]: میزانی است که هر ضرب آن بطور طبیعی قابل قسمت به اعداد سه، شش و دوازده باشد.

میزان ساده [Mizàn Sàde]: میزانی است که هر ضرب آن بطور طبیعی قابل قسمت به اعداد دو، چهار و هشت باشد.

میزان های لنگ [Mizànhàye lang]: به مجموع دو یا چند میزان نامساوی اطلاق می شود.

میزانی، فیروزه [Firuze Mizàni]: مسئول بخش موسیقی و مقالات آن در هفته نامه تماشا که در سالهای پیش و بعد از ۱۳۵۰ در تهران چاپ میشد.

میکائیلی زاده، گریشا [Griša Mikāwilizāde]: گریشا میکائیلی زاده در سال ۱۳۰۸ خورشیدی در شهر دوشنبه تاجیکستان بدنیا آمد و در سال ۱۳۱۴ به ایران مهاجرت نمود و مدتی در کرمانشاه ساکن و سپس به سنندج رفت و در این شهر سکونت گزید.

اولین معلم ویلن او در سنندج، استاد حسن کامکار بود. در سال ۱۳۳۳ در وزارت آموزش و پرورش کردستان بعنوان معلم سرود و موسیقی استخدام شد، و بمدت ۲۷ سال به این حرفه ادامه داد تا ۱۳۶۰ که بازنشسته شد. او سالها با رادیو ارتش و رادیو سنندج همکاری داشت و در سال ۱۳۵۰ که تلویزیون کردستان، مرکز سنندج افتتاح شد، سرپرست ارکستر رادیو و تلویزیون کردستان بود.

میگلی [Meygoli] نام گوشه ای است در دستگاه همایون.

میلاد [Milād]: خواننده جوان ساکن لس آنجلس که از او آلبوم: آواز خوان ناشناس اجرا و پخش شده است.

میلی هروی [Mili Heravi]: میرزا محمد قلی هروی متخلص به میلی از شاعران سده دهم هجری

است. محل تولد او هرات و جای تربیت او مشهد بوده است. او شاعری بود که قصیده ها و غزلهایش

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وچدان (Vojdān) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

ساده و دور از ابهام است. دیوان این شاعر به شماره 314 or در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری می شود.

مینا [Miná]: از خوانندگان مشهور زن در دوران فتح علیشاه و محمد شاه. مینا زن مصطفی خان عمو و از شاگردان مهرباب ارمنی اصفهانی بوده است.

مینا [Miná]: ترانه سرایی که برای خوانندگان ساکن لس آنجلس ترانه سرایی می کند.

میناسیان، ژورا [Jorā Mināsyan]: آهنگساز، رهبر گر و معلم زبان انگلیسی در سال ۱۹۲۶ میلادی از پدری ایرانی در شهر گروزنی روسیه بدنیا آمد. او به همراه خانواده اش در سال ۱۹۳۰ میلادی به تبریز آمد. در تبریز تحت تعلیم استاد های معروفی چون: شوارش باغدا ساریان و لئون گریگوریان، پدر استاد بزرگ موسیقی روبیک گریگوریان به فراگیری موسیقی پرداخت. او سالها رهبر دسته گر در تبریز، آبادان و تهران بود. ژورا میناسیان خالق بیش از یکصد آهنگ ارمنی و فارسی می باشد. این هنرمند در زمینه موسیقی و ادبیات کودکان چهره شناخته شده ای میباشد. ژورا میناسیان از مشاوران فنی دانشنامه مصور موسیقی ایران است که در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می کند. ژورا میناسیان از بیانگذاران باشگاه ورزشی ساسونی داویت تبریز بود و در همان باشگاه در سن ۱۸ سالگی، گروه گر ۶۵ نفری را اداره می کرد. ژورامیناسیان برای خدمتی که به جامعه ایرانی در امر موسیقی انجام داده از سوی دربار شاهنشاهی و خلیفه گری ارمنی ایران نائل به دریافت دو نشان شده است.

میناسیان، هاسمیک [Hásmik Mināsyan]: خواننده ترانه های فولکلوریک در رادیو تبریز که در سال ۱۹۳۵ میلادی در آن شهر بدنیا آمد.

میناسیان، هاملت [Hámlet Mināsyan]: هاملت میناسیان آهنگساز، تنظیم کننده، نوازنده پیانو و برنامه ساز تلویزیون در سال ۱۹۴۲ میلادی در تبریز بدنیا آمد. او از فارغ التحصیلان هنرستان موسیقی تبریز و هنرستان موسیقی تهران است که آموزشهای خود را تحت نظر استاد ملیک اصلانیان دیده است. او سالها، رهبر گر در تبریز و تهران بود و برای فیلم های زیر: فاتحین صحرا ساخته محمد زرین دست (۱۳۵۰). دل های بی آرام ساخته اسماعیل ریاحی با شرکت زنده یاد فریدون فرخ زاد و ایرج قادری (۱۳۵۰). شهر آفتاب ساخته محمد زرین دست (۱۳۵۱). موزیک متن ساخته است. هاملت میناسیان از مشاوران فنی دانشنامه مصور موسیقی ایران است. این هنرمند گرانقدر در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می کند و به کار آهنگسازی برای خوانندگان ساکن این شهر می پردازد.

آ,ا Adam (Ádam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

مینالیزا [Minā Liza]: زوج هنری محمود خواننده سرشناس مقیم آمریکا که از او آلبوم: آتش بازی در دسترس میباشد.

میون کتولی [Myun Katuli]: از مقام های اصلی در موسیقی مناطق مرکزی مازندران است.

مین باشیان غلامرضا خان [Qolāmrezā-xān Minbāšyān]: لطفاً به سالار معزز نگاه کنید.

مین باشیان، غلامحسین [Qolām-hoseyn Minbāšyān]: فرزند غلامرضا مین باشیان (سالار معزز)، که تحصیلات خود را در رشته ویلن در آلمان انجام داده بود و بعثت بی اطلاعی از موسیقی ملی با این رشته سرنا سازگاری داشت. در زمان تأسیس رادیو سرپرست کمیسیون موسیقی رادیو بود که پس از حادثه سوم شهریور ۱۳۲۰ و اشغال، ایران این کمیسیون که بخشی از سازمان مرکزی پرورش افکار بود با انحلال آن سازمان برچیده شد.

غلام حسین مین باشیان در سال ۱۳۱۳ به جای زنده یاد علی نقی وزیری به ریاست هنرستان عالی موسیقی منصوب شد. از کارهای او استخدام استاد های چک در اواخر ۱۳۱۷ خورشیدی بود. غلام حسین مین باشیان تا سال ۱۳۲۰ که استاد علی نقی وزیری دوباره به ریاست هنرستان موسیقی منصوب شد. به ژشد موسیقی غربی و تضعیف موسیقی ملی ادامه داد. او موسیقی ملی و تدریس آنرا در هنرستان قطع نمود. با روی کار آمدن مجدد وزیری، او ارکستر نوین را ساخت که به اجرای آهنگهای ایرانی بجای ارکستر هنرمندان چک که تنها موزیک اروپائی میزدند، پردازند.

مین باشیان، نصراله [Nasr-ollāh Minbāšyān]: نصراله مین باشیان پسر بزرگ سالار معزز است که مقدمات تحصیل موسیقی را در شعبه موزیک دارالفنون فراگرفت و سپس به اروپا رفت و پس از فراغت از تحصیل به ایران بازگشته و در اداره امور مدرسه موزیک، دستیار پدرش شد و به سمت معلمی در رشته؛ ویلن سل و پیانو به کار پرداخت. او بیشتر به موسیقی اروپائی توجه داشت، اما موسیقی ایرانی را نیز با پیانو می نواخت. او تا درجه سرهنگی ارتقاء یافت. بعدها، معاون مدرسه موزیک شد. او پس از پدرش، سالار معزز، رئیس موزیک نظام گردید.

مین باشیان، نعمت [Newmat Minbāšyān]: خواننده سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۵ که او را نبایستی با غلامرضا مین باشیان اشتباه گرفت. صفحات این خواننده در هندوستان با سرمایه حسین استوار

آ,ā A,ā آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وجدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

ضبط و در ایران پخش شد.

مینوری، منوچهر [Manucehr Minuri]: نوازنده چیره دست نی و از شاگردان ممتاز استاد حسن کسایی است.